

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نظام آموزش مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر

تنظیم و تدوین:

پاسدار انقلاب اسلامی هادی حسن زاده

تابستان ۱۳۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

سطح اول: آموزش عمومی

فصل اول: اهمیت، ضرورت، چستی و جرایبی

- ۱-۱- برای چه امر به معروف و نهی از منکر کنیم.
- ۱-۲- امر به معروف و نهی از منکر چه نتیجه ای دارد.
- ۱-۳- امر به معروف نهی از منکر چیست و کجا مصداق پیدا می کند.
- ۱-۴- تفاوت بین امر و نهی با تبلیغ و موعظه در چیست.
- ۱-۵- چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم.

فصل دوم: کلیات مجمع رهروان

- ۱-۲- فلسفه
- ۲-۲- تعریف
- ۲-۳- اهداف
- ۲-۴- چشم انداز، ماموریت و حدود وظایف
- ۲-۵- تعامل و ارتباطات
- ۲-۶- فرایند عضوگیری و فعالیت
- ۲-۷- سطح بندی نظام آموزش مجمع
- ۲-۸- روشهای اجرای نظام آموزش

سطح دوم: آموزش تخصصی

فصل اول:

- ۱-۱- مبانی حاکم بر فعالیت مجمع رهروان
- ۱-۱-۱- مبانی عقلی و فطری
- ۱-۱-۲- مبانی دینی و اعتقادی
- ۱-۱-۳- مبانی تدبیری و ولایی
- ۱-۱-۴- مبانی فقهی و اخلاقی
- ۱-۲- اصول حاکم بر فعالیت مجمع رهروان
- ۱-۲-۱- اصول فکری و معرفتی
- الف- ضرورت خودشناسی
- ب- ضرورت انسان شناسی
- ج- ضرورت جامعه شناسی
- ۱-۲-۲- اصول انگیزشی و عاطفی
- ۱-۲-۳- اصول عملی و رفتاری

فصل دوم:

- ۱-۲- تعریف معروف و منکر
- ۲-۲- تعریف امر و نهی
- ۳-۲- تعریف امر به معروف و نهی از منکر
- ۴-۲- مصادیق معروف و مصادیق منکر
- ۵-۲- تفاوت بین امر و نهی با تعلیم و تبلیغ و ارشاد
- ۶-۲- چرایی امر به معروف و نهی از منکر
- ۷-۲- نتایج و اثرات امر به معروف و نهی از منکر

فصل سوم:

- تعریف، جایگاه و ویژگیهای آمران به معروف و ناهیان از منکر
- ۱-۳- تعریف آمر به معروف و ناهی از منکر
 - ۲-۳- جایگاه آمران به معروف و ناهیان از منکر
 - ۳-۳- ویژگی ها و خصوصیات آمران به معروف و ناهیان از منکر

فصل چهارم:

- ۱-۴- شرایط امر به معروف و نهی از منکر
- ۲-۴- مراتب و مراحل امر به معروف و نهی از منکر
- ۳-۴- آداب امر به معروف و نهی از منکر

فصل پنجم:

- روش ها و مراحل انجام امر و نهی
- ۱-۵- روش ها
 - ۲-۵- روش فردی و مدیریتی
 - ۳-۵- روش کلامی و غیر کلامی
- الف- روش کلامی حضوری
ب- روش کلامی غیر حضوری
ج- روشهای غیر کلامی

فصل ششم:

- ۱-۶- آسیب های امر به معروف و نهی از منکر

فصل هفتم:

- ۱-۷- پاسخ به برخی از شبهات
- ۲-۷- برخی از بهانه های واهی برای فرار از امر به معروف و نهی از منکر کردن

فصل هشتم:

- ۱-۸- پاسخ به عکس العمل ها

فصل نهم:

- ۱-۹- قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر

سطح سوم: دوره تربیت مربی مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر

مقدمه:

امیر بیان مولای متقیان حضرت امام علی (علیه السلام) خطاب به کمیل ابن زیاد نخعی می فرماید: «یا کمیل ما من حرکه الا و انت محتاج فیها الی معرفه»؛ بدون شک هر حرکتی نیازمند شناخت و معرفت است؛ جهل و عدم شناخت علاوه بر انحراف از مسیر، نه تنها وصول به هدف را غیر ممکن می سازد بلکه باعث دور شدن از هدف می گردد. امر به معروف و نهی از منکر واجب فراموش شده ای است که اجرای آن نیازمند آگاهی و شناخت لازم و کافی است. پیامبر اعظم اسلام (ص) در ضرورت این شناخت فرموده اند: «صَاحِبُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ يَحْتَاجُ إِلَى أَنْ يَكُونَ عَالِمًا بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ». (هر که می خواهد امر معروف و نهی منکر کند، محتاج است به به حلال و حرام عالم باشد). بدین سبب مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر با طراحی نظام آموزش زمینه آموزش عمومی و تخصصی و مهارتی را برای داوطلبین و اعضاء خود فراهم ساخته است. فراگیران پس از آموختن و فراگیری این نظام، با فلسفه، تعریف، اهداف، چشم انداز، ماموریت و فرایند کار مجمع رهروان و نیز ضرورت خودشناسی، انسان شناسی و جامعه شناسی و همچنین به عنوان مهمترین عامل تاثیرگذار در اجرای صحیح این فریضه الهی، با تعریف معروف و منکر، امر و نهی و مصادیق کلی آنها؛ تعریف، جایگاه و ویژگیهای آمران به معروف و ناهیان از منکر؛ روش ها و مراحل انجام امر و نهی؛ شرایط، مراتب و آداب امر به معروف و نهی از منکر آشنا گردیده و سپس ضمن شناخت آسیب های امر به معروف و نهی از منکر؛ نحوه پاسخ به برخی از شبهات؛ چگونگی پاسخ به عکس العمل ها فراگرفته و در نهایت از مفاد قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مطلع می گردند. کمک در اصلاح و تکمیل این نظام از سوی کارشناسان عزیز و محترم قرین ثواب و صواب و مزید امتنان خواهد بود.

سطح یکم

آموزش عمومی مجمع

فصل اول

چیستی، چرایی و چگونگی امر به معروف و نهی از منکر

اهداف شناختی، انگیزشی و رفتاری فصل اول از سطح یکم:

فراگیر با فراگیری مفاد و محتوای این فصل، فی الجمله با چیستی، چرایی و چگونگی امر به معروف و نهی از منکر و تفاوت آنها با تعلیم و تبلیغ آشنا شده و برای پیوستن به مجمع رهروان برای انجام این فریضه علاقه نشان می دهد و عملاً احساس تکلیف می نماید؛ و در پایان می بایست بتواند به سوالات زیر پاسخ دهد:

- ۱-۱ برای چه امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟
- ۲- امر به معروف و نهی از منکر چه نتیجه ای دارد؟
- ۳- امر به معروف نهی از منکر چیست و کجا مصداق پیدا می کند؟
- ۴- تفاوت بین امر و نهی با تبلیغ و موعظه در چیست؟
- ۵- چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟

فصل اول: چستی، چرایی و چگونگی امر به معروف و نهی از منکر

به لحاظ اینکه فراگیران این دوره از نظر سطح سواد و معلومات دینی متفاوت هستند لذا بهترین شیوه آن است که بیان مطلب به صورت پرسش و پاسخ باشد تا برای همه سطوح فراگیران قابل فهم و درک باشد.

۱- برای چه امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟

۱-۱- برای اینکه مرده نباشیم:

امام علی (ع): «مَنْ تَرَكَ انْكَارَ الْمُتَنَكِّرِ بَقَلْبِهِ وَيَدِهِ وَلِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ» کسی که منکر را با قلب و دست و زبانش انکار نکند، مرده‌ای است میان زندگان.

۱-۲- برای اینکه خود را به جانشینی خدا و رسول خدا متصف کنیم:

قال رسول الله (ص) «مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَخَلِيفَةُ رَسُولِهِ»^۲ (هر کس امر بمرکوب و نهی از منکر نماید، جانشین خدا در زمین و جانشین رسول اوست).

۱-۳- برای اینکه انرژی بگیریم و از شر نفاق در امان بمانیم:

قال علی (ع): «مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهْرَ الْمُؤْمِنِ وَمَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْفَ الْمُنَافِقِ وَأَمِنَ كَيْدَهُ»^۳ (هر کس امر به معروف کند به مؤمن نیرو می بخشد و هر کس نهی از منکر نماید بینی منافق را به خاک مالیده و از مکر او در امان می ماند).

۱-۴- برای اینکه در این عمر کوتاه حداکثر بهره را از زندگی ببرم:

قال علی (ع): «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كَأَنَّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ لُجِّي»^۴ (همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره‌ای است در دریای عمیق).

۱-۵- برای اینکه به امام زمان خود لیبیک گفته باشم و صداقت انتظار را به اثبات رسانده باشم:

حضرت امام خمینی (ره): «نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد، مال همه است، امت باید نهی از منکر بکند، امر به معروف بکند.»^۵

۱- تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۱۸۱

۲- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۱۲، ص ۱۷۹، ح ۱۳۸۱۷

۳- کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۵۱، ح ۱

۴- نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴

۵- صحیفه نور ج ۸، ص ۴۷

حضرت امام خامنه ای عزیز (مدظله العالی): «چندی پیش گفتم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند.» الآن هم عرض می‌کنم: نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسؤلیت شرعی شماست. امروز مسؤلیت انقلابی و سیاسی شما هم هست.»

۲- امر به معروف و نهی از منکر چه نتیجه ای دارد؟

۲-۱- دیگر فرایض به واسطه آن بر پا می‌شود...

قال الباقر علیه السلام: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ، وَمِنْهَاجُ الصَّالِحِينَ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ، وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ، وَتَحِلُّ الْمَكَاسِبُ، وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ، وَتَعْمُرُ الْأَرْضُ، وَيُنْصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ، وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ»^۶؛ (امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است و فریضه بزرگی است که دیگر فرایض به واسطه آن بر پا می‌شود، راه‌ها امن می‌گردد و درآمدها حلال می‌شود و حقوق پایمال شده به صاحبانش برمی‌گردد، زمین آباد می‌شود و (بدون ظلم) حق از دشمنان گرفته می‌شود و کارها سامان می‌پذیرد.)

۲-۲- از بدیها جلوگیری می‌کند، باعث قوام و رشد و کمال و صلاح نظام می‌شود...

حضرت امام خامنه ای عزیز (مدظله العالی):

(۱)- «یکی از عواملی که در جامعه از بدیها جلوگیری می‌کند، نهی از منکر و منکر ساختن منکر است. نگذاریم «منکر» «معروف» و «معروف» «منکر» شود.»

(۲)- بدترین خطرها این است که یک روز در جامعه، گناه به عنوان ثواب معرفی شود؛ کار خوب به عنوان کار بد معرفی شود و فرهنگها عوض شود.»

(۳)- «قوام و رشد و کمال و صلاح، وابسته‌ی به امر به معروف و نهی از منکر است. این‌هاست که نظام را همیشه جوان نگه می‌دارد. چنانچه امر به معروف باشد و شما وظیفه‌ی خودتان بدانید که اگر منکری را در هر شخصی دیدید، او را از این منکر نهی کنید، آنگاه این نظام اسلامی، همیشه تروتازه و باطراوت و شاداب می‌ماند.»

۲-۳- از تسلط اشرار جلوگیری می‌کند:

حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی): «باید امر به معروف و نهی از منکر را میان خودتان اقامه کنید، رواج دهید و نسبت به آن پایبند باشید. اگر نکردید، خدا اشرار و فاسدها و وابسته‌ها را بر شما مسلط می‌کند»

نمونه ای از تسلط اشرار: (سازمان ملل تایید کرده است که داعش ۵۰۰۰ مرد اعدام و ۷۰۰۰ زن ایزدی به عنوان برده جنسی اسیر کرده اند.)^۷

۲-۴- باعث تعامل شیرین اجتماعی شده و نظارت عمومی بر جامعه را توسعه می دهد:

حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی): «یکی از نوترین، شیرین ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است و بعضی افراد دیگر در نمی آیند بگویند «آقا! این فضولی کردن است!» نه؛ این همکاری کردن است؛ این نظارت عمومی است؛ این کمک به شیوع خیر است؛ این کمک به محدود کردن بدی و شر است؛ کمک به این است که در جامعه ی اسلامی، گناه، همیشه گناه تلقی شود.»

۳- امر به معروف نهی از منکر چیست و کجا مصداق پیدا می کند؟

حضرت امام خامنه ای عزیز: «البته ما باید تأسف بخوریم از اینکه معنای امر به معروف و نهی از منکر درست تشریح نمی شود. امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای نیک امر کردن. نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای بد نهی کردن. امر و نهی، فقط زبان و گفتن است.»

حضرت امام خامنه ای عزیز: در احکام دین، به تمام واجبات و مستحبات معروف و به تمام محرمات و مکروهات منکر گفته می شود بنابراین واداشتن افراد جامعه به انجام کارهای واجب و مستحب امر به معروف و بازداشتن آنها از کارهای حرام و مکروه نهی از منکر است.»

آیه الله علامه مرتضی مطهری امر به معروف و نهی از منکر را وسیله ای برای پیشبرد اهداف اسلامی ترجمه کرده و می آورد: «... تمام هدف های مثبت اسلامی داخل در معروف و تمام هدف های منفی اسلامی داخل در منکر است،

مطابق ماده ۲ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر: «امر به معروف و نهی از منکر، دعوت و واداشتن دیگران به معروف و نهی و بازداشتن از منکر است.»

حضرت آیه الله جوادی آملی: مطلب بعدی آن است که امر به معروف و نهی از منکر در جایی است که کسی عالماً عامداً با اینکه می داند فلان کار واجب است ترک می کند عالماً عامداً با اینکه می داند فلان کار حرام است انجام می دهد در چنین جایی سخن از امر به

معروف و نهی از منکر فرد و امت اسلامی است که فرد یا جامعه باید فرمان صادر کند طوری که این معروف عمل بشود و آن منکر ترک بشود
 امر به معروف و نهی از منکر یک مرحله ولایت متقابلی است که مؤمنان نسبت به یکدیگر دارند که ﴿الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ﴾ اینها ﴿بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ هستند این ولایت متقابل به صورت ﴿يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^۸ جلوه می کند.»

۴- تفاوت بین امر و نهی با تبلیغ و موعظه در چیست:

افراد جامعه به نسبت فعلی که انجام می دهند سه دسته اند:
 دسته اول: کسانی که نمی دانند و نسبت به موضوع و حکم آن جاهل و نادان هستند. ، آنان را باید تحت تبلیغ و تعلیم قرار داد.
 دسته دوم: افرادی که می دانند و علم دارند، لکن فراموش نموده یا غافل هستند. آنان را باید تذکر داد و ارشاد کرد.
 دسته سوم: افرادی که عالم هستند ولکن عمدا واجبی را ترک یا منکری را دامن می زنند؛ ایشان را باید مورد امر به معروف و نهی از منکر قرارداد.

حضرت آیه الله جوادی آملی: «مطلب دوم آن است که جریان امر به معروف و نهی از منکر غیر از تعلیم است غیر از تبلیغ است غیر از ارشاد است غیر از موعظه و نصیحت و پندها و اندرزهاست امر به معروف فرمان است نهی از منکر هم فرمان است بکن و نکن.»
 حضرت امام خمینی^(ره): «اگر احتمال دهد که با ارشاد و موعظه به نرمی غرض حاصل می شود واجب است چنین کند و جائز نیست از آن تجاوز کند.»

حضرت امام خمینی^(ره): «اگر بداند که غرض با آن حاصل نمی شود یا به مرحله بعدی می گذارد یعنی با تحکم او را امر به معروف و نهی از منکر می کند، و در این مرحله اگر احتمال تاءثیر می دهد، واجب است از آسانترین و نرم ترین کلام آغاز کند و جائز نیست از آن تجاوز نموده (با خشونت سخن بگوید) مخصوصا اگر چنانچه مورد، کسی است که خشونت نسبت به او هتک او است.»

حضرت امام خامنه ای عزیز: «روح و مدل امر به معروف، مدل امر و نهی است؛ مدل خواهش و تقاضا و تضرع نیست. نمی شود گفت که خواهش می کنم شما این اشتباه را

نکنید؛ نه، باید گفت آقا! این اشتباه را نکن؛ چرا اشتباه می‌کنی؟ طرف، هرکسی هست بنده که طلبه‌ی حقیری هستم از بنده مهم‌تر هم باشد، او هم مخاطب امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد.»

۵- چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟

۵-۱) - پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله: «مَنْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ فَلْيَكُنْ أَمْرُهُ بِذَلِكَ بِمَعْرُوفٍ»^۹ کسی که امر به معروف می‌کند باید این کار را به روش خوبی انجام دهد.

۵-۲) - «من همین امر به معروف و نهی از منکر زبانی را - ولو به شکل خیلی راحت و آرام و بدون هیچ خشونت و دعوایی - واقعاً یکی از معجزات اسلام می‌دانم. مثلاً یک نفر کار خلافی می‌کند، می‌گویند آقا شما این کار را نباید می‌کردی. این مطلب را بگو و برو. می‌گوید او برمی‌گردد دو تا فحش به من می‌دهد. خیلی خوب؛ حالا دو تا فحش هم به شما بدهد؛ برای خاطر امر خدا تحمل کنید.»

۵-۳) - «مسأله امر به معروف و نهی از منکر، مثل مسأله نماز است. یادگرفتنی است. باید بروید یاد بگیرید. مسأله دارد که کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد؟ البته من عرض می‌کنم - قبلاً هم گفته‌ام در جامعه اسلامی، تکلیف عامه مردم، امر به معروف و نهی از منکر با لسان است؛ با زبان. اگر کار به برخورد بکشد، آن دیگر تکلیف مسؤولین است. آنها باید وارد شوند. اما امر به معروف و نهی از منکر زبانی، مهمتر است. عاملی که جامعه را اصلاح می‌کند، همین نهی از منکر زبانی است.»

فصل دوم

کلیات مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر

اهداف شناختی، انگیزشی و رفتاری فصل دوم:

فراگیر با فراگیری مفاد و محتوای این فصل، با فلسفه وجودی، تعریف، اهداف، چشم انداز، ماموریت و حدود وظایف و تعاملات و ارتباطات مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر آشنا شده و برای پیوستن به آن علاقه نشان می دهد و پس از پیوستن خود را نسبت به آرمان و اهداف آن وفادار می ماند و در پایان می بایست بتواند به سوالات زیر پاسخ دهد:

- ۱- فلسفه وجودی مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر چیست؟
- ۲- تعریف مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر چیست؟
- ۳- اهداف مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر چیست؟
- ۴- چشم انداز مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر چیست؟
- ۵- ماموریت و حدود وظایف مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر چیست؟
- ۶- تعاملات و ارتباطات مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر به چه صورت است؟

فصل دوم: کلیات مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر

۱-۲- فلسفه بوجود آمدن مجمع رهروان:

در پی مطالبه و رهنمود و تدبیر ولی امر زمان، رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی و فرماندهی معظم کل قوا^(مدظله العالی)، که فرموده اند:

«چندی پیش گفتیم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند.» الآن هم عرض می‌کنم: نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسئولیت شرعی شماست. امروز مسئولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست.» به لطف خداوند متعال در امتداد پایمردی های، دوران دفاع مقدس و پاسداری از ارزشهای انقلاب اسلامی با همت تعدادی از سربازان ولایت به عنوان مسئولیت شرعی، انقلابی و قانونی؛ با هدف استفاده از ظرفیت مردمی در عرصه احیاء و اجرای امر به معروف و نهی از منکر^(مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر) تشکیل و مطابق شماره ۸۳-۱۰۶۶۶۷ مورخه ۱۳۹۲/۹/۱۶ به تصویب وزارت کشور رسیده است. تا از طریق پیاده سازی مراحل فراخوانی، جذب و گزینش، آموزش و تربیت، سازماندهی و بکارگیری و نظارت و کنترل به انجام این تکلیف دینی، شرعی، قانونی و اجتماعی پردازند. فرصت مناسبی برای زمینه سازی، گفتمان سازی و همه گیر شدن امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه محسوب می گردد.

۲-۲- تعریف مجمع رهروان:

انسجام مردمی که به استناد آیات و روایات و اصل ۸ قانون اساسی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به منظور تحقق فرمان الهی و لیبک گوئی به ندای ولی امر مسلمین در احیاء و اجرای امر به معروف و نهی از منکر لسانی و کتبی بوجود آمده است.

۲-۳- اهداف مجمع رهروان:

احیاء فرهنگ و اجرای فریضه امر به معرف و ونهی از منکر از طریق زمینه سازی، گفتمان سازی و نهادینه سازی آن در سطح جامعه با ترغیب آحاد مردم و بهره گیری از روش امر و نهی لسانی و کتبی.

۲-۴- چشم انداز، ماموریت و حدود وظایف مجمع:

الف) - چشم انداز مجمع:

به حول و قوه الهی مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر در افق سال ۱۴۰۴ تشکلی است با حداقل یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) عضو سازمان یافته، برخوردار از تعالی سازمانی و مرجعیتی جذاب برای نیروهای مردمی در امر به معروف و نهی از منکر لسانی به گونه‌ای که انجام این فریضه در میان مردم و جامعه تبدیل به ارزش و رفتار پسندیده اجتماعی شده و آمران به معروف و ناهیان از منکر، از منزلت و محبوبیت والایی برخوردار باشند.

ب) - ماموریت مجمع:

انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر لسانی و کتبی در حوزه های فرهنگی و اجتماعی بدون برخورد فیزیکی مبتنی بر شرع مقدس اسلام، ارزشهای انقلاب اسلامی و قوانین مصوب نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نیروهای داوطلب مردمی.

۲-۵- تعامل و ارتباطات مجمع:

- با ستاد امر به معروف و نهی از منکر (با هدف کسب حمایت‌های همه جانبه از یک سو و ایجاد صف برای ستاد از سوی دیگر)
- با بسیج مستضعفین (با هدف تحقق بسیج ده ها میلیونی از یک سو و کسب حمایت‌های بسیج از سوی دیگر)
- با نیروی انتظامی (با هدف کمک به پلیس در تامین بیشتر امنیت اخلاقی جامعه از یک سو و کسب حمایت های پلیس از سوی دیگر).
- با حوزه های علمیه (تامین مریبان و محتوای مطمئن و جلوگیری از انحراف در عمل)
- با سایر گروه های مردمی (ایجاد هم افزایی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر)

۲-۶- فرایند عضوگیری و فعالیت مجمع رهروان:

- تبلیغ و اطلاع رسانی

- ثبت نام و جذب و گزینش

- آموزش عمومی

- آموزش تخصصی، مهارتی

- سازماندهی

- بکارگیری

- نظارت و بازرسی

- تداوم آموزش

۲-۷- سطح بندی نظام آموزش مجمع

نظام آموزش مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر به اعتبار فرگیران آن به سه سطح کلی تقسیم می گردد:

سطح اول: سطح عمومی (آموزش عمومی)

در این آموزش علاوه بر تبیین اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر مبتنی بر مستندات عقلی و دستگاه معرفت دینی که چکیده ای از فصلهای دوم تا دهم می باشد، فصل اول به صورت مشروح تبیین می گردد و متعاقب آن ثبت نام رسمی از داوطلبین عضویت بعمل می آید.

سطح دوم: سطح تخصصی: (دوره تخصصی)

در این دوره داوطلبین برای کسب عضویت رسمی به فراگیری مفاد و محتوای پیش بینی شده در فصل دوم تا دهم می پردازند و با کسب قبولی به عنوان عضو رسمی شناخته می شوند.

سطح سوم: دوره تربیت مربی مجمع رهروان

در این دوره اعضای که توانمندی و آمادگی خود را به عنوان مربیگری اعلام نموده و حائز شرایط لازم می باشند، در قالب دوره تربیت مربی مجمع رهروان سرفصل و محتوای دوره مذکور را طی می نمایند و با کسب قبولی به عنوان مربی شناخته شده و از وجود آنان در گسترش آموزشهای عمومی و تخصصی مجمع استفاده می شود.

۱-۸- روشهای اجرای نظام آموزش:

نظام آموزش مجمع به صورت کلی به دو روش کلی به شرح زیر به اجرا در می آید:

الف- روش حضوری

ب- روش نیمه حضوری

ب- روش غیر حضوری

سطح دوم

آموزش تخصصی

فصل اول

مبانی معرفتی مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر

اهداف شناختی، انگیزشی و رفتاری فصل دوم:

در این درس فراگیر با مبانی عقلی و فطری، دینی اعتقادی، تدبیری و ولایی و فقهی و اخلاقی؛ و نیز با اصول فکری و معرفتی (برپایه خودشناسی، انسان شناسی و جامعه شناسی)، اصول انگیزشی و عاطفی (بر پایه خدا حاضری و خداناظری، عمل صالح و تاثیر متقابل آن در ایمان راسخ)؛ و اصول عملی و رفتاری حاکم بر ابعاد فکری و رفتاری مجمع امر به معروف و نهی از منکر است؛ آشنا می گردد و در پایان باید بتواند به سوالات زیر پاسخ دهد:

- ۱- چگونه امر به معروف و نهی از منکر بر پایه استدلال عقلی استوار است؟
- ۲- مبانی دینی برپایه منابع دینی امر به معروف و نهی از منکر و ضرورت و اهمیت آن کدام است؟
- ۳- احیاء و اجرای امر به معروف و نهی از منکر از منظر ولایت فقیه چگونه است؟
- ۴- رابطه خود شناسی و انسان شناسی با امر به معروف و نهی از منکر چیست؟
- ۵- چه ربطی بین جامعه شناسی و امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد؟
- ۶- عمل بدون علم چه آفاتی برای آمران به معروف و ناهیان به منکر در پی خواهد داشت؟
- ۷- رابطه ایمان باعمل صالح و عمل صالح با ایمان چگونه است؟
- ۸- نکات اساسی (۵۴ گانه) شرعی براساس نظر حضرت امام خمینی^(ع) در اجرای امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

فصل اول : مبانی معرفتی

۱-۱- مبانی حاکم بر فعالیت مجمع رهروان:

۱-۱-۱- مبانی عقلی و فطری:

طی ده قرن گذشته پیوسته این سؤال مطرح بوده است که آیا می‌توان امر به معروف و نهی از منکر را به مبانی استوار عقلی مستند ساخت به گونه‌ای که با صرف نظر از همه ادله‌ای که از طریق وحی در کتاب و سنت آمده است، قابل اثبات باشد؟ کسانی که امر به معروف و نهی از منکر را از جنبه عقلی مورد بررسی قرار داده‌اند، به مستندات زیر اشاره کرده‌اند:

اول- قاعده لطف

رایج‌ترین استدلال عقلی بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر که طی قرنهای متمادی در فقه و کلام سابقه دارد، استفاده از "قاعده لطف" است. متکلمان بر این باورند که انسان به عنوان موجودی آزاد و مختار، دارای تکالیفی است، و او می‌تواند در مسیر اطاعت یا معصیت حرکت کند. ولی چون غرض از آفرینش او، سعادت و نیکبختی است، خداوند به مقتضای حکمت خویش، زمینه‌های آن را برایش فراهم ساخته است، انبیا را مبعوث، و اسباب هدایت انسانها را در اختیارشان نهاده، گسترش خوبی‌ها و کاهش بدی‌ها را مورد تاکید قرارداد و انسانها را وادار نموده امر و نهی کنند تا انسانها بهتر در مسیر رشد و سعادت قرار گیرند و به سعادت و نیکبختی برسند.

دوم- مقدمه حفظ نظام

خرد همه انسانها در می‌یابد که نظم زندگی، باید پایدار باشد و لازم است که در برابر عوامل تهدیدکننده، حفظ گردد. از همین رو است که عقل، به لزوم تدارک همه اموری که در حفظ نظام نقش دارد، حکم می‌کند مثلاً قضاوت را به عنوان یکی از عوامل موثر در حفظ نظام، واجب می‌شمارد، یا امر به معروف و نهی از منکر را در پایداری زندگی اجتماعی و جلوگیری از آسیب‌ناپذیری اجتماعی موثر و مفید می‌داند. از این رو امر به معروف و نهی از منکر به عنوان مقدمه واجب در حفظ نظام و پایدار ماندن نظم زندگی واجب می‌داند.

سوم- لزوم جلوگیری از معصیت

عقل همان گونه که معصیت مولی را قبیح می‌داند، "جلوگیری از معصیت" او را نیز لازم می‌داند. امام خمینی که از این طریق، به وجوب عقلی قایل شده است، در توضیح این

استدلال می فرماید: یکی از احکام مستقل عقل آن است که باید از معصیت نسبت به مولی و تخلف از دستورات او جلوگیری کرد. از نظر عقل، تفاوتی در شیوه‌های مختلف جلوگیری از معصیت، مانند نهی زبانی، یا اقدامات عملی که ممکن است، وجود ندارد.

چهارم) - مصلحت جامعه

انسان دارای زندگی اجتماعی است و در پیمودن مسیر حیات نمی‌تواند به شکل فردی نیازهای خود را تأمین کرده و از همکاری دیگران بی‌نیاز باشد، از این رو همواره در جامعه، تحت تأثیر اندیشه‌ها، اخلاق و رفتار دیگران قرار دارد. لکن هر انسانی به مقتضای طبع و موقعیت حیوانی خود در پی کسب منفعت و دفع ضرر از خود می‌باشد و این مسئله در زندگی اجتماعی ممکن است عامل هرج و مرج و فساد گردد لذا عقل حکم می‌کند که برای حفظ کیان جامعه از فساد و تباهی، باید با منکرات برخورد شود. هیچ یک از افراد بشر، زندگی جداگانه از دیگران ندارند. انسان مدنی بالطبع است و همه از عقاید و رفتار یکدیگر، تأثیر می‌پذیرند. انحراف "یک فرد"، نه تنها خود فرد را ساقط می‌کند، بلکه بر محیط اجتماعی او نیز اثر گذاشته و جامعه را به سوی تباهی می‌برد، لذا عقل فرمان می‌دهد که همه افراد، با نظارت فراگیر خویش در حفظ خود و دیگران کوشش نماید و کلام الهی قرآن مجید نیز بر آن تأکید فرموده است که فرمود «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»^{۱۰}. شرع مقدس نیز همین وظیفه را واجب کرده است. همان گونه که در بیماریهای جسمی واگیردار باید از سرایت بیماری خود و دیگران به جامعه جلوگیری کرد تا سلامت جامعه حفظ گردد، در مورد امراض روحی و اخلاقی نیز این مسؤولیت وجود دارد و هر گونه سهل‌انگاری در برخورد با آن، به سقوط جامعه و فراگیر شدن فساد در آن می‌انجامد و به تعبیر آیت‌الله شهید مطهری^(ره): "امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد نوعی تعهد و مسؤولیت اجتماعی در افراد نسبت به سرنوشت اجتماع است.

۱-۲-۱- مبای دینی و اعتقادی:

مستندات دینی در وجوب امر به معروف و نهی از منکر بسیار فراوان است، لکن به دلیل رعایت اختصار، صرفاً به مستندات که مرجع عالیقدر عالم تشیع حضرت امام خمینی^(ره) در کتاب وزین تحریر الوسیله بدان اشاره کرده است بسنده می‌کنیم. معظم له در وجوب امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید:

«وهما من أسمى الفرائض وأشرفها ، وبهما تقام الفرائض. ووجوبهما من ضروریات الدین ، ومنكره مع الالتفات بلازمه والالتزام به من الكافرين. وقد ورد البحث عليهما في الكتاب العزيز والأخبار الشريفة بألسنة مختلفة:

قال الله تعالى: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» وقال تعالى: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» إلى غير ذلك.

وعن الرضا (عليه السلام): «كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول: إذا أمتى توأكلت الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فليأذنوا بوقاع من الله»

وعن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - لِيَبْغِضَ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ ، فَقِيلَ : وَمَا الْمُؤْمِنُ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ ؟ قَالَ : الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ» وعنه (صلى الله عليه وآله وسلم) أَنَّهُ قَالَ : «لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ ، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتِ وَسُلْطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» ، عن أمير المؤمنين عليه السلام أَنَّهُ خَطَبَ ، فَحَمَدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ، ثُمَّ قَالَ : «أَمَّا بَعْدُ ، فَإِنَّهُ إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ حَيْثَمَا عَمَلُوا مِنَ الْمَعَاصِي ، وَلَمْ يَنْهَهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنِ ذَلِكَ ، وَأَنْتُمْ لَمَّا تَمَادَوْا فِي الْمَعَاصِي وَلَمْ يَنْهَهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنِ ذَلِكَ نَزَلَتْ بِهِمُ الْعُقُوبَاتُ ، فَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَعَلِمُوا أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَنْ يَقْرَبَا أَجْلاً ، وَلَنْ يَقْطَعَا رِزْقاً»^{۱۱} .

به استناد آیه شریفه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند) نکاتی قابل استفاده است که به اختصار به آن اشاره می شود:

- ۱- امر به معروف و نهی از منکر واجب کفائی است. چون فعل امر «تکن» دلالت بر وجوب می کند، و «منکم» من تبعیضیه است. یعنی دلالت بر کفایی بودن این واجب دارد.
- ۲- در امر به معروف و نهی از منکر تنها یک نفر تأثیر گذار نیست. لذا قرآن می فرماید: «أُمَّةٌ»

۳- امر به معروف و نهی از منکر باید استمرار داشته باشد.

۴- قول «لین» زبان خوش در امر به معروف و نهی از منکر ضرورت دارد.

۵- امر به معروف بر نهی از منکر مقدم است.

۶- ما مأموریم که هر آنچه که خیر و معروف است، انسانها را به آن دعوت کنیم. (الف و

لام الخیر و المعروف، یعنی تمام خیر و معروفها.

۷- ما مأموریم که تمام منکرات را نهی نمائیم؛ لذا می‌فرماید: «و المنکر» که الف و لام آن دلالت بر تمام منکرات دارد.

۸- عاقبت آمران به معروف و ناهیان از منکر رستگاری است.

همچنین به استناد آیه شریفه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ»^{۱۲} (شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اید؟ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب (به چنین برنامه و آیین درخشانی) ایمان آورند، برای آنها بهتر است (ولی تنها) عده‌ی کمی از آنها با ایمانند؛ و بیشتر آنها فاسقند.) نکاتی قابل استفاده است که به اختصار به آن اشاره می‌شود:

۱- با توجه به تفسیر آیه، یکی از شرائط وجوب امر به معروف و نهی از منکر علم به معروف و منکر می‌باشد.

۲- ایمان به خدا، امر به معروف و نهی از منکر باید مستمر و دائمی باشد. (تأمرون، تنهون، تؤمنون).

۳- امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خداوند مقدم شده، چون کسی که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کند، در ایمان خود نیز استوار نیست. علاوه بر آیات فوق منابع دیگری نیز در این زمینه وجود دارد:

الف- «كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه لبئس ماكانوا يفعلون»^{۱۳}

آنها از اعمال زشتی که انجام می‌دادند، یکدیگر را نهی نمی‌کردند، چه بدکاری انجام می‌دادند.

۱- حضرت عیسی (علیه السلام)، قوم بنی اسرائیل را که امر به معروف و نهی از منکر ترک کردند لعنت کرده است.

۲- امر به معروف و نهی از منکر باید استمرار داشته باشد. (لایتناهون).

۳- کسانی که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند از رحمت خداوند بدورند.

۴- نهی از منکر نکردن نوعی کفر است چون اگر شخصی اعتماد به خداوند متعال داشته باشد، باید اوامر او را هم اطاعت کند.

۵- ابراز انزجار انبیاء نسبت به تارکان امر به معروف و نهی از منکر خود نوعی نهی از منکر بوده است، پس نهی از منکر قلبی کفایت نمی‌کند و باید بوسیله لسان هم نهی شود. همانطوری که انبیاء با لعنشان نهی از منکر می‌کردند.

ب- «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ ، وَمِنْهَا جُ الصُّلْحَاءِ ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ ، وَتَأْمَنُ الْمَدَاهِبُ ، وَتَحِلُّ الْمَكَاسِبُ ، وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ ، وَتَعْمُرُ الْأَرْضُ ، وَيُنْصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ ، وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ؛»

امر بمعروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است و فریضه بزرگی است که دیگر فرایض به واسطه آن بر پا می‌شود، راه‌ها امن می‌گردد و درآمدها حلال می‌شود و حقوق پایمال شده به صاحبانش برمی‌گردد، زمین آباد می‌شود و (بدون ظلم) حق از دشمنان گرفته می‌شود و کارها سامان می‌پذیرد.^{۱۴}

ج- «مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَخَلِيفَةُ رَسُولِهِ؛» (هرکس امر بمعروف و نهی از منکر نماید، جانشین خدا در زمین و جانشین رسول اوست).^{۱۵}

د- مَنْ تَرَكَ إِنْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَيَدِهِ وَلِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ؛ (کسی که منکر را با قلب و دست و زبانش انکار نکند، مرده‌ای است میان زندگان).^{۱۶}

ه- «أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ إِيَّيْ مُعَذِّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ: أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شِرَارِهِمْ وَسِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ فَقَالَ: يَا رَبُّ هَؤُلَاءِ الشَّرَارُ فَمَا بِالْخِيَارِ؟! فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ: دَاهِنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي فَلَمْ يَغْضَبُوا لِعُضْبِي؛»

(خدای تعالی به شعیب پیامبر وحی فرمود که: من صد هزار نفر از قوم تو را عذاب خواهم کرد: چهل هزار نفر بدکار را، شصت هزار نفر از نیکانشان را. شعیب عرض کرد: پروردگارا! بدکاران سزاوارند اما نیکان چرا؟ خدای عزوجل به او وحی فرمود که: آنان با گنهکاران راه آمدند و به خاطر خشم من به خشم نیامدند).^{۱۷}

و- رسول الله صلى الله عليه و آله : جاءني جبرئيل فقال لي : يا أحمد، الإسلام عشرة أسهم... الثامنة : الله عن المنكر، وهي الحجة. (پیامبر خدا (ص) فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای احمد! اسلام ده بخش است.....هشتمین بخش آن نهی از منکر است و آن [برای اتمام] حجتی

۱۴- کافی، ج ۵، ص ۵۶، ح ۱

۱۵- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۹، ح ۱۳۸۱۷

۱۶- تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۱۸۱

۱۷- کافی، ج ۵، ص ۵۶، ح ۱

می باشد. ^{۱۸} بنابراین امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه از فروع دین است که اجرای آن مانند نماز و روزه و خمس و زکات و حج و جهاد و تولی و تبری واجب است.

۱-۱-۳- مبنای تدبیری و ولایی:

معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در زمینه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان عامل اساسی در حدوث و بقاء انقلاب اسلامی و ارزشهای آن می فرمایند:
 «نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد، مال همه است، امت باید نهی از منکر بکند، امر به معروف بکند.»^{۱۹}

«همان طوری که هر شخص و هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند.»^{۲۰}

«امر به معروف و نهی از منکر دو اصلی است در اسلام که همه چیز را می خواهد اصلاح کند، یعنی با این دو اصل می خواهد تمام قشرهای مسلمین را اصلاح بکند، به همه مأموریت داده، به همه، به تمام افراد زیر پرچم مأموریت داده که باید وادار کنید همه را به کارهای صحیح و جلوگیری کنید از کارهای فاسد.»^{۲۱}

همچنین حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی در ادامه مکتب و اندیشه امام خمینی (ره) در این زمینه می فرمایند:

۱- «ما باید تأسف بخوریم از اینکه معنای امر به معروف و نهی از منکر درست تشریح نمی شود. امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای نیک امر کردن. نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای بد نهی کردن. امر و نهی، فقط زبان و گفتن است. البته یک مرحله‌ی قبل از زبان هم دارد که مرحله‌ی قلب است و اگر آن مرحله باشد، امر به معروف زبانی، کامل خواهد شد.»^{۲۲}

۲- «اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای مردم روشن شود، معلوم خواهد شد یکی از نوترین، شیرین‌ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است و بعضی افراد دیگر در نمی آیند بگویند «آقا! این فضولی کردن است!» نه؛ این همکاری کردن است؛ این نظارت عمومی است؛ این

۱۸ - علل الشرائع

۱۹ - (صحیفه نور ج ۸، ص ۴۷)

۲۰ - (صحیفه نور ج ۷، ص ۲۸۵)

۲۱ - (صحیفه نور ج ۹، ص ۱۹۵)

۲۲ - (۷۹/۹/۲۵)

کمک به شیوع خیر است؛ این کمک به محدود کردن بدی و شرّ است؛ کمک به این است که در جامعه‌ی اسلامی، گناه، همیشه گناه تلقی شود.»^{۲۳}

۳- «بدترین خطرها این است که یک روز در جامعه، گناه به عنوان ثواب معرفی شود؛ کار خوب به عنوان کار بد معرفی شود و فرهنگها عوض شود. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رایج شد، این موجب می‌شود که گناه در نظر مردم همیشه گناه بماند و تبدیل به ثواب و کار نیک نشود.»^{۲۴}

۴- بارها گفتیم نهی از منکر زبانی جایز و واجب و وظیفه‌ی همه است و در هیچ شرایطی هم ساقط نمی‌شود؛ آنجایی که نوبت اجرا و عمل برسد، همه باید طبق قوانین عمل کنند. هیچ چیزی مجوز این نیست که بگویند چون نیروی انتظامی و قوه‌ی قضائیه عمل نکردند، خودمان وارد میدان شدیم؛ نخیر، آن روزی که لازم باشد مردم برای حادثه‌ای خودشان وارد عمل شوند، رهبری صریحاً به آنها خواهد گفت.^{۲۵}

۵- امر به معروف و ناهی از منکر باید خودش به آنچه دارد امر و نهی می‌کند، هم عالم باشد و هم عامل. «رفیق لمن یأمر و رفیق لمن ینهی»؛ با رفق و مدارا امر و نهی کند. امر و نهی، یعنی دستور دادن- بکن نکن- غیر از تمنا کردن است؛ اما همین را با رفق، مدارا و محبت- نه با خشونت- انجام دهد. به نظرم این طوری باید عمل شود.^{۲۶}

۶- چندی پیش گفتم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند.» الآن هم عرض می‌کنم: نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسؤولیت شرعی شماست. امروز مسؤولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست.»^{۲۷}

۷- «یکی از عواملی که در جامعه از بدیها جلوگیری می‌کند، نهی از منکر و منکر ساختن منکر است. نگذاریم «منکر» «معروف» و «معروف» «منکر» شود.»^{۲۸}

۱-۱-۴- مبنای فقهی و اخلاقی:

به تاسی از فرمان الهی در قرآن مجید و کلام نورانی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) همه علمای بزرگ دینی و بویژه مراجع عظام تقلید به موضوع مهم امر به معروف و نهی از منکر پرداخته اند و نسبت به آن فتوا داده اند که بارزترین آن دیدگاه فقهی حضرت امام

۲۳- (۷۹/۹/۲۵)

۲۴- (۷۹/۹/۲۵)

۲۵- (۸۰/۵/۱۱)

۲۶- (۸۲/۲/۲۲)

۲۷- (۷۱/۴/۲۲)

۲۸- (۷۷/۱۲/۴)

خمینی^(ره) است ولذا در تحریر الوسیله تکلیف مقلدین خودشان را روشن ساخته اند که شرح آن در پی می آید.

همچنین علمای بزرگ اخلاق همواره موضوع و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در قالب توصیه به گسترش خوبی ها و نهی از بدی ها را گوشزد و تاکید نموده اند.

۱-۲-۱- اصول حاکم بر فعالیت مجمع رهروان:

حرکت و فعالیت مجمع رهروان و اعضاء آن می بایستی بر پایه یک جهان بینی صحیح بنا نهاده شود. از این رو بر اساس تعریف جهان بینی که عبارت است از: «از نگرش انسان به هستی و توجیه و تبیین آن در رابطه با انسان. به عبارت دیگر دید کلی که انسان از جهان هستی دارد و بر اساس آن به تعبیر و تفسیر آن می پردازد، جهان بینی نامیده می شود و به طور کلی برداشت کلی انسان از جهان هستی را جهان بینی او می گویند. به صورت دیگر جهان بینی یک سلسله اعتقادات و بینش های کلی هماهنگ درباره جهان و انسان و به طور کلی درباره هستی می باشد. جهان بینی در واقع قسمتی از هستی شناسی می باشد و عناصر آن عبارتند: الف: توجیه جهان هستی ب: توجیه انسان ج: رابطه انسان با هستی»^{۲۹} به عناصر کلیدی آن یعنی «انسان شناسی»، که نقش بی بدیلی در تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر دارد به شرح زیر پرداخته می شود:

۱-۲-۱- اصول فکری و معرفتی

الف- ضرورت خودشناسی:

خودشناسی، مهمترین و ضروری ترین و سودمندترین شناخت در زندگی ماست. خداوند قادر حکیم، حب ذات و عشق به خویشتن را در نهاد همه انسانها قرار داده است. همه انسانها بدون استثناء طالب خوشبختی، شادی، آرامش و کمال، آن هم به میزان و مدت نامحدود هستند اما فقط کسانی به خوشبختی حقیقی و ماندگار می رسند که به خودشناسی به معنای واقعی آن رسیده باشند. میزان شادی و آرامش هر کس به میزان شناخت او از خود حقیقی اش و عمل بر طبق سعادت حقیقی خود، بستگی دارد. همه انسانها عاشق خوشبختی، شادی و آرامش خود هستند و برای آن تلاش می کنند. لکن به علت فقر شناخت نسبت به خود، هرچه بیشتر تلاش می کند کمتر به آن می رسند. حضرت امیر المومنین^(ع) فرمودند: « ما من حرکه الا و انت محتاج فیها الی معرفه» (هیچ حرکتی نیست مگر اینکه تو در انجام آن به شناخت نیازی داری)^{۳۰}. چرا فرمود معرفت و نفرومود علم؟ زیرا

۲۹- مرتضی مطهری- مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی- صفحه ۶۴

۳۰- تحف العقول ص: ۱۷۱

علم عبارت از است از قواعد و قوانین کلی، ولی معرفت عبارت از شناخت جزئی و مشخص است. (دانشستی های کلی درباره گل و گیاه علم است و شناخت ویژگی هر گل یا گیاه معرفت است. شناخت و معرفت حتی در عبودیت و بندگی لازمه عبادت عاشقانه است و الا نماز و روزه بدون معرفت نیز برای انسان ثمری نخواهد بخشید و رفته رفته برای انسان تکراری و بی معنا خواهد بود. بنابراین اقدام بدون شناخت و عمل بدون آگاهی دارای پیامد خطرناکی است .

مرحوم مجلسی در جلد اول بحارالانوار، دوازده روایت در باب عمل بدون علم آورده است. در اینجا به آفاتی چند مبتنی بر روایات در این زمینه اشاره می کنیم:

۱- گمراهی از جادهی مستقیم حق و دوری از آن:

در روایتی از امام صادق (ع) رسیده که فرمودند: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطریق، لایزیده سرعه السیر من الطریق الا بعدا»، (عمل کنندهی غیر بصیر و نا آگاه و جاهل مثل سیر کننده در غیر راه است (و بیراهه می رود) و عمل بدون علم سرعتی نمی افزاید مگر دوری از مسیر و راه را)؛^{۳۱} در روایتی دیگر از آن حضرت است: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی السراب بقیعه لا یزید سرعه سیره الا بعدا»، (عمل کننده از روی نادانی و ناآگاهی مثل راه رونده بر سرابی در زمین صافی است که سریع رفتن او به جز دوری از حقیقت و راه حق چیزی به همراه ندارد) ^{۳۲}:

۲- عدم قبول عمل:

راوی گوید شنیدم امام صادق (ع) می فرمود: «لا یقبل الله عزو جل عملا الا بمعرفه و لا معرفه الا بعمل» (خداوند عزوجل عمل را بدون علم و شناخت نمی پذیرد و شناخت و معرفتی بدون عمل نیست،) ^{۳۳}

۳- لازمهی عمل بدون علم، فساد است:

در روایتی از صادق اهل بیت (ع) رسیده که: از پدران خود نقل کردند که، رسول گرامی فرمودند: «من عمل علی غیر علم کان ما یفسده اکثر مما یصلح»^{۳۴} کسی که عمل بدون علم انجام دهد فسادش بیشتر از صلاحش است و آنچه را افساد می کند، بیشتر از چیزی است که اصلاح می کند (عملی را که فکر می کند خیر و صلاح است از روی عدم علم فاسد می کند).»

۳۱- بحار الانوار، ج. ۱، صفحه ۲۰۶

۳۲- بحار الانوار، ج. ۱، صفحه ۲۰۸

۳۳- بحار الانوار، ج. ۱، صفحه ۲۰۶

۳۴- بحار الانوار، ج. ۱، صفحه ۲۰۸

۴- در جازدن در مسیر تکامل:

امیرالمومنین^(ع) می‌فرماید: «المتعبد علی غیر فقه کحمار الطاحونه یدور ولا یرح»^{۳۵} عبادت کننده و عمل کننده‌ی بدون علم مثل الاغ آسیاب است که دور می‌زند، و از جای خود حرکت نمی‌کند (درجا می‌زند، اگر هفتاد سال هم دور بزند وقتی چشمش را باز می‌کند، می‌بیند، در همان نقطه‌ی اول است.)

گذشته‌ی ما با چهار عامل شامل (فکرها، انتخاب‌ها، ارتباط‌ها و رفتارها) حال ما را ساخته است لذا همین چهار عامل آینده‌ ما را خواهد ساخت. باید ببینیم چگونه می‌خواهیم آینده خود را بسازیم که دچار افسوس و حیف شد و ای کاش و... نشویم. سوال این است که با چه زیرساخت اساسی می‌توان از این چهار عامل به سود آینده بهره برد.

۵- تنبلی و بی‌حوصلگی ریشه مهم شکست‌ها است:

فرد تنبل کسی است که وظیفه‌اش را انجام نمی‌دهد. فرد بی‌حوصله کسی است که وقتی اقدام به انجام کاری کرد آن را ادامه نمی‌دهد و زود خسته و ناتوان می‌شود.

قال الباقر^(ع): «إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مَفْتَا حُ كُلِّ شَرٍّ، مَنْ كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا»^{۳۶}

از تنبلی و کم‌حوصلگی پرهیز که آن دو کلید هر شرّی هستند؛ آدم تنبل هیچ حقّی را ادا نمی‌کند.

کم‌حوصلگی و کم‌صبری مانع از رسیدن انسان به موفقیت می‌شود، این ویژگی، باعث می‌شود که انسان یک کار را که متناسب با استعداد او است بر آن مداومت نداشته باشد، در نتیجه همه کارها را ناتمام می‌گذارد و دائم از این شاخه به آن شاخه می‌پرد و از این کار به آن کار رو می‌آورد.

معمولاً انسانهای تنبل و کم‌حوصله و کم‌صبر به دلیل این که حوصله انجام کار را تا پایان ندارند و می‌خواهند زودتر به نتیجه دست یابند، هیچ کاری را به درستی انجام نداده و کارها را به صورت ناقص انجام می‌دهند، آنها از این نکته غافل هستند که اگر کمی در کارهای خود حوصله به خرج دهند و از تنبلی دوری کنند بالاخره به نتیجه دلخواه خود دست پیدا خواهند کرد.

امام علی^(ع) فرمودند: آفة النجح الكسل آفت و نابود کننده کامیابی و پیروزی (رسیدن به چیزی) سستی و بی‌کاری است.

۳۵- سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۱۱۴.

۳۶- تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، ص ۶۵۶.

امام باقر^(ع) فرمودند: الكسل يضر بالدين و الدنيا كسالت و بیکاری و سستی ضرر رساننده به دین و دنیا است.

امیرمومنان علی^(ع) فرمودند: الكسل يفسد الاخره بیکاری و سستی و تنبلی آخرت انسان را فاسد می کند.

۶- ضرورت تقدم خودشناسی بر شناخت دیگران:

وقتی خود حقیقی شناخته نشود، معشوق و مطلوب و هدف او هم ناشناخته می ماند و انسان تمام عمر خود را در پی معشوق ها و اهداف دروغین تباه خواهد کرد. « من شغل نفسه بغير نفسه تحیر فی الظلمات و ارتبک فی الهلکات. » (کسی که سرگرم سازد خود را به چیزی غیر از نفس خود، در تاریکیها سرگردان شود، و در مهالک گرفتار گردد).

۷- رابطه خودشناسی و تعقل و تفکر صحیح:

تا وقتی به شناخت خود حقیقی و نیاز حقیقی آن آگاه نشده ایم. نباید توقع داشته باشیم که از سردرگمی و اشتباهات عمر تلف کن و آسیب به خود و دیگران دور شویم. من اصلاح نفسه ملکها. (کسی که نفس خود را اصلاح کند مالک و اختیاردار آن گردد). قال رسول الله^(ص): من عرف نفسه فقد عرف ربه

هر که خویش را بشناسد، خدای خویش را خواهد شناخت

قال علی^(ع): المَعْرِفَةُ بِالنَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعْرِفَتَيْنِ .

خود شناسی، سودمندترین دو شناخت است.

قال علی^(ع): أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ .

برترین شناخت، خود شناسی انسان است.

قال علی^(ع): أَفْضَلُ الْحِكْمَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ وَ وَقُوْفُهُ عِنْدَ قَدَرِهِ

برترین حکمت این است که انسان خود را بشناسد و اندازه خویش را نگه دارد.

قال علی^(ع): غَايَةُ الْمَعْرِفَةِ أَنْ يَعْرِفَ الْمَرْءُ نَفْسَهُ .

نهایت معرفت این است که آدمی خود را بشناسد.

قال علی^(ع): مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ . خود شناسی، سودمندترین شناختهاست.

قال علی^(ع): أَفْضَلُ الْعَقْلِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ ، فَمَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَقَلَ ، وَ مَنْ جَهِلَهَا ضَلَّ . (برترین

خرد ورزی، خود شناسی انسان است. پس، هرکه خود را شناخت خردمند شد و هرکه خود را

نشناخت گمراه گشت.)

قال علی^(ع): نَالَ الْفَوْزَ الْأَكْبَرَ مَنْ ظَفَرَ بِمَعْرِفَةِ النَّفْسِ .

کسی که موفق به خود شناسی شود، به بزرگترین پیروزی دست یافته است. بنابراین خود شناسی از مهمترین زیرساخته های اصولی موفقیت و پیروزی در امر به معروف و نهی از منکر می باشد.

ب- ضرورت انسان شناسی:

امر به معروف و نهی از منکر بطور مستقیم با انسان، رابطه پیدا می کند. بدون شناخت انسان، بحث از امر به معروف و نهی از منکر عقیم است. لذا لازم است ابتدا به اساسی ترین مبانی ترین و ریشه ای ترین بحث در امر به معروف و نهی از منکر که انسان شناسی است، پرداخته شود.

انسان کیست؟ انسانیت چیست؟ و کمال حقیقی او در چیست؟ درباره انسان بسیار خوانده ایم و شنیده ایم تا جایی که ده ها و بلکه صدها نظریه درباره او و معنای انسانیت و کمال انسان از سوی دانشمندان و نیز مکاتب مختلف ارائه شده است. در میان این نظریات، نه تنها اختلاف وجود دارد بلکه بین آنها تباین و تضاد عمیق و آشکار دیده می شود. این اختلافات حتی گاهی در پیروان یک مکتب و یک مرجع علمی نیز به چشم می خورد. به همین دلیل بهتر است که پیش از پاسخ به سؤالات ذکر شده درباره انسان که جنبه ایجابی دارند، بهتر است به این سؤال پاسخ دهیم که انسان چه نیست؟

به تعبیر بزرگان ما وقتی بهتر می فهمیم انسان و انسانیت چیست که ابتدا بدانیم انسان چه نیست. موجودات از نظر کمالات وجودی (آثار و منشاء آثار نوین) برابرنیستند و آثار وجودی بعضی بر آثار وجودی بعضی دیگر برتر و بیشتر است. موجوداتی را که در اطراف خود می بینیم از این نظر به چهار دسته تقسیم می شوند:

۱. جمادات یا موجودات بی جان مانند انواع سنگ ها، گازها و مایعات که دارای آثار وجودی خاصی هستند و به بعضی از آنها اشاره می کنیم: جمادات حجم دارند یعنی فضا اشغال می کنند، وزن دارند، رنگ دارند، بو دارند، خواص عنصری مختلفی دارند و...

۲. نباتات یا گیاهان دارای کمالات و آثار وجودی بیش تری نسبت به جمادات می باشند یعنی علاوه بر این که آثار وجودی جمادات را دارند، دارای آثار وجودی مخصوصی هستند که جمادات فاقد آنها می باشند. از قبیل این که نباتات رشد و نمو دارند، تغذیه می کنند، تولید مثل می کنند، تاندازه ای دارای حس و حرکت هستند. بنابراین گیاهان از نظر کمال وجودی برتر از جمادات هستند.

۳. حیوانات دارای کمالات و آثار وجودی بیش‌تری نسبت به گیاهان و جمادات می‌باشند و علاوه بر آثار وجودی جمادات و گیاهان، دارای وجودی مخصوص هستند که دو قسم قبلی فاقد آنند. از قبیل این‌که حیوانات شعور واراده دارند، کار و تلاش می‌کنند، همسرگزینی و مسکن‌گزینی دارند، دارای شهوت جنسی و غضب هستند، در بعضی از انواع آن‌ها زندگی اجتماعی وجود دارد، از حریم خود و خانواده خود در برابر خطرات و دشمنان، محافظت می‌کنند. از حریم ممنوع و حتی گاهی غیرممنوع در برابر خطرات و دشمنان دفاع می‌کنند. تا اندازه‌ای قابل تربیت هستند در آن‌ها صفات روحی خوب و مثبتی که ما در زندگی از آن‌ها به اخلاق تعبیر می‌کنیم در انواع مختلفشان دیده می‌شود؛ صفاتی از قبیل وفاداری، امانتداری، خدمت به ممنوع، نجابت و...

۴. انسان. انسان از آن جهت که انسان است و اشرف مخلوقات می‌باشد، نه جماد است، نه نبات است و نه حیوان. بلکه به این معنا نیست که فاقد کمالات و آثار وجودی جمادات، نباتات و حیوانات است، بلکه به معنای این است که آنچه مایه انسانیت انسان و شرافت او بر سایر موجودات است امری غیر از کمالات وجودی سه قسم گذشته است.

از جمادی مُردم و نامی شدم	وز نما مُردم به حیوان برزدم
مُردم از حیوانی و آدم شدم	پس چه ترسم کی ز مُردن کم شدم
حمله دیگر بمیرم از بشر	تا بر آرم از ملایک پر و سر
وز ملک هم بایدم جستن ز جو	کل شیء هالک الا وجهه
بار دیگر از ملک پران شوم	آنچه اندر وهم ناید آن شوم
پس عدم کردم چون ارغنون	گویدم که انا الیه راجعون

۱- انسان چیست؟

منظور از مختصات انسان یعنی چیزهایی که فقط در انسان وجود دارد و جماد و گیاه و حیوان را به آن راهی نیست. انسان دارای نیروی عقل و فکر است که با آن، حقایق وجود را می‌شناسد و پیشرفت‌های مادی و معنوی تحصیل می‌کند. انسان موجودی آزاد و مختار است که می‌تواند با آزادی و اختیار، مسیر و هدف خود را انتخاب کند و به سوی آن حرکت نماید. انسان با برخوردارگی از روح یا نفخه الهی، قدرت علمی نامحدود و نیز قدرت تربیت‌پذیری نامحدود دارد، تا جایی که می‌تواند اسماء و صفات خداوند را در خود ایجاد و مستقر کند

و مراتب کمال و تقرب به خدا را یکی پس از دیگری طی کند و آینه و مظهر کامل صفات خداوند شود. این همان مقام خلیفه‌اللهی است که انسان برای وصول به آن خلق شده است.

۲- ابعاد وجودی انسان

انسان یک مرکب دوبعدی است که یک بعد او مادی و بعد دیگرش غیرمادی است:

« إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ؛ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»^{۳۷}
(و هنگامی که خداوند به فرشتگان گفت که من بشر را از گل می‌آفرینم، پس آنگاه که او را به خلقت کامل بیاراستم و از روح خود در او دمیدم به او سجده کنید.)

بعد مادی انسان منشاء طبیعت و تمایلات حیوانی اوست و بعد الهی او منشاء فطرت و تمایلات فوق‌حیوانی اوست. همین بعد است که به انسان مقامی می‌دهد که فرشتگان به‌خاطر آن مقام مأمور به سجده بر انسان می‌شوند. همان‌طور که در آیه ۷۲ از سوره مبارکه صاد خواندیم، خداوند در جریان تکمیل آخرین مرحله از مراحل وجودی انسان فرمود: «نفخت فیهِ من روحی». از روح خودم در او دمیدم. روح انسان را به خودش نسبت می‌دهد و این نسبت، شدت اتصال و ارتباط انسان با خداوند و نیز شرافت انسان را می‌رساند. و نیز در ادامه بیان همین جریان خطاب به ملائکه فرمود: «فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ». همگی برایش سجده کنید.

همه ملائکه بدون استثنا به او سجده کردند و ابلیس که در بین ملائکه بود به او سجده نکرد و خداوند از ابلیس درباره علت عدم سجده‌اش به آدم چنین سؤال می‌نماید: « قَالَ يَا اِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ اَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِیْدَیْ اُسْتَكْبَرْتَ اَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِیْنَ»^{۳۸}. (ای ابلیس چه چیز تو را منع کرد از این‌که به چیزی که با دست‌های خودم آن را آفریدم سجده کنی.) کلمه با «دستان خود آن را خلق کردم» حکایت از اهمیت انسان و خلقت اومی‌کند. مرحوم علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: این‌که در این آیه خلقت بشر را به دست خود نسبت داده و فرموده «چه مانعت شد از این‌که برای چیزی سجده کنی که من آن را با دست‌های خود آفریدم، به این منظور بوده که برای آن شرافتی اثبات نموده، بفرماید: هرچیز را به‌خاطر چیز دیگر آفریدم، ولی آدم را به‌خاطر خودم. همچنان که جمله

«و نفخت فیهِ من روحی» (از روح خودم در او دمیدم) نیز این اختصاص را می‌رساند. اگر کلمه «ید» را تثنیه آورد فرمود: «یدِی» (دو دستم) با این‌که می‌توانست مفرد بیاورد، برای

این است که به کنایه بفهماند: در خلقت او اهتمام تام داشتیم؛ چون ما انسان‌ها هم در عملی هر دو دست خود را به کار می‌بندیم، که نسبت به آن اهتمام بیش‌تری داشته باشیم. خداوند دمیده شدن روح خود در انسان را که همان دمیده شدن روح انسانی است، مرحله‌ای جدید در تکامل خلقت او معرفی می‌کند و به‌خاطر این خلقت جدید و به وجود آمدن انسان، به خود تبریک گفته و خود را «احسن‌الخالقین» می‌نامد: «ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^{۳۹}.

بنابراین انسان دارای بعدی حیوانی است که در آن بعد با حیوانات مشترک است و آثار و کمالات حیوانات و به طریق اولی گیاهان و جمادات را از خود نشان می‌دهد. و نیز دارای بعدی فوق‌حیوانی یا انسانی است که انسانیت او و کمالات ویژه‌اش به این بعد بستگی دارد. به بعد حیوانی انسان، طبیعت و به بعد فوق‌حیوانی او فطرت گویند. بین این دو نیرو در انسان بر سر حاکمیت بر وجود او نزاع و کشمکش دایمی وجود دارد اگر طبیعت بر وجود انسان حاکم شود، انسان فقط به سوی ارزش‌های حیوانی و گیاهی متمایل می‌شود و چیزی جز آن‌ها را نمی‌طلبد و در نتیجه فقط حیات حیوانی خواهد داشت. اگر فطرت بر وجود او حاکم شود ارزش‌های فوق‌حیوانی را می‌طلبد و بهره‌برداری او از کمالات حیوانی همسوبا فطرتش می‌شود و طبیعت او در استخدام فطرتش قرار می‌گیرد. فقط در این صورت است که حیات انسانی خواهد داشت و برتر و اشرف از سایر موجودات است. کرامت و برتری انسان نسبت به موجودات این عالم «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»^{۴۰}.

ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن‌ها را به مرکب بر و بحر سوار کردیم - و جهان جسم و جان را مسخر انسان ساختیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه، آن‌ها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم. مرحوم علامه طباطبایی درباره کرامت و برتری انسان چنین می‌فرماید مقصود از تکریم، اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد، و با همین خصوصیت است که معنای «تکریم» با «تفضیل» فرق پیدا می‌کند، تکریم آن است که انسان در میان سایر موجودات عالم خصوصیتی دارد که در دیگران نیست و آن داشتن نعمت عقل است که

به وسیله آن حق را از باطل و خیر را از شر و نافع را از مضر تمییز می‌دهد. و تفضیل آن است که آنچه را به آن‌ها داده از هر یک سهم بیش‌تری به انسان داده است.

۳- نسبت دین و انسان

دین عامل و ضامن حیات انسانی بشر است. تنها دین است که می‌تواند انسان را از سطح کمالات حیوانی و گیاهی به افق زندگی و حیات لایق انسانی برساند. قرآن کریم، این حقیقت را که تنها دین می‌تواند تأمین‌کننده حیات ویژه انسانی باشد با بیانی بسیار زیبا، این‌گونه اعلام می‌کند: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ »^۱. (ای کسانی که ایمان آورده‌اید اجابت کنید خدا و رسول را هنگامی که شما را دعوت می‌کنند به چیزی که آن چیز به شما حیات می‌دهد). بنابراین کار دین، رساندن انسان‌ها به مرحله بالاتری از حیات یعنی حیات انسانی است؛ حال باید دید که دین این حیات را چگونه برای پیروان خود تأمین می‌کند. تعالیم و دستورات حیات‌بخش دینی به سه بخش تقسیم می‌شوند که پیروان آن باید با هر سه بخش رابطه مناسبی برقرار کنند:

- (۱). عقاید یا اصول دین که همان جهان‌بینی و اندیشه‌ها و افکار انسانی است.
 - (۲). اخلاقیات که مبتنی بر جهان‌بینی است و مراد از آن ملکات و صفات ثابت روحی است.
 - (۳). احکام یا فروع دین که دستورالعمل عبادات، معاملات و قسمتی از ارتباطات انسان است برای رسیدن به حیات ویژه انسانی و یا به تعبیر قرآن حیات طیبه می‌باشد و حیات طیبه مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق و اعمال مطابق دستور خداوند (اعمال صالح) است.
- دین برای حیات انسان دو مرحله یا دو نشئه را معرفی می‌نماید:
- الف) مرحله یانثئه دنیا که محدود و موقت است و در حقیقت مرحله مقدماتی حیات اوست.
- ب) مرحله یا نشئه آخرت که نامحدود و جاودانه است و نتیجه و محصول حیات دنیاست.

۴- اصالت حیات آخرت در برابر حیات دنیا

انسان یک موجود ممتد و متکامل از دنیا به بی‌نهایت است و حیات او در دنیا به خاطر محدودیت‌ها و ضعف‌هایی که در عالم طبیعت است، حیاتی بسیار ضعیف و پست است. خداوند در چند جای قرآن کریم حیات دنیا را در مقابل آخرت بازیچه و پست معرفی نموده که نمونه‌هایی می‌آوریم: « وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا

تَعْقُلُونَ»^{۴۲}. (حیات دنیا جز مشغولیت و بازی بیش نیست و همانا سرای آخرت برای اهل تقوا بسیار بهتر است. آیا تعقل نمی‌کنید؟) و بالاخره حیات حقیقی را همان حیات آخرت معرفی نموده و می‌فرماید: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَكِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»^{۴۳} (این زندگی دنیا چیزی جز لهو و بازی نیست و به‌درستی که حیات حقیقی همان سرای آخرت است اگر بفهمند).

در سوره مبارکه یوسف آیه ۱۰۹ می‌فرماید: «وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^{۴۴}. خانه آخرت در حقیقت برای کسانی که تقوا پیشه کردند بهتر است، آیا تعقل نمی‌کنید؟

۵- پیوستگی و وابستگی دنیا و آخرت

موضوع بسیار مهم در جهان‌بینی و انسان‌شناسی قرآنی، مسأله پیوستگی و وابستگی دنیا و آخرت است. یعنی همان‌طور که کمالات و نعمت‌های حیات دنیا مرتبه نازل‌های از کمالات و نعمت‌های آخرت است، حیات آخرتی و ابدی‌انسان نیز بسته به نوع زندگی‌اش در دنیا تنظیم می‌گردد. انسانی که از کمالات دنیایی به نحو صحیح و در جهت رشد و تعالی خوداستفاده نماید، قادر خواهد بود از کمالات عالی و پایدار آخرت بهره‌مند گردد و در روز قیامت و در آخرت و حیات ابدی، تنها چیزی که به حال انسان سود دارد و می‌تواند سعادت او را تأمین نماید، داشتن یک روح سالم است. «یوم لا ینفع مال و لابنون الا من اتی الله بقلب سلیم» روزی که نه مال و نه فرزندان و نه هیچ چیز دیگر به حال انسان سود ندهد، مگر این که شخص با قلب سلیم بر خدا وارد شود.

۶- انسان هدف خلقت است.

خداوند وجودی بی‌نهایت است و همه‌ی کمالات را دارا است و آفریدن (یعنی ایجاد کردن) فیض اوست و از آن روی که خداوند فیاض است کمال فیاضیت او اقتضا می‌کند که هر چه را لایق آفریده شدن است بیافریند. پس خداوند آفرید، چون فیاض است. یعنی هدف و چرایی آفرینش در فیاضیت او است. از آنجا که صفات ذاتی خداوند خارج از ذات او نیست می‌توان گفت هدف آفرینش، ذات خداوند است. البته اگرچه هدف فاعل به این معنا که برای تأمین نیازها و جبران نقص خود، دست به خلقت زده باشد، برای خدا تصور ندارد چون بی‌نیاز مطلق است و نقصی در او راه ندارد اما فعل خداوند باید هدف (هدف فعل) داشته باشد زیرا خداوند حکیم است، و از شخص حکیم کار بیهوده و

۴۲ - انعام/ ۳۲

۴۳ - عنکبوت/ ۶۴

۴۴ - یوسف/ ۱۰۹

عبث صادر نمی شود، از این رو نظام آفرینش نظامی است هدفمند که در راستای اهداف عالیه ذات باری تعالی بنیان نهاده شده و در آن اثری از اعوجاج و آشفتگی پیدا نیست. اما هدف نهایی آفرینش انسان، رسیدن به کمال و سعادت و دست یازیدن به والاترین کرامت ها و ارزش های انسانی است و این هدف هر چه که باشد نتیجه اش به خود او بر می گردد نه به خداوند که او غنی مطلق است و ممکنات از جمله انسان محتاج اویند، چنانکه فرموده است: « ای مردم! شما نیازمند به خدایید، تنها خداوند است که بی نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است».

بنابراین به عقیده ما، از مجموع آیات و روایات درباره خلقت انسان، برتری انسان بر موجودات این نشئه از هستی _ اعم از موجودات زمینی و سماوی _ استفاده می شود، و این به جهت ویژگی هایی است که انسان از آنها برخوردار است.

۱. برخورداری از روح الهی ۲. مسجود ملائکه شدن ۳. خلافت الهی در زمین ۴. وجود خلاصه خلقت و عصاره هستی یعنی حضرت محمد (ص) در میان انسان های کنونی است. لذا انسان کاملترین مخلوق الهی است که هرآنچه در این نشئه دنیا خلق شده است برای او خلق شده است. مثل:

خلقت زمین و موجودات آن برای انسان است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»^{۴۵}
 «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»^{۴۶}
 «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْآنْهَارَ»^{۴۷}

ج- ضرورت جامعه شناسی:

انسان به تنهایی قادر به تامین نیازهای خود برای طی مسیر و وصول به کمال نیست مگر با تکیه بر فطرت اجتماعی بودنش. لذا ضروری است به اجمال به جامعه شناسی به عنوان بستر ساز تکامل انسانی پرداخته شود. استاد علامه شهید مرتضی مطهری (ره) در کتاب جامعه و تاریخ؛ جامعه را مجموعه ای از افراد انسانی می داند که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاصی به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند. زندگی دسته جمعی این نیست که گروهی از انسانها در کنار هم و در یک منطقه زیست کنند و از یک

آب و هوا و یک نوع مواد غذایی استفاده نمایند. آهوان یک گله نیز با هم می چرند و با هم می خرامند و با هم نقل مکان می کنند اما زندگی اجتماعی ندارند و جامعه تشکیل نمی دهند. زندگی انسان که اجتماعی است به معنی اینست که ماهیت اجتماعی دارد. از طرفی نیازها، بهره‌ها، بر خورداریها، کارها و فعالیتها ماهیت اجتماعی دارد. جز با تقسیم کارها و تقسیم بهره‌ها و رفع نیازمندیها در داخل یک سلسله سنن و نظامات میسر نیست. از طرف دیگر نوعی از اندیشه‌ها، ایده‌ها، خلق و خویها بر عموم حکومت می کند و به آنها وحدت و یگانگی می بخشد و به تعبیر دیگر: جامعه عبارتست از مجموعه‌ای از انسانها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمانها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند.^{۴۸} از منظر دفتر همکاری حوزه و دانشگاه «جامعه، مجموعه‌ای بزرگ و خودبسنده از افراد انسان است که روابط گوناگون، مشترک و متقابل و نسبتا پایداری، آنها را به هم پیوند می دهد»^{۴۹}. همچنین شاید بتوان تعریفی عام‌تر از تعریف قبل ارائه داد. یعنی می توان ادعا کرد که هر گروه و دسته‌ای از انسان‌ها که دور هم جمع شده و «جهت وحدتی» داشته باشند، «جامعه» را تشکیل می دهند: «... به نحو کلی می توان گفت که در هر موردی که بتوان برای گروهی از مردم «وجه جامع» و «جهت وحدتی» اعتبار کرد، اطلاق لفظ جامعه بر آن گروه رواست، چه گروه مردان متأهل یک ده کوچک باشد و چه گروه انسان‌هایی که از بدو خلقت تا کنون پدید آمده‌اند و از میان رفته‌اند»^{۵۰}.

د- جامعه ایده آل و منحط از دیدگاه قرآن

قرآن بر اساس محورهای اساسی و دیدگاه توحیدی و نیز با توجه به اصول دین، نمایی از جامعه مطلوب را ارائه می دهد و عوامل پیدایش یا انحطاط آن را هم معرفی می کند. بنابراین «طرح ویژه قرآن برای جامعه مطلوب و متعالی، بر اساس ایمان به غیب، بیئت توحیدی و اصالت دادن به معنویات پی ریزی شده و غایت آن در ماوراء ماده و مادیات است و آن جامعه تحت ولایت و امامت الهی اداره می شود و علاوه بر برخورداری از

۴۸ - مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱، صص ۳۴۶ و ۳۴۷.

۴۹ - دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر جامعه شناسی، ۱۳۶۳، ص ۲۶۹

۵۰ - محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ، قم، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۱.

معنویات، اخلاق و فرهنگ صالح و متناسب با اصول فوق الذکر، از علم و دانش، رشد، آگاهی و انواع نعمت های مادی حیات دنیوی نیز بهره مند است»^{۵۱}.

بر اساس باورهای دینی و اعتقادی که منبعث از نگرش توحیدی بر جهان هستی است، بر این باوریم که تمام پدیده های هستی به اراده خداوند است و تحقق هیچ امری بدون اذن و اراده او میسر نیست: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُوتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ»^{۵۲}. (بگو: بارخدایا! تویی که فرمان فرمایی؛ هر آن کس را که خواهی فرمان روایی بخشی و از هر که خواهی، فرمان روایی را باز ستانی و هر که را خواهی، عزت بخشی و هر که را خواهی، خوار گردانی). با این حال، اعتقاد به این نکته هیچ منافاتی با این ندارد که سرنوشت جوامع در حرکت به سوی تعالی یا انحطاط، به دست افراد باشد؛ یعنی این افراد جوامع هستند که با یک سری اعمال ارادی و اختیاری، سرنوشت خود و جوامعی را که در آن زندگی می کنند، رقم می زنند؛ هرچند اختیار و آزادی انسان و نقش بنیادین او در سرنوشت وی نیز، مشمول اراده و مشیت حضرت حق است و بر همین اساس در عین حال که می فرماید: «تُوتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ...»^{۵۳}، به این نکته نیز تصریح می کند که: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^{۵۴} در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند».

۱-۲-۲- اصول انگیزشی و عاطفی

اصولی که شمرده می شود، بیانگر آن است که انسانی در احیاء و اجرای امر به معروف و نهی از منکر موفق تر است که بر پایه جهان بینی صحیح، ایمان خود را به خدا مستحکم و همواره خود را تحت نظر در محضر ببیند.

الف- خدا حاضری و خدا ناظری

«وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^{۵۵} مالکیت مشرق و مغرب فقط ویژه خداست؛ پس به هر کجا رو کنید آنجا به سوی خداست. یقیناً خدا بسیار عطا کننده

۵۱ - معیارها و عوامل تمدن از نظر قرآن، صص ۳ - ۵.

۵۲ - آل عمران: ۲۶

۵۳ - آل عمران: ۲۶

۵۴ - رعد/ ۱۱

۵۵ - البقره/ ۱۱۵

و داناست. قال علی علیه السلام: «اتَّقُوا مَعَاصِيَ الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ»^{۵۶} حتی در خلوت ها هم از نافرمانی و معصیت خداوند پرهیز کنید، چرا همان کسی که الان شاهد هست، روز قیامت حاکم و قضاوت کننده خواهد بود.

ب- ایمان محوری

تنها وسیله ارتباط انسان با خدا، قلب او است که از طریق جهان بینی به این می رسد که او مخلوق و خالقی تواناست که هستی بخش اوست. این باور را در خود ثبت می کند، از زبان جاری می کند، و در رفتار و اعمال متجلی می سازد و این همان معنای ایمان است. یعنی ایمان، یک باور قلبی است. باوری که به زندگی انسان جهت می دهد و در چگونگی زیستن او نقشی مهم دارد، و محور ارزش گذاری برای اندیشه ها و عملکردهای مردم است. ایمان از نظر لغوی به معنای گرویدن، عقیده داشتن، ایمن کردن و باور داشتن است (فرهنگ معین). از نظر اصطلاحی ایمان عبارت است از معرفت توأم با تسلیم قلبی و خضوع و خشوع دل به خداوند متعال و رسول او و آموزه هایی که به بشریت ارائه کرده اند. ایمان یعنی نیرویی معنوی که باعث می شود انسان با شجاعت و قدرت و صدق و اخلاص برای رضای خدا تلاش کند و در مسیر قرب الهی قرار بگیرد و با آرامش کامل بدور از هر گونه شک و شبهه ای به انجام وظایف فردی و اجتماعی خود همت گمارد و سرزنش هیچ سرزنش کننده ای را به خود راه ندهد. علامت ایمان این است که فرد مومن حتی از مرگ در این راه نگرانی ندارد و آن را شهادت در راه خدا می داند و از آن استقبال می کند. ایمان یک روش کامل زندگی بر اساس خدا باوری و معاد باوری است. محدثان می گویند: عمل صالح از ارکان فرعی ایمان است، نظیر شاخه درخت که با جدا شدن، نام درخت بر او صدق می کند، بین ایمان و عمل که به منزله ریشه و ساقه هستند ارتباط متقابل وجود دارد.

ب-۱- رابطه ایمان با عمل

از بیان گذشته روشن شد که ایمان، حالتی است روانی که از دانش و گرایش، مایه می گیرد و لازمه اش این است که شخص با ایمان، تصمیم اجمالی بر عمل کردن به لوازم چیزی که به آن ایمان دارد بگیرد. بنابراین، کسی که آگاه به حقیقتی است ولی تصمیم دارد که هیچ گاه به هیچ یک از لوازم آن، عمل نکند ایمان به آن نخواهد داشت و حتی اگر تردید داشته باشد که به آنها عمل کند یا نکند باز هم هنوز ایمان نیاورده است. قرآن کریم

می‌فرماید: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ»^{۵۷} ((گروهی از) اعراب(بیابانی به پیامبر اکرم) گفتند: ما ایمان آوردیم. بگو: شما ایمان ندارید ولی بگویید اسلام آوردیم، و هنوز ایمان در دلهایتان وارد نشده است.)

ب-۳- رابطه عمل با ایمان

عمل اختیاری یا شایسته و همسوی با ایمان است، یا ناشایسته و مخالف با جهت آن؛ در صورت اول، ایمان را تقویت و دل را نورانی‌تر می‌سازد. و در صورت دوم، موجب ضعف ایمان و ظلمانی شدن قلب می‌گردد. بنابراین، اعمال صالحه‌ای که از شخص مؤمن، صادر می‌شود در عین حال که از ایمانش مایه می‌گیرد به نوبه خود بر قوت و ثبات ایمان او می‌افزاید و زمینه کارهای نیک دیگری را فراهم می‌سازد و می‌توان تأثیر عمل نیک در تکامل ایمان را از این آیه شریفه استظهار کرد که فرمود: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»^{۵۸}. سخن و(اعتقاد) خوب به سوی خدا صعود می‌کند و عمل صالح، آن را رفعت می‌بخشد و همچنین در آیات متعددی از زیاد شدن ایمان و نور و هدایت نیکوکاران یاد شده است.

تمثیل:

روابط متقابل ایمان و عمل و نقش آنها در سعادت انسان را می‌توان به درختی تشبیه کرد که ایمان به خدای یگانه و به فرستادگان و پیامهای او و به روز پاداش و کیفر الهی، ریشه های آن را تشکیل می‌دهد، و تنه‌اش همان تصمیم اجمالی و بسیط بر عمل کردن به لوازم ایمان است که بدون واسطه، از آن می‌روید، و شاخ و برگهای آن عبارت است از اعمال شایسته‌ای که از ریشه ایمان، مایه می‌گیرند و میوه آن، سعادت ابدی خواهد بود. و اگر ریشه نباشد تنه و شاخ و برگی پدید نمی‌آید و میوه‌ای هم به بار نخواهد آورد. ولی چنان نیست که وجود ریشه همیشه ملازم با شاخ و برگ مناسب و دادن میوه مطلوب باشد بلکه گاهی در اثر نامساعد بودن شرایط محیط و بروز آفات گوناگون، شاخ و برگ لازم نمی‌روید و نه تنها میوه مطلوب را به بار نمی‌آورد که گاهی به خشکیدن درخت نیز منجر می‌شود. همچنین ممکن است در اثر پیوندهایی که به شاخه و تنها و حتی به ریشه درخت، زده می‌شود آثار دیگری از آن، ظاهر گردد و احیاناً به تبدیل آن به درخت دیگری منتهی شود، و این همان تبدیل ایمان به کفر (ارتداد) است. حاصل آنکه: ایمان به امور یاد شده،

۵۷- (سوره حجرات، آیه ۱۴).

۵۸- (سوره فاطر، آیه ۱۰).

عامل اصلی سعادت انسان است ولی تأثیر کامل این عامل، مشروط به جذب مواد غذایی لازم از راه اعمال صالحه، و دفع آفات و مواد زیان بار به وسیله اجتناب از گناهان است. و ترک واجبات و ارتکاب محرمات، ریشه ایمان را ضعیف می کند و گاهی به خشکیدن آن، منتهی می شود، چنانکه پیوند عقاید نادرست، موجب دگرگونی ماهیت آن می گردد.

ب-۴- ثبت و نمایش اعمال

بر اساس مبانی دینی و معرفتی و قرآنی اعمال انسان، همه (چه جوانحی و چه جوارحی) ثبت، نگهداری و بازگردانده می شود. لذا به استشهاد قرآن مجید:

۱- ثبت: «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»^{۵۹}: «... مَا لِي هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا»^{۶۰}

۲- عکس برداری: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»^{۶۱}

۳- درون کاوی و عیار سنجی و ارزش گذاری می کنند؛ (هر عملی با بوی برخاسته از آن که از نیت عامل برمی خیزد، می سنجند). از امام صادق^(ع) پرسیده شده که چگونه موکلان به نیت آگاه می شوند؟ آن حضرت^(ع) فرمود: آنان از بوی خوش و ناخوش به نیت انسان ها آگاه می شوند

۴- بالا می برند؛ (حدیث نماز: مرا حفظ کردی خدا تو را حفظ کن دنیا مرا ضایع کردی خدا تو را ضایع کند).

۵- نگهداری می کنند؛ (دو گروه ملک شب و روز که هر کدام نگهبان همان اعمال تا قیامت هستند).

۶- عینا به انسان بر می گردانند؛ «يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ»^{۶۲}

۱-۲-۳- اصول عملی و رفتاری

آمران به معروف و ناهیان از منکر که با جهان بینی الهی خود و خودشناسی کامل بر اساس اصل خدا حاضری و خداناظری قدم به عرصه جهاد امر به معروف و نهی از منکر می گذارند، می بایستی در عمل و رفتار خود از اصولی تبعیت کنند که حجیت داشته باشد و

از اعمال سلیقه شخصی به جای انجام تکلیف شرعی پرهیزند. به همین دلیل باید در اجرا نیز از اصولی تبعیت کنند که در سه گام مطرح می گردد:

گام اول: نحوه روبرو شدن:

هر کاری که می کنید اول بگویید «بسم الله الرحمن الرحيم». یعنی کار باید به نام خدا باشد. این یک قرنطینه است، کاری که به نام خداست یا واجب است یا مستحب، دیگر کار حرام یا مکروه را که نمی شود به نام خدا شروع کرد که فرمود هر کاری که می کنید باید رویتان بشود که بگویید خدایا به نام تو.^{۶۳}

گام دوم: تشخیص

- آمران به معروف و ناهیان از منکر باید اهل تشخیص باشند،
- ۱) تشخیص اینکه پدیده ای که رخ داده از مصادیق معروف فراموش شده است یا مصادیق منکری است که صورت پذیرفته است.
 - ۲) تشخیص اینکه حکم خدا در رابطه با این پدیده چیست.
 - ۳) تشخیص اینکه از چه روشی برای اثرگذاری بیشتر باید استفاده کرد.
 - ۴) تشخیص اینکه مربوط به کدام مرتبه است (قلبی و زیر مجموعه آن) یا (لسانی و زیر مجموعه آن) یا (عملی و زیر مجموعه آن).
 - ۵) تشخیص اینکه چه کسی امر یا نهی کند (خودم یا همراهم)
 - ۶) تشخیص اینکه زبانی باشد یا نوشتاری.

گام سوم: اجرا (الزامات)

- در این گام بایدها و نبایدهای از مو باریک تری وجود دارد که عینا از منبع فقهی حضرت امام خمینی^(ره) که حجیت شرعی دارد به شرح زیر استخراج شده است:
- ۱- شخص امر و ناهی باید بشناسد که آنچه مکلف می خواهد ترک کند معروف است و آنچه او می خواهد انجام دهد منکر است.
 - ۲- اگر شخص امر و ناهی جاهل به معروف و منکر است، در آن شرایط امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست.
 - ۳- شناختن معروف و منکر شرط وجوب است نظیر استطاعت در حج. (یعنی اگر این شرط حاصل شد و استطاعت فراهم شد، خودبخود حج واجب می شود و برای اینکه استطاعت بدست بیاورد نیاز به تلاش و کوشش نیست).

۴- آموختن (فراگرفتن) شرائط امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و عدم وجوب و جواز و عدم جواز آن واجب است تا اینکه شخص در انجام این دو وظیفه الهی، دچار منکر و خلاف شرع نگردد.

۵- اگر در جایی که امر به معروف و نهی از منکر جائز نیست امر به معروف و یا نهی از منکر کند، بر دیگران واجب است که او را نهی نمایند.

۶- جایز باشد و احتمال تاءثیر امر به معروف و یا نهی از منکر را بدهد. اگر اطمینان دارد که تاءثیر نمی‌کند، دیگر واجب نیست.

۷- اگر بداند که انکارش (نهی) از منکر تاءثیر نمی‌کند مگر آنکه آنرا با خواهش و موعظه همراه سازد ظاهراً واجب می‌شود به همان طریق نهی از منکر کند.

۹- اگر بداند یا احتمال دهد که امر یا نهی او با تکرار مؤثر می‌شود، واجب است تکرار کند.

۱۰- اگر بداند یا احتمال دهد که اگر در حضور جمعی او را نهی از منکر کند مؤثر می‌شود نه در خلوت، اگر فاعل کسی است که علناً گناه می‌کند واجب است او را بین جمع نهی کند.

۱۲- اگر بداند که نهی از منکرش فعلاً هیچ اثری ندارد ولیکن در آینده اثر می‌گذارد واجب است نهی از منکر را انجام دهد.

۱۳- اگر بداند که امر به معروفش و یا نهی از منکرش نسبت به طرف که معروف را ترک کرده و یا منکر را مرتکب شده هیچ اثری ندارد ولی نسبت به شخص دیگری که او نیز انجام داده اثر می‌گذارد به شرطی که خطاب را متوجه شخص او نکند بلکه متوجه مرتکب اول کند واجب است به منظور تاءثیر در دیگری شخص مرتکب و یا تارک معروف اول را نهی از منکر و یا امر به معروف کند.

۱۴- اگر بداند که فلان شخص معین امر و نهیش در طرف مؤثر است نه امر و نهی خودش واجب است به آن شخص امر کند که او طرف را امر به معروف و نهی از منکر کند، البته در صورتی که بداند که وی با وجود شرائط تکلیف اهمال کرده است.

۱۵- اگر بداند که فلان شخص تصمیم گرفته فلان گناه را مرتکب شود و احتمال دهد که اگر او را نهی کند مؤثر واقع می‌شود، واجب است نهی کند.

۱۶- اگر بداند که طرف مقابلش آدم لجبازی است که هرچه به او بگوید خلاف آن را می‌کند، اگر نهی از منکرش کند بیشتر مرتکب می‌شود و اگر امر به معروفش کند آنرا ترک می‌کند، واجب است او را امر به منکر و نهی از معروف کند به شرطی که محذور دیگری در بین نباشد.

۱۷- اگر بداند یا احتمال دهد که امر به معروفش و نهی از منکرش در کمتر شدن معصیت اثر

- می گذارد ولی آن را ریشه کن نمی سازد، واجب است او را به معروف امر و از منکر نهی کند،
- ۱۸- اگر در موردی، هم احتمال تاءثیر را بدهد و هم احتمال خلاف آن یعنی بدتر شدن را، ظاهراً امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست.
- ۱۹- اگر احتمال دهد که نهی از منکرش این اثر را دارد که ارتکاب را تاءخیر یا تعویق می اندازد واجب است نهی کند.
- ۲۰- اگر دو نفر یقین داشته باشند که بطوراجمال نهی یکی از آن دو مؤثر است و از دیگری مؤثر نیست بر هر دو واجب است نهی از منکر کنند، حال اگر یکی از آن دو نهی کرد و مؤثر هم واقع شد از دیگری ساقط می شود وگرنه بر او نیز واجب است.
- ۲۱- اگر بداند یا مظنه داشته باشد به اینکه انکارش باعث ضرر مهمی به جان یا به عرض یا به مال یکی از متعلقین نظیر خویشان و یاران و ملازمان می شود، دیگر امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست و وجوبش از او ساقط است.
- ۲۲- اگر بداند یا مظنه پیدا کند یا احتمال موجب ترس بدهد که اگر طرف را از منکر نهی کند خودش یا متعلقین او در حرج و مشقت واقع می شوند، وجوب آن ساقط می شود و بعید نیست که مؤمنین هم ملحق به متعلقین او باشد.
- ۲۳- اگر بر جان یا عرض خودش و یا نفوس مؤمنین و عرض آنان بترسد انکار(نهی از) منکر حرام می شود،
- ۲۴- اگر بر مال قابل توجهی از مؤمنین بترسد، انکار(نهی از) منکر حرام می شود،
- ۳۵- اگر بر مال خودش بترسد بلکه حتی یقین به ضرر پیدا کند در صورتی که آن ضرر برایش حرجی نباشد ظاهراً نهی از منکر حرام نخواهد بود و اما اگر بحد مشقت و حرج برسد بعید نیست حرام باشد.
- ۳۶- اگر بیاداری فریضه ای و یا ریشه کن ساختن منکری موقوف باشد به اینکه مال قابل توجهی را خرج کند خرج کردن آن واجب نیست (مگر) شارع به آن اهتمام دارد و خلاف آن را به هیچ وجه راضی نیست واجب است آن مال را بذل کند.
- ۳۷- در کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند عدالت شرط نیست.
- ۳۸- شرط نیست که خودش بدانچه امر می کند عمل نموده و آنچه را که نهی می کند ترک کند، پس اگر خودش واجبی را ترک می کند واجب است که در صورت وجود شرایط دیگران را بدان امر کند همچنانکه واجب است خودش به آن عمل کند.
- ۳۹- اگر خودش عمل حرامی را مرتکب می شود واجب است بر او که دیگران را از

ارتکاب آن نهی کند همچنانکه واجب است خودش آن را ترک نماید.

۴۰- امر به معروف و نهی از منکر بر کسی که به حد تکلیف نرسیده واجب نیست.

۴۱- واجب نیست غیر مکلف یعنی صغیر و دیوانه و امثال آنها را امر به معروف و نهی از منکر کنند، بلکه اگر منکر آن قدر زشت باشد که مولی تبارک و تعالی صدور آن را از هیچکس نمی پسندد بر افراد مکلف واجب است که غیر مکلف را از آن نهی کنند .

۴۲- اگر کسی که حرامی را مرتکب می شود و یا واجبی را ترک میکند در ارتکاب آن و ترک این عذری شرعی یا عقلی داشته باشد امر به معروف و نهی از منکرش واجب نیست بلکه جائز هم نیست.

۴۳- اگر احتمال دهد که این فردی که در رمضان روزه می خورد مثلاً مسافر باشد نهی او از منکر واجب نیست بلکه جوازش مشکل است ، بلکه اگر روزه خوردنش علنی و باعث هتک احکام اسلام و جرئت پیدا کردن مردم در ارتکاب حرام باشد واجب است او را از این جهت نهی کند.

۴۴- امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که با حاصل شدن غرض از مرتبه پائین تر جائز نیست از مرتبه بالاتر آغاز شود بلکه اگر احتمال داده شود که غرض با مرتبه پائین تر حاصل می شوند نباید مرتبه بالاتر را بکار بست.

۴۵- مرتبه اول: اینکه وقتی عمل منکری و یا ترک معروفی ببیند انزجار قلبی و ناراحتی درونی خود را با قیافه خود اظهار بدارد و به او بفهماند که باید آن منکر را ترک کند و آن معروف را انجام دهد، و همین قیافه گرفتن نیز درجاتی دارد.

۴۶- راضی بودن به فعل منکر و ترک معروف حرام است.

مرتبه دوم: امر به معروف و نهی از منکر زبانی است

۴۷- اگر احتمال دهد که با ارشاد و موعظه به نرمی غرض حاصل می شود واجب است چنین کند و جائز نیست از آن تجاوز کند.

۴۸- اگر بداند که غرض با آن حاصل نمی شود یا به مرحله بعدی می گذارد یعنی با تحکم او را امر به معروف و نهی از منکر می کند، و در این مرحله اگر احتمال تاءثیر می دهد، واجب است از آسانترین و نرم ترین کلام آغاز کند و جائز نیست از آن تجاوز نموده (با خشونت سخن بگوید) مخصوصاً اگر چنانچه مورد کسی است خشونت نسبت به او هتک او است .

۴۹- اگر جلوگیری از منکر و اقامه واجب متوقف بر سخن درشت و تشدید در امر و تهدید بر مخالفت باشد همه اینها جائز می شود بلکه واجب است ولی احتزار از دروغ رعایت شود.

- ۵۰- جائز نیست برای نهی از منکر از عملی حرام نظیر ناسزا و دروغ و اهانت کمک بگیرد زیرا خود آنها منکرند.
- ۵۳- اگر منکر عملی باشد که شارع به هیچ شرائطی راضی به آن نیست نظیر کشتن نفس محترمه و کارهای قبیح و کبائریکه مایه هلاکت است جائز است بلکه اگر منع از چنان منکری حاصل نمی شود مگر به وسیله آنگونه محرمات ارتکاب آنها برای جلوگیری از بزرگتر از آنها واجب می شود.
- ۵۱- بر امر کننده و نهی کننده لازم است رعایت مراتب و اشخاص را بنماید و وظیفه خود را به آسانتر و آسانترین راه انجام دهد.
- ۵۲- اگر احتمال دهد که وقتی امر به معروف او مؤثر می شود که این چند مرتبه از مرحله اول یا چند مرتبه از مرحله دوم جمع کند، .. واجب است جمع کند.
- ۵۳- اگر نهی از منکر به وسیله شخصی باعث کم شدن منکر و از دیگری باعث از بین رفتن منکر می شود بر هر دوی آنان واجب است به وظیفه خود قیام کنند.
- ۵۴- اگر دومی قیام کرد و منکر را ریشه کن ساخت تکلیف از اولی ساقط می شود بخلاف اینکه اولی وظیفه اش را انجام دهد و گناه را کمتر سازد که وظیفه دومی را ساقط نمی کند.

فصل دوم

معروف و منکر

اهداف شناختی، انگیزشی و رفتاری فصل سوم:

در این فصل فراگیر پس از آشنایی با تعریف معروف و منکر و امر و نهی و تفاوت آنها با تعلیم و تبلیغ و ارشاد، نسبت به اولویت های مصادیق عمده معروف ها و منکرات بر اساس منشور ولایت شناخت

پیدا می کنند و در پایان باید بتواند به سوالات زیر پاسخ دهد:

۱- تعریف معروف، منکر، امر و نهی، امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

۲- اولویت مصادیق عمده معروف و منکر از منظر ولی فقیه کدام است؟

۳- تفاوت بین امر و نهی با تعلیم و تبلیغ و ارشاد چیست؟

۴- چرا باید به امر به معروف و نهی از منکر پردازیم؟

۵- فایده و اثر امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

فصل دوم: معروف و منکر

۲-۱- تعریف معروف و منکر:

الف- معروف:

«معروف» در لغت به معنای شناخته شده و مقصود آن کارهایی است که مورد تأیید عقل و شرع است. به زبانی ساده، هرآنچه باعث شود انسان از خود دور و به خدا نزدیک شود «خوب یا معروف» است که سرفصلهای کلی آن در کتب فقهی و اخلاقی ذکر شده است:

ب- منکر:

«منکر»: به معنی ناشناخته و مقصود از آن کارهایی است که مورد نکوهش عقل و شرع است. به زبانی ساده، هرآنچه باعث شود انسان از خدا دور و به خود نزدیک شود «بد یا منکر» است.

۲-۲- تعریف امر و نهی:

الف- امر:

امر اگر به صورت مصدر به کار برده شود، معنای آن در زبان پارسی: فرمودن، فرمان دادن، دستور دادن، وادار نمودن، واداشتن وچنان چه به صورت اسم به کار برده شود معنای آن فرمان، فرمایش، دستور و واداری خواهد بود.

بنابراین امر در لغت به معنی فرمان دادن، فرمان، حکم، کار و حادثه و در مفهوم گفته اند: «هو الطلب مع الاستعلاء»، امر همان خواستن یا برتری است که مترادف با فرمان است.

ب- نهی:

نهی: اگر به صورت مصدر به کار برده شود معنای آن در زبان پارسی: باز داشتن و جلوگیری کردن کسی از کاری یا گفتاری یا کرداری و چنان چه به صورت اسم به کار برده شود معنای آن در زبان ما، بازداری و جلوگیری کسی از کاری یا گفتاری یا کرداری خواهد بود. بنابراین نهی در

لغت به معنی بازداشتن، منع کردن و باز داشتن از کاربرد، جلوگیری کردن است و در مفهوم گفته اند : « النهی الزجر عن الشيء » (نهی بازداشتن از چیزی است).

۲-۳- تعریف امر به معروف و نهی از منکر:

الف- امر به معروف: یعنی وادار کردن به انجام کار های شایسته و پسندیده .

ب- نهی از منکر : یعنی بازداشتن از انجام کار های ناشایست و ناپسند.

۲-۴- مصادیق معروف و مصادیق منکر:

وقتی که شما برای کمک به نظام اسلامی مردم را به نیکی امر می کنید مثلاً احسان به فقرا، صدقه، رازداری، محبت، همکاری، کارهای نیک، تواضع، حلم، صبر و می گوئید این کارها را بکن؛ هنگامی که دل شما نسبت به این معروف، بستگی و شیفتگی داشته باشد، این امر شما، امر صادقانه است. وقتی کسی را از منکرات نهی می کنید مثلاً ظلم کردن، تعرض کردن، تجاوز به دیگران، اموال عمومی را حیف و میل کردن، دست درازی به نوامیس مردم، غیبت کردن، دروغ گفتن، نمّامی کردن، توطئه کردن، علیه نظام اسلامی کار کردن، با دشمن اسلام همکاری کردن و می گوئید این کارها را نکن؛ وقتی که در دل شما نسبت به این کارها بغض وجود داشته باشد، این نهی، یک نهی صادقانه است» (۷۹/۹/۲۵)

مهم ترین قلم امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از امر به بزرگ ترین معروفها و نهی از بزرگ ترین منکرها. بزرگ ترین معروف ها در درجه ی اول عبارت است از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی؛ این امر به معروف است. حفظ عزّت و آبروی ملت ایران، بزرگ ترین معروف است. معروفها اینها هستند:

-اعتلای فرهنگ،(عمومی، تخصصی، اختصاصی در سه لایه پیشی، ارزشی و کنشی)

-سلامت محیط اخلاقی، (نفس، خانه، محله ، مدرسه، جامعه)

-سلامت محیط خانوادگی، (پدر، مادر، همسر، فرزند، خواهر، برادر)

-تکثیر نسل و تربیت نسل جوان آماده برای اعتلای کشور،(مسجد، مدرسه، دانشگاه)

-رونق دادن به اقتصاد و تولید، (تولید، توزیع، مصرف برپایه رویکرد درونزای برون گرا

مبتنی بر اقتصاد مقاومتی)

-همگانی کردن اخلاق اسلامی، (هنگام مواجهه، مراوده و جداشدن)

-گسترش علم و فناوری،

-استقرار عدالت قضائی و عدالت اقتصادی،

-مجاهدت برای اقتدار ملت ایران و ورای آن و فراتر از آن، (عوامل قدرت ساز و اقتدار آفرین در سطح ملی)

-اقتدار امت اسلامی و تلاش و مجاهدت برای وحدت اسلامی (عوامل قدرت ساز و اقتدار آفرین در سطح فراملی) مهم ترین معروفها اینها است و همه موظفند در راه این معروف ها تلاش کنند؛ امر کنند.

نقطه‌ی مقابل اینها هم عبارت است از منکرها.

-ابتدال اخلاقی منکر است، (رذایل اخلاقی)

-کمک به دشمنان اسلام منکر است، (شایعه پراکنی، اختلاف افکنی، ناتوان جلوه دادن، جاسوسی)

-تضعیف نظام اسلامی منکر است،

-تضعیف فرهنگ اسلامی منکر است، (سنتی و واپسگرا خواندن فرهنگ اسلامی)

-تضعیف اقتصاد جامعه و تضعیف علم و فناوری منکر است؛

-از این منکرها باید نهی کرد. (۹۴/۱/۱)

۲-۵- تفاوت بین امر و نهی با تعلیم و تبلیغ و ارشاد:

گروه بندی افراد: افراد جامعه به نسبت کاری که انجام می دهند سه دسته اند:

دسته اول: کسانی که نمی دانند و نسبت به موضوع و حکم آن جاهل و نادان هستند. این دسته را باید تحت تبلیغ و تعلیم قرار داد.

دسته دوم: افرادی که می دانند و علم دارند، لکن فراموش نموده یا غافل هستند. این دسته را باید تذکر داد و ارشاد کرد.

دسته سوم: افرادی که عالم هستند و لکن عمداً واجبی را ترک یا منکری را دامن می زنند. این دسته را باید مورد امر به معروف و نهی از منکر قرار داد.

حضرت امام خامنه ای عزیز^(مدظله العالی): «روح و مدل امر به معروف، مدل امر و نهی است؛ مدل خواهش و تقاضا و تضرع نیست. نمی شود گفت که خواهش می کنم شما این اشتباه را نکنید؛ نه، باید گفت آقا! این اشتباه را نکن؛ چرا اشتباه می کنی؟ طرف، هرکسی هست بنده که طلبه‌ی حقیری هستم از بنده مهم تر هم باشد، او هم مخاطب امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد.»

حضرت آیه الله جوادی آملی: «مطلب دوم آن است که جریان امر به معروف و نهی از منکر غیر از تعلیم است غیر از تبلیغ است غیر از ارشاد است غیر از موعظه و نصیحت و پندها و اندرزهاست امر به معروف فرمان است نهی از منکر هم فرمان است بکن و نکن.»

علامه شهیداستاد مطهری^(ره): پس از اشاره به اینکه "کلی‌گویی" امر به معروف و نهی از منکر نیست، می‌گوید: امر به معروف و نهی از منکر این است که کسی را به یک معروف معین و مشخص و خارجی امر، یا از منکری معین و خارجی نهی کنند. اگر کسی مشغول غیبت است و منعش کنیم، نهی از منکر کرده‌ایم، اما در مذمت غیبت یک ساعت بحث کنیم نهی از منکر نیست.^{۶۴}

۲-۶- چرایی امر به معروف و نهی از منکر:

چرایی امر به معروف و نهی از منکر به اقتضای دلایل عقلی و نقلی بسیار است. در اینجا با ذکر حدیثی جامع و گرانسگ از حضرت امام محمد باقر (ع)^{۶۵} به سرخط‌های آن اشاره می‌گردد. قال الباقر (ع): إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ ، وَمِنْهَا جُ الصُّلْحَاءِ ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ ، وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ ، وَتَحُلُّ الْمَكَاسِبُ ، وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ ، وَتَعْمَرُ الْأَرْضُ ، وَيُنْصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ ، وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ ؛ (امر بمعروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است و فریضه بزرگی است که دیگر فرایض به واسطه آن بر پا می‌شود، راه‌ها امن می‌گردد و درآمدها حلال می‌شود و حقوق پایمال شده به صاحبانش برمی‌گردد، زمین آباد می‌شود و (بدون ظلم) حق از دشمنان گرفته می‌شود و کارها سامان می‌پذیرد.) بنابراین امر به معروف و نهی از منکر:

- ۱) - امری فطری، عقلی و انسانی است .
- ۲) - حکم شرع و مورد اهتمام شارع مقدس است.
- ۳) - از ملزومات انقلاب اسلامی است که انقلاب ارزشهاست.
- ۴) - مایه حیات جاودانه انسانی است.
- ۵) - قوام و قیام همه خوبی‌ها تکیه به آن دارد.
- ۶) - با زدودن خلاف و رذایل از جامعه، جامعه سالم و مصفی می‌گردد.
- ۷) - جامعه به آرامش و سپس به آسایش می‌رسد.
- ۸) - منکر برای همیشه منکر و معروف هم برای همیشه معروف می‌ماند.
- ۹) - جلوی تسلط اشرار را می‌گیرد.
- ۱۰) - زمینه نصرت الهی را فراهم می‌نماید.

فصل سوم

تعریف، جایگاه و ویژگیهای آمران به معروف و ناهیان از منکر

اهداف شناختی، انگیزشی و رفتاری فصل چهارم؛

فراگیر با فراگیری مفاد و محتوای این فصل با ویژگیهای آمران به معروف و ناهیان از منکر آشنا شده و علاقه مند می گردد این ویژگیها را در خود بیابد یا ایجاد و تقویت کند تا در هنگام انجام امر به معروف و نهی از منکر با اطمینان خاطر اقدام نماید و در نهایت می بایستی قادر باشد به سوالات زیر پاسخ دهد:

- ۱- جایگاه آمران به معروف و ناهیان از منکر در دستگاه معرفتی ما چیست؟
- ۲- ویژگیهای آمران به معروف و ناهیان منکر از منظر پیامبر اعظم اسلام (ص) و امام جعفر صادق (ع) چیست؟

فصل سوم: تعریف، جایگاه و ویژگیهای آمران به معروف و ناهیان از منکر

۳-۱- تعریف آمر به معروف و ناهی از منکر:

معروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم؛ هر کسی که در این راه تلاش کند، آمر به معروف است؛

۳-۲- جایگاه آمر و ناهی:

اگر آیات قرآن مجید را در مورد امر به معروف و نهی از منکر بررسی کنیم، می بینیم که ذات پاک خداوندی خود را به آن متصف نموده و بالتبع آن پیامبران، حاکمان صالح، مجموعه امت و آحاد مومنین جامعه را به عنوان آمر به معروف و ناهی از منکر موظف به اجرای آن فرموده است. برای شناخت بیشتر مبتنی بر آیات به ترسیم این رتبه بندی زیر قابل پرداخته می شود:

۱- ذات پاک خداوند متعال به عنوان اول آمر به معروف و ناهی از منکر خود را به امر و نهی متصف فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»^{۶۵}.

۲- سپس پیامبر اعظم اسلام (ص) را به این دو صفت مفتخر فرموده است: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ...»^{۶۶} در این مرتبه خاتم پیامبران حضرت محمد (ص) را به این مفتخر فرموده است.

۳- از پیامبر بزرگ اسلام بعد حاکمان صالح (امامان) را پس به این مهم مامور فرموده است: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^{۶۷} در مرتبه سوم کسانی که قدرت و مکنت در روی زمین به آنان داده شده است موظف به برپاداشتن نماز، پرداختن زکات و امر به معروف و نهی از منکر شده اند.

۶۵- نحل / ۹۰

۶۶- اعراف / ۱۵۷

۶۷- حج / ۴۱

ائمه (ع) بزرگ‌ترین آمران به معروف و ناهیان از منکرند؛ در زیارت میخوانید «أشهد أنك قد أقمّت الصلاة و آتيت الزكاة و أمرت بالمعروف و نهيت عن المنكر»^{۶۸}؛

۴- بعد امر فرموده است که هیئت‌های امر به معروف و نهی از منکر این وظیفه را عهده دار شوند: «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^{۶۹} در مرتبه چهارم گروه‌هایی از مردم که این شایستگی را پیدا می‌کنند که دیگران را دعوت به خیر و صلاح می‌کنند و مکلف به امر به معروف و نهی از منکر شده‌اند که اینان به عنوان بهترین امت معرفی شده‌اند. یا مجموعه امت: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ»^{۷۰}

۵- در مرتبه پنجم نیز همه مردم مومن موظف به انجام این فریضه الهی شده‌اند، چه اینکه امر فرموده آحاد مومنین و مومنات به این تکلیف و وظیفه پردازند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^{۷۱} (مردان و زنان با ایمان دوست و یار یکدیگرند؛ همواره به کارهای شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارند، و نماز را برپا می‌کنند، و زکات می‌پردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت می‌نمایند؛ یقیناً خدا آنان را مورد رحمت قرار می‌دهد؛ زیرا خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.)

۶- نقطه مقابل پنج گروه فوق‌کسانی هستند که عکس عمل می‌کنند؛ «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^{۷۲} (مردان و زنان منافق شبیه یکدیگرند، به کار بد فرمان می‌دهند و از کار نیک باز می‌دارند و از انفاق در راه خدا امساک می‌ورزند، خدا را فراموش کردند و خدا هم آنان را [از لطف و رحمت خود] محروم کرد؛ یقیناً منافقانند که بدکار و نافرمان‌اند.)

۶۸- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۴۲۹ (زیارت وارث)

۶۹- آل عمران/ ۱۰۴

۷۰- آل عمران/ ۱۱۰

۷۱- توبه/ ۷۱

۷۲- توبه/ ۶۷

۳-۳- ویژگی ها و خصوصیات آمران به معروف و ناهیان از منکر:

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند هر که می خواهد امر معروف و نهی منکر کند، باید از خصوصیات و ویژگیهایی برخوردار باشد که ائمه معصومین از جمله حضرت امام جعفر صادق (ع) بر آن تاکید و مفاد آن را به شرح زیر تبیین فرموده اند که طی چند جلسه درسی، ارائه می گردد:

ویژگی اول:

عَالِمًا بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ - به حلال و حرام عالم باشد:

۱-۱- قال علی (ع): «یا کمیل ما من حرکه الا و انت محتاج فیها الی معرفه»^{۷۳} «هیچ حرکتی و فعالیتی نیست مگر آنکه تو در انجام آن به علم و معرفت نیاز داری»
در تفاوت معرفت با علم؛ نکته ظریفی وجود دارد و آن اینکه علم عبارت است از قواعد و قوانین کلی؛ ولی معرفت شناخت جزئی و مشخص است.

مثلاً: دانستنی های کلی درباره گل و گیاه علم است، لکن شناخت ویژگی هر گل یا گیاه معرفت است. یعنی در علم با کلیات و مفاهیم و قواعد مواجه هستیم، ولی در معرفت با مصداق و شخص سروکار داریم. (لذا حضرت به معرفت تکیه فرموده است.

۱-۲- قال الصادق (ع): «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطریق لا یزیده سرعة السیر إلا بعدا»^{۷۴}؛ «کسی که بدون بصیرت و آگاهی کاری انجام دهد، مانند رهگذری است که از بیراهه می رود و هر چه سریع تر برود، از راه بیشتر دور می گردد.»

حضرت امام خمینی (ره) در ضرورت عالم بودن به حلال و حرام الهی از منظر فقهی در تحریر الوسیله می فرمایند: «آموختن شرائط امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و عدم وجوب و جواز و عدم جواز آن واجب است تا اینکه شخص در انجام این دو وظیفه الهی خویش دچار منکر و خلاف شرع نگردد.»

همچنین رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) در اهمیت یادگیری مسئله امر به معروف و نهی از منکر می فرمایند: «مسأله امر به معروف و نهی از منکر، مثل مسأله

نماز است. یادگرفتنی است. باید بروید یاد بگیرید. مسأله دارد که کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد؟»

بنا بر این برپایه معارف دینی و مبانی فقهی اسلام، هر عملی که شخص مکلف انجام می دهد از نظر شرعی، مشمول یکی از عنوان های پنج گانه ذیل می گردد که حکم تکلیفی نامیده می شود و باید آنها را بشناسد تا بصورت آگاهانه و عالمانه بتواند در اجرای امر به معروف و نهی از منکر وظیفه خود را طبق ضوابط و چارچوب دینی و اسلامی به انجام برساند. این پنج عنوان عبارتست از:

- (۱) واجب (آنچه باید انجام دهد)
- (۲) مستحب (آنچه بهتر است انجام دهد)
- (۳) مباح (آنچه انجام دادن و ترک آن فرقی ندارد)
- (۴) مکروه (آنچه بهتر است انجام ندهد)
- (۵) حرام (آنچه نباید انجام دهد)

ویژگی دوم):

فَارِغًا مِنْ خَاصَّةِ نَفْسِهِ عَمَّا يَأْمُرُهُمْ بِهِ وَيَنْهَاهُمْ عَنْهُ - نسبت به خودش از چیزهایی که به آن امر و نهی می کند، فارغ باشد (یعنی خود اهل عمل باشد).

۱-۲- از نظر فقهی شرط نیست که در لحظه و هنگام امر به معروف یا نهی از منکر، امر به معروف و نهی از منکر خودش بدانچه امر می کند، عمل کرده باشد یا آنچه را که نهی می کند ترک کرده باشد. زیرا حضرت امام خمینی^(ره) در این خصوص در تحریر الوسیله مسأله ۲۰ به این صورت بدان اشاره فرموده است: «در کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند عدالت شرط نیست، و نیز شرط نیست که خودش بدانچه امر می کند عمل نموده و آنچه را که نهی می کند ترک کند، پس اگر خودش واجبی را ترک می کند واجب است که در صورت وجود شرائط دیگران را بدان امر کند همچنانکه واجب است خودش به آن عمل کند، و همچنین اگر خودش عمل حرامی را مرتکب می شود واجب است بر او که دیگران را از ارتکاب آن نهی کند همچنانکه واجب است خودش آن را ترک نماید.» لکن: اولاً؛ لازم است خودش هم به آن واجب عمل کند تا مشمول لعن و مذمت قرار نگیرد که از ابن عباس نقل شده است که فرمود: وقتی می خواهی امر به معروف و نهی از منکر کنی مراقب باش از سه موضع قرآن رسوا نشوی:

«أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»^{۷۵} آیا مردم را به نیکی امر می کنید و خود را فراموش می کنید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»^{۷۶} ای کسانی که ایمان آورده اید چرا چیزی را که می گوئید عمل نمی کنید.

«وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَأَكُمُ عَنْهُ إِنَّ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ»^{۷۷} (حضرت لوط خطاب به قوم خود): قصد من این نیست که چیزی را بگویم و خود خلاف آن را انجام دهم.

و ثانيا ؛ به لحاظ تأثیر آن بر مخاطب حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام در این زمینه فرموده است :

«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مَعْلَمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ»^{۷۸} کسی که خود را در معرض پیشوایی مردم قرار داده، باید قبل از آموزش دیگران خود را تعلیم داده باشد و پیش از آنکه با زبان چیزی بگوید (وبا سخن دیگران را ادب کند) با کردار تعلیم دهد؛ زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است نسبت به آنکه دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد.

«طَهَّرُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ دَنَسِ الشَّهَوَاتِ، تُدْرِكُوا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ»

(جان های خود را از آلودگی شهوت ها پاک سازید، تا به درجات بلند دست یابید).

«کیف ینصح غیره من یغش نفسه»^{۷۹} چگونه نصیحت می کند کسی که نفسش پوشیده است»

«کیف یهدی غیره من یضل نفسه»^{۸۰} چگونه هدایت میکند کسی که نفس خودش گمراه است.

۲-۲- قرآن مجید نیز بر تأثیر تزکیه نفس تأکید و فرموده است:

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»^{۸۱} بی تردید کسی که نفس را رشد داد، بر موانع و مشکلات دنیا و آخرت پیروز شد. یا فرموده «وَمَنْ زَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ»^{۸۲} و هر کس [از آلودگی ها] پاک شود به سود خود پاک می شود.

۷۵-البقره / ۴۴

۷۶- صف / ۲

۷۷-هود/ ۸۸

۷۸- نهج البلاغه / کلمات قصار ۷۳

۷۹- غررالحکم

۸۰- همان

نتیجه آنکه چنانچه امر به معروف و ناهی از منکر با نفس زکیه و پاک ملتزم به عمل قبل از گفتار گردد، علاوه بر تاثیر کلام در مخاطب، پیروزی توأم با سود نیز برای خود کسب می نماید.

ویژگی سوم):

نَاصِحًا لِلْخَلْقِ رَحِيمًا رَفِيقًا بِهِمْ - در مقابل مردم با خلوص نیت و صفا و مهربانی و نرمی و مدارا رفتار کند:

امر به معروف و ناهی از منکر می بایستی از روی خیرخواهی و مهربانی و رفق و مدارا به انجام تکلیف خود پردازد. از هرگونه خودبرتر بینی و یا توسل به خشونت پرهیز نماید. از آنجا که شخص خیرخواه از روی خلوص و اخلاص در کار دیگران می کوشد و یا دنبال اصلاح و محکم کاری امور دیگران است واژه نصیح و نصیحت درباره وی به کار می رود. مثلاً در قرآن مجید آمده است: «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَ أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ»^{۸۳}؛ «رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و من خیرخواه امینی برای شما هستم.» همچنین فرموده اند: «رحیمًا رفیقًا بهم» امران به معروف آن گاه موفق خواهند بود که با مردم، مهربان و دلسوز باشند؛ وگرنه ره به جایی نخواهند برد. توجه به این نکته مهم است که مراد از رفق و مدارا کردن، تعطیل کردن و متوقف نمودن تکلیف امر و نهی نیست بلکه با لطافت و ظرافت اجرا کردن است و به تعبیر دیگر همراه سازی امر و نهی به یک صف مناسب است. خدای تعالی به پیامبر خود می فرماید: « فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ»^{۸۴} [ای پیامبر! پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم خوی شدی، و اگر درشت خوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می شدند. حضرت امام خمینی^(ره) در این زمینه می فرماید:

«برای امر به معروف و ناهی از منکر سزاوار است که در امر و نهی و مراتب آن چون طبعی باشد که با مهربانی بیمار خود را معالجه می کند و چون پدری دلسوز باشد که همواره مصلحت فرزندش را رعایت می کند و نهی و لطف و رحمتی خاص برای گناه کار و لطف و رحمتی عام برای مردم باشد و نیت خود را برای رضای خدای عزوجل خالص کند.»^{۸۵}

۸۱ - الشمس / ۱۰

۸۲ - طه / ۱۸

۸۳ - اعراف / ۶۸

۸۴ - آل عمران / ۱۹۵

۸۵ - تحریر الوسیله / مسئله ۴

ویژگی چهارم):

دَاعِيَا لَهُمْ بِاللُّطْفِ وَ حُسْنِ الْبَيَانِ - دعوت به حق و امر و نهی با لطف و مهربانی و حسن گفتار و بیان خوش صورت گیرد.

لطف در لغت، به معنای «احسان» «مهربانی و اکرام»، «قرب و نزدیکی» آمده است. علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید: درحقیقت لطف دو نکته نهفته است، یکی انجام کار از روی رفق و آسانی و دیگری لحاظ ظرافت در آن کار؛ لذا هرگاه کاری واجد این دو خصوصیت باشد، لطیف است.^{۸۶} خدای تعالی به پیامبر خود فرموده است: «قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^{۸۷} به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است، بگویند. و نیز فرموده است: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»^{۸۸} با مردم به زبان خوش سخن بگویید. و در کافی از امام ابی جعفر^(ع) در ذیل جمله: (وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا) روایت آورده، که فرمود: بمردم بهترین سخنی که دوست میدارید بشما بگویند، بگوئید.^{۸۹}

حضرت امام علی^(ع) می‌فرماید: "عَوَدَ لِسَانِكَ حُسْنَ الْكَلَامِ تَأْمَنَ الْمَلَامَ؛ عادت بده خود را به سخن نیکو تا از سرزنش در امان باشی." از آن حضرت پرسیدند: از آفریده‌های خداوند کدام زیباتر است؟ فرمود: "سخن." پرسیدند: کدام زشت‌تر است؟ فرمود: "سخن." سپس فرمود: به وسیله سخن رو سپید می‌شوند و به وسیله سخن روسیاه می‌گردند.^{۹۰} همچنین امام علی^(ع) می‌فرماید: «مَنْ عَذَّبَ لِسَانَهُ كَثُرَ اخْوَانُهُ؛ کسی که زبانش شیرین باشد، برادرانش بسیار شوند.»^{۹۱}

خداوند به حضرت موسی^(ع) امر کرد موقعی که پیش فرعون می‌روی با زبان نرم سخن بگو «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى»^{۹۲} (و با او کمال آرامی و نرمی سخن گوید، باشد که متذکر شود یا (از خدا) بترسد (و ترک ظلم کند)) در عین حال یکی دیگر از وظایف زبان قول سدید به معنی "محکم و استوار" و خلل ناپذیر و موافق حق و واقع است، سخنی که همچون یک سد محکم جلو امواج فساد و باطل را می‌گیرد. استوارگویی در سخن، یکی از مصادیق تقوا شمرده شده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»^{۹۳} ای اهل

۸۶ - المیزان، ج ۱۸، ص ۴

۸۷ - اسراء/ ۵۳

۸۸ - بقره/ ۸۳

۸۹ - اصول کافی ج ۲ ص ۱۶۵

۹۰ - تحف العقول، تهران، انتشارات علمیه الاسلامیه، ۱۳۶۳، ص ۲۱۶.

۹۱ - غررالحکم و دررالکلم آمدی (به صورت موضوعی)، ج ۲، ص ۳۴۷.

۹۲ - طه/ ۴۳ و ۴۴

۹۳ - احزاب/ ۷۰

ایمان! خدا ترس باشید و سخن محکم و استوار گوید. باید توجه داشت که گفتار آدمی بیانگر شخصیت اوست. (تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا، فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ)^{۹۴} لذا سخن گفتن آدابی دارد که به مهم‌ترین موارد آنها اشاره می‌شود:

۱- میانه‌روی در گفتار:

حضرت امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ تَفَقَّدَ مَقَالَهٗ قُلَّ غَلَطُهُ»^{۹۵}؛ کسی که گفتار خود را بررسی کند، اشتباه او کم می‌شود. «یا لِلْعَاقِلِ فِي كُلِّ كَلِمَةٍ نَبْلٌ»^{۹۶}؛ عاقل را در هر سخن، زیرکی خاصی است!!

۲- قابل فهم بودن گفتار:

گوینده سخن باید گفتار خود را به گونه‌ای بیان کند که برای شنونده قابل فهم باشد. امام علی (ع) می‌فرماید: «أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا لَا تَمَجُّهُ الْأَذَانُ وَلَا يَتَعَبُ فَهْمُهُ الْأَفْهَامُ»^{۹۷}؛ بهترین سخن‌ها آن است که گوش‌ها آن را به بیرون نیفکند و فهمیدن آن برای فهم‌ها رنج‌آور نباشد.

۳- نظم داشتن و منظم بودن کلام:

«أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَازَانَهُ حَسَنُ النُّظَامِ وَفَهْمَهُ الْخَاصُّ وَالْعَامُ»^{۹۸}؛ بهترین سخن‌ها آن است که نظام نیکو آن را بیاراید و عام و خاص آن را بفهمند!!

۴- جذاب بودن گفتار:

سخن باید به گونه‌ای باشد که «قبل از اینکه لفظ کلام به گوش رسد، معنی کلام به قلب رسد»^{۹۹}.

۵- نرم بودن گفتار:

خداوند هنگامی که حضرت موسی (ع) و برادرش را به سوی فرعون روانه می‌کرد، فرمود: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى»^{۱۰۰}؛ و با او سخن نرم گوید، شاید که پند پذیرد یا بترسد. ۱۱ (طه: ۴۴)

۹۴- نهج البلاغه، حکمت ۲۸۹

۹۵- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۳۴۷.

۹۶- همان

۹۷- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۳۴۷.

۹۸- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۳۴۹.

۹۹- شیخ بهایی، کشکول، تهران، گلی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۳۳۴.

۱۰۰- طه/۶۴

امام علی (ع) می‌فرماید: «عَوِدَ لِسَانِكَ لِيْنَ الْكَلَامِ وَ بَدَلَ السَّلَامِ؛ يَكْثُرُ مُحْبُوكَ وَ يَقِلُّ مُبْغِضُوكَ»^{۱۰۱}؛ زبان خود را به نرمی گفتار و بذل سلام عادت ده تا دوستدارانت، بسیار و دشمنانت کم شوند.

۶- مفید بودن گفتار :

گفتار باید به حال گوینده یا شنونده سودمند باشد امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «خَيْرُ الْقَوْلِ مَا نَفَع»^{۱۰۲}؛ نیکی گفتار در سودمندی آن است^{۱۰۳}.

۷- عامل بودن به گفتار :

گوینده سخن باید به آنچه می‌گوید، عامل باشد و از آنچه بدان عمل نمی‌کند، پرهیزد.

۸- حق بودن گفتار :

گفته‌های نادرست و ناحق و بدون شناخت که بر اساس پندارها و تحلیل‌های جاهلانه باشد، پی‌آمدهای ناگواری دارد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ»^{۱۰۳} نه فقط آنچه را شناخت نداری، بازگو مکن، بلکه هر چه هم می‌دانی، گفتنی نیست .

ویژگی پنجم):

عَارِفًا بِتَفَاوُتِ أَخْلَاقِهِمْ لِيُنْزَلَ كُلُّ مَنَزِلَتِهِ - اخلاق و عقول و اندازه درک و فهم اشخاص را در نظر گرفته، و هر کسی را مطابق مقام و درک او مورد توجه و خطاب قرار بدهد.

عارف کسی است که خدا او را بمرتبت شهود ذات و اسماء و صفات خود رسانیده باشد که همان مقام انسانی است و این مقام بطریق حال و مکاشفه بر او ظاهر شده باشد نه بمجرد علم و معرفت حال . عارف کسی است که چیزی او را مکدر نگرداند . موفقیت در امر به معروف و نهی از منکر مستلزم مخاطب شناسی است. بهترین مؤید این ضرورت آیه ای است که می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ»^{۱۰۴} اما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان قوم خودش تا آنان را روشن کند.

در شیوه امر به معروف و نهی از منکر می‌باید سن و سال، میزان تحصیلات، قومیت و آداب و رسوم، شغل و پیشه، جنسیت و ... را در نظر گرفته و با هر کس متناسب با شرایط

۱۰۱- غررالحکم و دررالکلم آمدی (به صورت موضوعی)، ج ۲، ص ۳۴۴.

۱۰۲- بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۹، باب ۶، ح ۴۸.

۱۰۳- نهج البلاغه دشتی، ص ۷۲۳، حکمت ۳۸۲.

۱۰۴- ابراهیم ۴/

خودش عمل کرد و سخن گفت. حضرت امام علی (ع) در گفتاری ارزشمند می‌فرماید: «لِكُلِّ مَقَامٍ مَقَالٌ؛ هر جایگاهی را گفتاری است. «همچنین می‌فرماید: «لِلْمَتَكَلِّمِ أَوْقَاتٌ؛ سخن‌گو را اوقات و حالاتی است.»

این فرمایش‌های وزین بیانگر آن است که در آداب اسلامی «هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد.» بسیاری از حرف‌ها و سخن‌ها را نباید در بسیاری از جاها گفت و جاهایی که سخن برای گفتن وجود دارد باید متناسب و به اندازه ظرفیت مخاطب بیان شود.

ویژگی ششم):

بَصِيرًا بِمَكْرِ النَّفْسِ وَ مَكَايِدِ الشَّيْطَانِ - به مکر و حيله‌های نفس و شیطان بینا و مطلع گردد. عبارت نورانی سه واژه دارد که فهم و درک آن و مواظبت در هنگام عمل می‌تواند آمر به معروف و ناهی از منکر را موفق و کلام او را موثر و ماندگار کند، این سه کلمه عبارت از «بصیرت»، «مکر نفس» و «مکاید شیطان» است که لذا به تناسب به اجمال به هر کدام پرداخته می‌شود.

۶-۱) - بصیرت:

الف) تعریف اجمالی بصیرت:

بصیرت در لغت بینش بینایی، روشن بینی، دانایی، زیرکی هوشیاری، یقین، حجت روشن، برهان قاطع آمده است. لکن بصیرت در اصطلاح، عبارت است از قوه‌ای در قلب شخص است که به نور قدسی منور بوده و به وسیله آن حقایق اشیا و امور را درک می‌کند؛ همان‌گونه که شخص به وسیله چشم، صور و ظواهر اشیا را می‌بیند.

بصیرت در ضمن آیات قرآن، در سه معنی بکار برده شده است .

۱) - بمعنی بینائی دل: «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ»^{۱۰۵}؛ هرگز کوردل و روشن ضمیر یکسان نیستند»

۲) - بمعنی بینائی چشم: «فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا»^{۱۰۶} او را شنوا و بینا قرار دادیم.

۳) - بمعنی بینائی با برهان و دلیل: «قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا»^{۱۰۷}؛ انسان غافل در روز قیامت می‌گوید خدایا چرا مرا نابینا محسور کردی و حال آنکه من در دنیا بینا و آگاه بودم؟»

در اهمیت و ارزش بصیرت همین بس که پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: (کور آن نیست که چشمش نابینا باشد بلکه کور (واقعی) آن کسی است که دیده بصیرتش کور باشد).^{۱۰۸}

ج-۲- حضرت امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اگر دیده بصیرت، کور باشد نگرستن چشم سودی نمی‌دهد»^{۱۰۹}

ج-۳- حضرت امام علی علیه السلام می‌فرماید: «فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ، وَنَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَاتَّقَعَ بِالْعَبْرِ، ثُمَّ سَلَكَ جَدَدًا وَأَضْحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي، وَالضَّلَالَ فِي الْمَعَاوِي» (با بصیرت کسی است که بشنود و ببیند، نگاه کند و ببیند، از عبرت‌ها بهره گیرد آنگاه راه روشنی را ببیند که در آن از افتادن در پرتگاه‌ها به دور ماند)^{۱۱۰}.

(ب)- ابزار بصیرت:

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»^{۱۱۱}

مسلمان بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم [زیرا] آنان را دل‌هایی است که به وسیله آن [معارف الهی را] در نمی‌یابند، و چشمانی است که توسط آن [حقایق و نشانه‌های حق را] نمی‌بینند، و گوش‌هایی است که به وسیله آن [سخن خدا و پیامبران را] نمی‌شنوند، آنان مانند چهارپایانند بلکه گمراه‌ترند؛ اینانند که غافل [از معارف و آیات خدای] اند. بر این اساس از مهمترین ابزار بصیرت موارد زیر ذکر شده است:

ب-۱- قلب: قلب یکی از ابزار بصیرت و درک حقایق است که قرآن مجید می‌فرماید: «... لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا»؛ به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آن‌ها دل‌ها (عقل‌ها)ی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند و) نمی‌فهمند؛»

ب-۲- چشم: از جمله ابزارهای شناخت و درک صحیح حقایق، چشم است که می‌خوانیم: «... وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا»؛ به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛... آن‌ها چشمانی دارند که با آن نمی‌بینند؛»

ب-۳- گوش: گوش نیز از جمله ابزارهای شناخت و درک صحیح حقایق می‌باشد که می‌خوانیم: «... وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا»؛ به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم... آنها گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند؛»

۱۰۸- لَيْسَ الْأَعْمَى مَنِ يَعْمَى بَصَرَهُ، إِنَّمَا الْأَعْمَى مَنِ تَعْمَى بَصِيرَتَهُ؛

۱۰۹- غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد آمدی، ص ۴۱

۱۱۰- نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۵۲

۱۱۱- اعراف/ ۱۷۹

ج- اسباب بصیرت:

ج-۱- خود شناسی: بنا به فرمایش پیامبر اعظم اسلام (ص) نزدیکترین راه خدا شناسی خود شناسی است. که فرمود: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»

ج-۲- آخرت اندیشی: آخرت اندیشی، سبب پیدایش بصیرت در انسان می شود، قرآن می فرماید: «و به خاطر بیاور بندگان ما... را، صاحبان دست‌ها (ی نیرومند) و چشم‌ها (ی بینا) اما آن‌ها را با خلوص ویژه‌ای خالص کردیم و آن یادآوری سرای آخرت بود.»^{۱۱۲}

ج-۳- آیات خدا آیات الهی در زمین و انسان آفاقی و انفسی، از عوامل بصیرت می باشد: «و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است و در وجود خود شما (نیز آیاتی است)؛ آیا نمی بینید؟»^{۱۱۳}

ج-۴- امدادهای خدا امدادهای الهی مثل پیروزی مسلمانان در غزوه بدر، از عوامل عبرت و بصیرت می باشد: «در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر) با هم رو به رو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود: یک گروه، در راه خدا نبرد می کرد؛ و جمع دیگری که کافر بود... در این، عبرتی است برای بینایان (اهل بصیرت)»^{۱۱۴}

ج-۵- تقوا

تقوا و پرهیزکاری، از عوامل روشنایی ضمیر و بیداردلی است: «پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می افتند؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را می بینند و) ناگهان بینا می گردند»^{۱۱۵}

ج-۶- کتب آسمانی مثل قرآن و تورات

محتوای کتاب‌های آسمانی مانند قرآن و تورات، مایه درک عمیق و بصیرت مردم است «بگو: من تنها از چیزی پیروی می کنم که بر من وحی می شود؛ این وسیله بینایی از طرف پروردگارتان است» و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم بعد از آنکه اقوام قرون نخستین را هلاک نمودیم؛ کتابی که برای مردم بصیرت آفرین بود»^{۱۱۶}

د- مانع بصیرت:

د-۱- غفلت انسان در دنیا:

۱۱۲- ص/۳۸

۱۱۳- ذاریات/۵۱

۱۱۴- آل عمران/۳

۱۱۵- اعراف/۷

۱۱۶- قصص/۲۸

غفلت انسان در دنیا، مانع بصیرت نسبت به حقایق آخرتی است: «(به او خطاب می‌شود) تو از این صحنه (و دادگاه بزرگ) غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم و امروز چشمت کاملاً تیزبین است»^{۱۱۷}

(د-۲) - مکر نفس (تسویل):

گاهی نفس، انسان را فریب می‌دهد؛ یعنی خود آدم، خودش را فریب می‌دهد. مسئله مکر نفس؛ نه مکر نفس انسان با دیگری، بلکه مکر نفس انسان با خود انسان - یک مسئله‌ی بسیار مهمی است و در عرفان به این نکات، خوب توجه شده است. قرآن می‌فرماید: «بَلْ سَوَّغْتَ لَكُمۡۢ اَنْفُسِكُمْ»^{۱۱۸}

«تسویل» یک تعبیر روان‌شناسانه‌ی بسیار دقیقی است که در قرآن آمده است و به این معنی است که انسان گاهی خودش از درون خودش فریب می‌خورد. اگر نفس انسان چیزی را می‌خواهد، آنچنان آن را برای انسان جلوه می‌دهد و آنچنان آن را آرایش و زینت می‌کند و آنچنان به دروغ به آن نقش و نگار می‌بندد که انسان خیال می‌کند یک چیزی است، ولی همان درون خود انسان است که این کار را کرده، برای اینکه انسان خودش را فریب دهد که این حالت تسویل گفته می‌شود. تعبیر «تسویل» تعبیر عجیبی است. امروز که روان‌شناسی خیلی پیشرفت و ترقی کرده، عمیقاً و دقیقاً به این نکات رسیده‌اند. به باور دانشمندان اخلاق، نفس یک واقعیت است که سه مرحله داشته باشد:

مرحله نخست مرحله عدم رشد فکری و عقلی و دینی و اخلاقی است، این نفس بسان دیکتاتور خودکامه‌ای که در یک کشور خود را مرز ناشناس می‌نگرد

مرحله دوم مرحله شکوفایی خرد و فرهنگ و بینش و ایمان اوست.

مرحله سوم اوج انسانیت و شکوفایی و طراوت و صف ناپذیر فطرت، وجدان، خرد و کمال انسانی است، در این مرحله کشتی نفس به ساحل آرامش ایمان و تقوا می‌رسد بگونه‌ای که دیگر وسوسه نفس اماره در او اثر نمی‌گذارد حتی فکر گناه هم نمی‌کند و به درجه بالای عصمت مجهز می‌شود.

قرآن شریف از سه نفس یا سه مرحله در انسان سخن گفته است: الف: «نفس اماره» یا غرایز و کشش‌های سرکش که او را کور و کر به سوی خواستن لذتها و رسیدن به خواهش‌ها و هواها فرمان می‌دهند و در این راه نه مرزی می‌شناسند و نه

حقی، و این خاصیت آنهاست. «مَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ»^{۱۱۹}. (من خود را از گناه تبرئه نمی‌کنم؛ زیرا نفس طغیان‌گر به شدت به بدی فرمان می‌دهد مگر آن که پروردگارم رحم کند؛ زیرا پروردگارم بسیار آمرزنده و مهربان است).

ب: «نفس لوّامه» یا وجدان بیدار که بر خلاف نفس اماره نه تنها به گناه و زشتی و تباهی فرمان نمی‌دهد و کور و کر نیست، بلکه گویی در برابر آن است، سخت نکوهشش می‌کند و او را تا بیداری و توبه و جبران یا تصمیم بر آن آرام نمی‌گذارد. «لَا أُقْسِمُ بِالْقِيَامَةِ لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ»^{۱۲۰} (سوگند به روز رستاخیز و سوگند به «نفس لوّامه» و وجدان بیدار و سرزنشگر انسان).

ج: «نفس مطمئنه» یا مرحله کمال و آرامش یافتگی انسان که این نشانگر اوج کمال و جمال و آراستگی انسان به ارزش‌ها و پیراستگی او از ضد ارزش‌ها و مرحله آرامش و وقار و شکوه معنوی انسان است. مرحله‌ای است که نه غرایز و تمایلات و کششها او را به بیراهه می‌کشاند و طوفان در وجودش به راه می‌اندازد. «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً»^{۱۲۱} (هان ای نفس آرامش یافته، خشنود و خدا پسند به سوی پروردگارت باز گرد ...)

تنها در پرتو خودسازی و تزکیه نفس و تهذیب است که انسان می‌تواند از نفس اماره به مقام وجدان بیدار و سرزنش‌کننده اوج گیرد. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمود: «المجاهد من جاهد نفسه». (جهادگر راستین، آن مجاهدی است که با هواهای سرکش نفس اماره پیکار کند.) و نیز می‌فرماید: «أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ» (پر شهامت‌ترین مردم آن کسی است که در پیکار با هوای نفس پیروز گردد). پیامبر اعظم اسلام (ص) آن را بزرگترین جهاد عنوان داده و فرموده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثَ سَرِيَّةً، فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ: مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ. وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ»^{۱۲۲}. (آفرین بر مردمی که جهاد کوچکتر را انجام دادند و اینک بسان همیشه در اندیشه جهاد بزرگتراند. پرسیدند: ای پیامبر خدا جهاد بزرگتر کدام است؟ فرمود:

۱۱۹ - یوسف/۷۳

۱۲۰ - قیامه/۲۱

۱۲۱ - فجر/۲۸

۱۲۲ - وسایل الشیعه، ج ۱۱، أبواب جهاد النفس، باب ۱، ح ۱.

خودسازی و مبارزه با هوای نفس.) «حضرت صادق پیروزی بر نفس را رسیدن به بهشت و نجات از دوزخ عنوان داد و فرمود: «مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ وَ إِذَا رَهَبَ وَ إِذَا اِشْتَهَى وَ إِذَا غَضِبَ وَ إِذَا رَضِيَ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ»^{۱۳۳}

آن کسی که به هنگام خواستن چیزی، و به هنگام ترس و وحشت، و زمان فوران خواهش نفس، و هنگامه اوج خشم و به هنگام خشنودی از چیزی و کسی، به گونه‌ای بر خود حاکم باشد که به گناه و بیداد و وسوسه نفس اماره تسلیم نگردد و از حق و عدالت انحراف نجوید، خدا پیکر او را بر آتش دوزخ حرام می‌سازد و به بهشت پر طراوت می‌رسد.

د- (۳- مکاید شیطان :

حضرت امام علی^(ع) می‌فرماید: ای بندگان خدا، از دشمن خدا پرهیز کنید، مبادا شما را به بیماری خود مبتلا سازد و با ندای خود شما را به حرکت درآورد و با لشکرهای پیاده و سواره خود بر شما بتازند! به جانم سوگند شیطان تیر خطرناکی برای شکار شما به چله کمان گذارده و تا حدّ توان کشیده و از نزدیکترین مکان شما را هدف قرار داده است... پس شیطان بزرگترین مانع برای دینداری و زیانبارترین و آتش افروزترین فرد برای دنیای شماست! شیطان از کسانی که دشمن سرسخت شما هستند و برای درهم شکستنشان کمر بسته اید خطرناکتر است. مردم، آتش خشم خود را بر ضد شیطان بکار گیرید و ارتباط خود را با او قطع کنید به خدا سوگند شیطان بر اصل و ریشه شما فخر فروخت و بر حسب و نسب شما طعنه زد.

امام صادق^(ع) می‌فرماید: هنگامی که مردم در راه نافرمانی خداوند عزوجل می‌روند، پس اگر سواره روند (و در گناه و معصیت تندروی کنند) از سواره نظام شیطانند، و اگر پیاده روند (و در معصیت به آرامی حرکت کنند و اندک اندک گناه انجام دهند) از پیاده نظام ابلیس خواهند بود

«فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»^{۱۳۴} (شما با یاران و دوستان شیطان بجنگید، که بی‌تردید مکر و فریب شیطان همواره (در برابر تدبیر الهی) ضعیف است)

۱۳۳ - ابن بابویه، محمد بن علی الامالی، النص، ص ۳۲۹، کتابچی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش)

ویژگی هفتم):

صَابِرًا عَلَى مَا يَلْحَقُهُ، لَا يُكَافِيهِمْ بِهَا وَلَا يَشْكُو مِنْهُمْ، وَلَا يَسْتَعْمِلُ الْحَمِيَّةَ، وَلَا يَغْتَاظُ لِنَفْسِهِ - در مقابل آنچه به او می رسد [از مخالفت و آزار و زحمت دیگران] متحمل و صابر شود، و در صدد مجازات و مقابله نیامده، و از آنان گله و شکایت نکرده، و با خود پسندی و خود بینی و درشتخویی و تندی با آنان روبرو نشود.

در این فراز از کلام چند نکته قابل تامل است که عبارتند از «صبر»، «گله گذاری و شکایت»، «تعصب» و «خشم» که به اجمال به آنها پرداخته شود:

۷-۱) - صبر:

صبر به معنای استقامت و پایداری در کلام الهی مورد توجه قرار گرفته است لذا می فرماید: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ»^{۱۲۵} (و طلب یاری کنید از خدا به صبر کردن در مصائب بعضی گفته اند: مراد، روزه، و صبر در تشنگی و گرسنگی آن است) یا می فرماید: «وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»^{۱۲۶} (صبرکن ای پیغمبر بر اذیت مردم که خدا ضایع نمی کند اجر نیکوکاران را) همچنین تاکید دارد که «فَأَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا»^{۱۲۷} (پس صبر کن ای پیغمبر! صبر نیکو) صبر را نگه داری نفس از بی تابی در هنگام فرا رسیدن سختی و کراهت دانسته اند. خودداری از شکایت نزد مخلوق است. در کتب اخلاقی از سه نوع صبر سخن گفته شده که صبر بر گناهان سرمنشأ پرهیزگاری می شود و صبر در طاعات منشأ انس با پروردگار و صبر در بلاها منشأ رضا به قضای الهی می گردد و اینها از مقامات بزرگ اهل ایمان است. برای صبر، دستاوردها و نتایج فراوانی است که از آن جمله تربیت نفس می باشد، زیرا وقتی که شخص، مدتی را بر بلاها شکیبایی ورزید و ترک لذت نمود، کم کم نفس عادت می کند، از سرکشی بیرون می آید و به مقامات عالی می رسد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

- " صبر نسبت به ایمان ، همچون سر نسبت به بدن است. پس زمانی که سر (از بین) رفت جسد نیز برود و همین طور زمانی که صبر (از بین) برود، ایمان هم خواهد رفت.^{۱۲۸}
- " کسی که به بلایی مبتلا شود و صبر پیشه کند پاداش هزار شهید را دارد."

۱۲۵- البقره / ۴۵

۱۲۶- هود / ۱۱۵

۱۲۷- المعارج / ۵

۱۲۸- علیکم بالصبر، فإن الصبر من الإيمان كالرأس من الجسد، ولا خير في جسد لا رأس معه ولا في إيمان لا صبر معه

۲-۷) - گله گذاری و شکایت:

امر و ناهمی بر آنچه در اجرای این حکم الهی برایش پیش می آید، صبر کند و تحمل سختی های آن را داشته باشد. پرهیز از گله گذاری و شکایت، تأثیر سازنده ای روی امر و نهی شونده می گذارد و او را هرچه بیشتر متقاعد می کند که امر و نهی کننده او هدف شخصی ندارد و نیت ناصحیح نداشته و به قصد اصلاح او را امر و نهی کرده است. این عبارت را می توان پرهیز از غرغر کردن تلقی کرد. غرغر و شکایت شخصیت مخاطب را زیر سؤال می برد و او را به واکنش های غیر منطقی در مقابل امر به معروف و نهی از منکر سوق می دهد.

۳-۷) - تعصب:

تعصب به دو قسم مذموم و ممدوح تقسیم می شود.

تعصبی که بار منفی دارد و به معنای لجاجت، تکبر و وابستگی غیر منطقی و غیر معقول به کسی یا چیزی است، پیامدهای منفی و تلقی کورکورانه و جمود اندیشی را در پی دارد، از منظر اسلام مذموم بوده و در آموزه های دینی از آن شدیداً نکوهش شده است، تا آنجا که پیامبر (ص) آن را یکی از ویژگی های جامعه عصر جاهلیت خواند و فرمود: هر کس در دلش به اندازه خردلی عصبیت باشد خداوند روز قیامت او را با اعراب جاهلیت محشور می کند. همچنین فرمود: کسی که مردم را دعوت به تعصب کند از ما نیست و کسی به خاطر تعصب بجنگد از ما نیست... امام علی (ع) نیز تعصب غیر منطقی را عامل انحراف و بدبختی معرفی کرده است. بهترین راه مبارزه با این خوی زشت و طریق نجات از این مهلکه بزرگ، تلاش و کوشش برای بالا بردن سطح فرهنگ و فکر و ایمان هر قوم و جمعیت است. در حقیقت داروی این درد را قرآن مجید نقطه مقابل آن، داشتن سکینه و روح تقوی می داند: یعنی آنجا که ایمان و آرامش و تقوی است، حمیت جاهلیت نیست و آنجا که حمیت جاهلیت است ایمان و تقوی در کار نیست. (تفسیر نور الثقلین جلد ۵ صفحه ۷۳)

لکن تعصب به معنای حمایت از دین و تلاش در نگرهبانی از دین و کوشش در خصوص ترویج آن، ممدوح بوده و در آموزه های دینی بدان سفارش شده است. تعصب دینی که گاهی از آن به غیرت دینی یاد می شود، آن است که هرگاه به دین و مقدسات و ارزش های آن اهانت شود و دین زدایی و ارزش ستیزی ظهور نمود، مسلمانان نباید در برابر آن بی اعتنا باشند، بلکه باید با بهره گیری از خرد و زمان شناسی و جامعه شناسی، به دفاع از دین و مقدسات آن پردازند. همان گونه که بزرگان دین در برابر اهانت به دین بی اعتنا نبوده، حتی برای حفظ دین و ارزش های آن زحمات طاقت فرسا را متحمل شده و بعضاً به شهادت

رسیدند، بی تردید یکی از علل اصلی قیام امام حسین^(ع) حفظ دین و ارزش های آن بود در قیام امام حسین^(ع) غیرت و تعصب دینی به اوج خود رسید.

بنابر این؛ آنچه اسلام آن را نهی و و مردود شمرده است تعصب مذموم و کورکورانه میباشد، و آنچه را که اسلام و معصومین^(ع) به آن سفارش نموده اند تعصب ممدوح و غیرت دینی است که لازم و ضروری می باشد. از حضرت علی بن الحسین^(علیهما السلام) از عصیت سؤال کردند، حضرت فرمود: عصیتی که صاحبش به سبب آن به گناه می افتد این است که کسی بدهای قوم خود را بر نیکان قوم دیگر برتری دهد ولی دوست داشتن کسی قوم خود را عصیت نیست، بلکه یاری کردن قوم خویش را بر ستم جز عصیت است.»^{۱۲۹}

۷-۴) - خشم :

خشم به دو دسته تقسیم می شود:

الف - خشم مقدس یا خشم مثبت:

برخی غضب ها، هدف مقدسی را دنبال می کنند، حدود معینی دارند و جهت رویارویی با کار خلافی بوجود می آیند. این گونه غضبها قطعاً ممدوح هستند. حدیثی از حضرت علی^(علیه السلام) در مورد پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله وارد شده که مؤید این مطلب است: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای دنیا به خشم نمی آمد اما هرگاه حق، او را به خشم می آورد، هیچ کس او را نمی شناخت و هیچ چیز نمی توانست جلو خشم او را بگیرد تا آنگاه که انتقام (حق را) می گرفت.»

این نیرو، مایه «أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ» است که از اوصاف مؤمنین می باشد، کسانی که فکر می کنند قوه غضبیه را باید کشت و خاموش نمود و این مقوله را از کمالات و معارج نفس می دانند، اشتباه کرده اند زیرا آنها از مقام اعتدال این قوه غافلند، آنچه مذمت می شود حد افراطی آن است

ب - خشم مذموم :

خشمی که از روی حب نفس، جهل و نادانی، قضاوت عجولانه، تکبر و عجب و خودپسندی، حرص و دنیاپرستی و مزاح و مسخره گی، سرزنش و مجادله، مباحثات و... در انسان بوجود می آید. انسان در حالت غضب تجلی گاه جهنم است و اگر خود را کنترل نکرد شراره این آتش به بیرون سرایت می کند و با همین آتش خواهد سوخت صدای

تنفس و ناله انسان غضب کرده، صدای غیظ آلود جهنم است. در حال عصبانیت شیطان به انسان بسیار نزدیک است بنابراین شخص عصبانی نباید تصمیم بگیرد و عملی را انجام دهد.

ویژگی هشتم):

مُجَرِّدًا نِيْتَهُ لَلَّهِ مُسْتَعِينًا بِهِ وَ مُبْتَغِيًا لَوْجَهِهِ - نیت خود را در این دعوت خالص و تنها برای خدا قرار داده، و پیوسته از پروردگار متعال یاری و توفیق درخواست نموده، و مطلوب و منظور او خدا و ثواب الهی باشد.

رسول الله (ص) فرمودند: « مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِهِ »^{۱۳۰} (هرکس امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خدا بر زمین و جانشین رسول خداست.) این جایگاه بلند؛ برای امر به معروف و ناهی از منکر هم انگیزه بخش است و هم انسان را به فکر و امیدارد. حال که می خواهد چنین کاری را انجام دهد نیت خودش را هم خالص کند تا به برترین جایگاه کرامت و انسانیت دست یابد. در امر به معروف و نهی از منکر نیت شرط نیست و امر و نهی بدون قصد قربت واجب است. اما قطعاً چنانچه در اجرای این فرمان الهی امر به معروف و ناهی از منکر نیت خود را برای خدا خالص کند، از جهات مختلف فضیلت دارد، چه از جهت اجر و ثوابی که برای اجرا کننده هست؛ چه از جهت تأثیر بر مخاطب که قطعاً آثار اقدام از سر اخلاص با اثر اقدام بدون آن قابل قیاس نیست، «سخن که از دل برآید لاجرم بر دل نشیند»؛ چه از جهت جلب یاری پروردگار بدون شک نیت خالص اثر تعیین کننده ای به یاری خدا و توفیق در امر و نهی خواهد گذاشت که فرمود: « الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا »^{۱۳۱} بنا براین چه شایسته است که انسان در آوردگاه مهمی چون امر به معروف و نهی از منکر نیتش را برای خدا خالص کند و از او یاری جوید تا مشمول عنایت حضرت حق شود، که هر که او را یاری کند، یاری اش خواهد کرد و کسی را که او را یاری کند پیروز است.

ویژگی نهم):

فَإِنْ خَالَفُوهُ وَ جَفَوَهُ صَبْرًا - اگر آنان مخالفت کرده و شروع به آزار و اذیت نمودند، با کمال صبر و تحمل برای انجام وظیفه خود استقامت بورزد.

صبر و پایداری در مقابل مخالفت ها همیشه قرین پیروزی است نمونه برجسته آن پیروزی بزرگ پیامبر اسلام است. که سنگ باران ها، خاکستر و زباله بر سر ریختن ها، تهمت های

سنگین مانند جادوگر دروغگو و ...، توهین های سنگین مانند ابتر، دیوانه و ... آن حضرت را از راه باز نداشت و نهایتاً به مقصود رسید؛ و هر چند این پیروزی طول کشید. نمونه برجسته دیگر امام خمینی^(ره) که به امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد و او را ارتجاع سیاه، آخوند هندی و ... خطاب کردند. امام^(ره) متوقف نشد و جفاهایی که در حق او کردند از زندان، تبعید و اخراج، او را از مسیر بازداشت. امر به معروف و نهی از منکر باید از این الگوها درس بگیرد و در مقابل مخالفت ها و جفاها صبر پیشه کند. این صبر دو معنا دارد، یکی اینکه خود از مسیر مستقیم دست نکشد و به راه حق استوار بماند و دوم اینکه از امر و نهی خسته نشود و تکلیف را استمرار بخشد.

-امام علی^(ع): «لَا يَعْدَمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ»^{۱۳۲} (پیروزی انسان صبر کننده از دست نمی رود حتی اگر زمان تحقق آن طولانی شود.)

ویژگی دهم):

وَإِنْ وَأَفْقُوهُ وَ قَبِلُوا مِنْهُ شَكَرًا - اگر موافقت کرده و قبول نمودند، سپاسگزاری و شکر کرده، برای امر به معروف و نهی از منکر که با موافقت مخاطب مواجه می شود، لااقل سه شکر لازم است:

اول شکر پروردگار عالم که توفیق داد این واجب الهی را اقامه کند.
دوم اینکه در عمل و کلام او تأثیر گذاشت و آن را نافذ کرد.
و سوم تشکر از مخاطبی که حق را پذیرفت و این بسیار مهم است که با کلام شکر آمیز، مخاطب یعنی پذیرنده حق را تشویق کنیم تا قدر این سلامت نفس خود را بداند و در ایمان راسخ تر شود.

ویژگی یازدهم):

مُفَوِّضًا أَمْرَهُ إِلَى اللَّهِ - در همه حال امور خود را به پروردگار متعال واگذار نماید.
«تفویض» در لغت به معنای واگذار کردن و سپردن چیزی به دیگری است. یعنی این که بنده خدا آن چه را به ظاهر منسوب به خودش است به خدا برمی گرداند و حال بنده در چنین وضعی حال کسی است که از هر چیزی بر کنار باشد و هیچ چیزی به او منتسب نباشد. تفویض، توکل و تسلیم مقامات سه گانه ای از مراحل عبودیت هستند.
تفویض به این معنا از صفات بسیار شایسته و از ویژگی های انسان های والا به شمار می رود، چنانکه می گوئیم «وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»^{۱۳۳}؛ من کار خود را

به خداوند واگذار می‌کنم، به درستی که او از احوال بندگان خود آگاه است.» و از جمله آثار و نتیجه یقین به «افوض امری الی الله» کفایت امور انسان توسط خدا، تسدید و نصرت الهی، آرامش روحی، آرامش در زندگی است آسان شدن تحمل ناگواریها است -در مصباح الشریعه منسوب به امام صادق (علیه السلام) آمده است که تفویض پنج حرف دارد: «ت» ترک تدبیر در امور دنیا و واگذاردن کار به خدا؛ «ف» فنای هر چه که سالک را به غیر خدا مشغول کند؛ «و» وفا به عهدی که انسان با خدا بسته است؛ «ی» یقین به خدا و یأس از خود؛ «ض» ضمیر مصفا و کارهای ضروری را به خدا و انهدان .

ویژگی دوازدهم):

نَظَرًا إِلَى عَيْبِهِ - به عیوب و نواقص نفس خود متوجه باشد.

آسیب بزرگ موفقیت در کار خیر غرور است؛ امر به معروف و نهی از منکر چه به نتیجه برسد و چه به نتیجه نرسد یک عمل خیر است. لکن چه خوب است که امر و ناهی که خود را در محضر خدا می بیند، بلافاصله بعد از امر و نهی خود با خدا از عمق جان به مناجات بنشیند که خدایا تو مرا بهتر می شناسی من را هم از خطا و لغزش مصون دار و در رابطه با نفس خودش با خودش به سخن بنشیند که ای نفس من تو را بهتر می شناسم بیا و مردانگی کن حالا که من توفیق پیدا کردم دیگران را امر به خوب و نهی از بدی کردم ، ما دوتا هم باهم عهد ببندیم که دچار نافرمانی و گناه نشویم. یعنی امر و ناهی در کار خودش نظر افکند و بر معایب خود هم مروری داشته باشد و به نفس خود هم امر و نهی کند.

فصل چهارم

شرایط، مراتب و آداب امر به معروف و نهی از منکر

اهداف شناختی، انگیزشی و رفتاری فصل ششم:

فراگیر با فراگیری این فصل نسبت به شرایط، مراتب و آداب امر به معروف و نهی از منکر شناخت پیدا کرده و تفاوت این سه مقوله را تشخیص می دهد و در هنگام اجرا آنرا مراعات می نماید و در پایان می بایستی بتواند به سوالات زیر پاسخ دهد:

- ۱- شرایط عمومی اعضاء مجمع رهروان برای امر به معروف و نهی از منکر چیست؟
- ۲- شرایط موضوع امر به معروف و نهی از منکر چیست؟
- ۳- مراتب امر به معروف و نهی از منکر کدام است؟
- ۴- در ذیل امر به معروف و نهی از منکر قلبی چه درجاتی نهفته است؟
- ۵- در ذیل امر به معروف و نهی از منکر لسانی چه درجاتی نهفته است؟
- ۶- در ذیل امر به معروف و نهی از منکر یدی چه درجاتی نهفته است؟
- ۷- آداب امر به معروف و نهی از منکر چیست؟
- ۸- تفاوت بین شرایط و آداب امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

فصل چهارم : شرایط ، مراتب و آداب امر به معروف و نهی از منکر

قبل از ورود به بحث شرائط اختصاصی امر به معروف و نهی از منکر ضرورت دارد، به شرایط عمومی اعضاء مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر برای اجرای این فریضه الهی، اشاره ای شود. عضو مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر به فردی اطلاق می گردد که داوطلبانه و با آگاهی از ضرورت امر به معروف و نهی از منکر به عنوان فریضه و تکلیف الهی و مهمترین عامل تاثیرگذار در سالم سازی جامعه؛ شرایط، اهداف، برنامه ها و دستورات مجمع را پذیرفته و آمادگی خود را برای شرکت در کلاسهای آموزشی و برنامه های توجیهی بازآموزی و حفظ انسجام اعلام می نماید و پس از طی دوره و برنامه های آموزشی، با برنامه ریزی معین به صورت سازمان یافته به اجرای امر به معروف و نهی از منکر می پردازد. این داوطلبین باید از حداقل شرایط به شرح زیر برخوردار باشند :

الف- اعتقاد به دین اسلام، قانون اساسی جمهوری اسلامی و التزام عملی به ولایت فقیه.
ب- اعتقاد به فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان کارآمدترین عامل تاثیرگذار در اصلاح جامعه.

ج- استطاعت و توانایی برای همکاری.

د- برخورداری از حسن شهرت و حداقل مهارت در ارتباط گیری با دیگران.

ه- ثبت نام اولیه از طریقی که توسط مجمع اعلام می شود.

و- تکمیل برگ ثبت نام و امضاء آن.

ز- امضاء برگ میثاقنامه اعضاء با مجمع.

بدیهی است چنانچه افراد فرایند فوق را طی نکرده باشند، مجاز به ورود به اجراء امر به معروف و نهی از منکر به عنوان عضو مجمع نیستند.

الف- شرایط عمومی برای ورود به اجرای امر و نهی :

بر اساس نظر فقهی مراجع عظام تقلید (ایدم الله تعالی) اجرای امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر شرایط عمومی فوق، نیازمند رعایت شرائط ، مراتب و آداب خاص می باشد و هرکدام از اعضاء مجمع می بایستی مطابق نظر مرجع تقلید خود نسبت به آنها شناخت کافی و لازم پیدا کنند . لکن مجمع رهروان، مسایل فقهی ولی امر و مرجع عالیقدر جهان

تشیع حضرت امام خمینی^(ره) و حضرت امام خامنه ای^(مدظله العالی) را بر اساس تحریر الوسیله و اجوبه الاستفتاءات مبنای آموزش خود قرار داده که شرح مسایل آنها در ادامه خواهد آمد.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر از منظر فقهی حضرت امام خمینی^(ره):

مسأله ۲۷۹۱- چند چیز شرط است در واجب بودن امر به معروف و نهی از منکر:

اول: آن که کسی که می خواهد امر و نهی کند، بداند که آنچه شخص مکلف به جا نمی آورد، واجب است به جا آورد، و آنچه به جا می آورد باید ترک کند. و بر کسی که معروف و منکر را نمی داند واجب نیست.

دوم: آن که احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر می کند، پس اگر بداند اثر نمی کند واجب نیست.

سوم: آن که بداند شخص معصیت کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند، پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی کند واجب نیست.

چهارم: آن که در امر و نهی مفسده ای نباشد، پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه به او می رسد واجب نیست، بلکه اگر احتمال صحیح بدهد که از آن ترس ضررهای مذکور را پیدا کند واجب نیست بلکه اگر بترسد که ضرری متوجه متعلقان او می شود واجب نیست، بلکه با احتمال وقوع ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی موجب حرج بر بعضی مؤمنین، واجب نمی شود بلکه در بسیاری از موارد حرام است.

نظر فقهی حضرت امام خامنه ای^(مدظله العالی):

س ۱۰۵۴: بنا بر اینکه وظیفه مردم در امر به معروف و نهی از منکر در نظام جمهوری اسلامی، اکتفا به امر به معروف و نهی از منکر زبانی است و مراتب دیگر آن بر عهده مسئولین است، آیا این نظریه، حکم از طرف دولت است یا فتوا؟

ج: فتوای فقهی است. ■

س ۱۰۵۷: کسی که می خواهد شخصی را امر به معروف و نهی از منکر نماید، آیا باید قدرت بر آن را داشته باشد؟ در چه زمانی امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب می شود؟

ج: امر به معروف و نهی کننده از منکر باید عالم به معروف و منکر باشد، و همچنین بداند که فاعل منکر عمداً و بدون عذر شرعی مرتکب آن می شود، و زمانی اقدام به امر و نهی واجب می شود که احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در مورد آن شخص داده

شود، و ضرری برای خود او نداشته باشد، و در این مورد باید تناسب بین ضرر احتمالی و اهمیت معروفی را که به آن امر می‌نماید یا منکری که از آن نهی می‌کند، ملاحظه نماید. در غیر این صورت، امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب نیست.

س ۱۰۶۴: آیا وظیفه افراد در امر به معروف و نهی از منکر این است که فقط به امر به معروف و نهی از منکر زبانی اکتفا کنند؟ و اگر اکتفا به تذکر زبانی واجب باشد، این امر با آنچه در رساله‌های عملیه به خصوص تحریر الوسیله آمده است، منافات دارد، و اگر مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر هم برای افراد در موارد لزوم جایز باشد، آیا در صورت نیاز می‌توان همه مراتب مذکور در تحریر الوسیله را انجام داد؟

ج: با توجه به اینکه در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می‌توان مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی (پلیس) و قوه قضائیه واگذار کرد، به خصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره‌ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می‌دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذیربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند و این منافاتی با فتاوی‌ای امام راحل (قدس سره) در این رابطه ندارد. ولی در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار با حکومت اسلامی نیست، بر مکلفین واجب است که در صورت وجود شرایط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند.

۶-۲- مراتب و مراحل امر به معروف و نهی از منکر:

مسئله ۲۸۰۴- برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبی است، و جایز نیست با احتمال حاصل شدن مقصود از مرتبه پایین، به مراتب دیگر عمل شود.

مسئله ۲۸۰۵- مرتبه اول آن که با شخص معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد برای ارتکاب او به معصیت، این نحو عمل با او شده است، مثل این که از او رو برگرداند، یا با چهره عبوس با او ملاقات کند، یا ترک مراد با او کند و از او اعراض کند به نحوی که معلوم شود این امور برای آن است که او ترک معصیت کند.

مسأله ۲۸۰۶- اگر در این مرتبه درجاتی باشد لازم است با احتمال تأثیر درجه خفیفتر، به همان اکتفا کند، مثلاً اگر احتمال می‌دهد که با ترک تکلم با او، مقصود حاصل می‌شود، به همان اکتفا کند و به درجه بالاتر، عمل نکند، خصوصاً اگر طرف شخصی است که این نحو عمل موجب هتک او می‌شود.

مسأله ۲۸۰۷- اگر اعراض نمودن و ترک معاشرت با معصیت کار موجب تخفیف معصیت می‌شود یا احتمال بدهد که موجب تخفیف می‌شود، واجب است اگر چه بداند موجب ترک بکلی نمی‌شود، و این امر در صورتی است که با مراتب دیگر، نتواند از معصیت جلوگیری کند.

مسأله ۲۸۱۲- کسانی که ترویج مقاصد ظلمه را می‌کنند و کمک به جشنها و معاصی و ظلم آنها می‌کنند از قبیل بعض تجار و کسبه، لازم است بر مسلمانان که آنها را نهی کنند، و اگر تأثیر نکرد، از آنها اعراض کنند و با آنها معاشرت و معامله نکنند.

مسأله ۲۸۱۳- مرتبه دوم از امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی به زبان است، پس با احتمال تأثیر و حصول سایر شرایط گذشته، واجب است اهل معصیت را نهی کنند، و تارک واجب را امر کنند به آوردن واجب.

مسأله ۲۸۱۴- اگر احتمال بدهد که با موعظه و نصیحت، معصیت کار ترک می‌کند معصیت را، لازم است اکتفا به آن، و نباید از آن تجاوز کند.

مسأله ۲۸۱۵- اگر می‌داند که نصیحت تأثیر ندارد، واجب است با احتمال تأثیر امر و نهی الزامی کند، و اگر تأثیر نمی‌کند مگر با تشدید در گفتار و تهدید بر مخالفت، لازم است لکن باید از دروغ و معصیت دیگر احتراز شود.

مسأله ۲۸۱۶- جایز نیست برای جلوگیری از معصیت، ارتکاب معصیت مثل فحش و دروغ و اهانت، مگر آن که معصیت، از چیزهایی باشد که مورد اهتمام شارع مقدس باشد و راضی نباشد به آن به هیچ وجه، مثل قتل نفس محترمه، در این صورت باید جلوگیری کند به هر نحو که ممکن است.

مسأله ۲۸۱۷- اگر عاصی ترک معصیت نمی‌کند مگر به جمع ما بین مرتبه اولی و ثانیه از انکار، واجب است جمع به این که هم از او اعراض کند، و ترک معاشرت نماید و با چهره عبوس با او ملاقات کند، و هم او را امر به معروف کند لفظاً و نهی کند لفظاً.

خلاصه مرتبه اول : انزجار قلبی و ناراحتی درونی خود را با قیافه خود اظهار کند:

۱- از او رو برگرداند،

۲- یا با چهره عبوس با او ملاقات کند،

۳- یا ترک مراوده با او کند

۴- از او اعراض کند

۵- با ترک تکلم با او،

۶- اعراض نمودن و ترک معاشرت

خلاصه مرتبه دوم : مراتب امر و نهی زبانی:

۱- موعظه و نصیحت،

۲- تشدید در گفتار

۳- تهدید بر مخالفت

خلاصه مرتبه سوم : انکار عملی و به کارگیری دست است :

۱- حائل شدن

۲- تصرف در خود او یا در ابزار کار

۳- داخل خانه و یا ملک او بدون اجازه

۴- تصرف در اموالش از قبیل فرش و رختخواب

۵- ضرر زدن

۶- حبس کردن

۷- درتنگنا قرار دادن و بزحمت انداختن

۸- زدن و وارد کردن درد

۹- زخمی کردن

۱۰- کشتن

۶-۳- آداب امر به معروف و نهی از منکر

آداب امر به معروف و نهی از منکر که بیشتر پایه در اخلاق اسلامی دارد، نه جزء شرایط و نه جزء مراتب آن است بلکه زمینه ای مفید برای ورود اثربخش و تاثیرگذار این فریضه

الهی محسوب می گردد؛ آداب دارای ابعاد مختلفی است لکن به تناسب موضوع صرفاً به بعد اجتماعی آن و ادب با مردم پرداخته می شود. ادب با مردم خود نیز دارای ابعاد مختلفی به شرح زیر است:

۱- ملایمت و مهربانی .

۲- احسان

۳ - خوشرویی .

۴- نادیده انگاشتن لغزشها

۵ - چشم پوشی

۶- حلم و بردباری

۷- تفقد و رسیدگی

۲- آداب اجتماعی

از مهمترین آداب تاثیرگذار بر اجرای مفیدو ماندگار امر به معروف و نهی از منکر موارد زیر می باشد:

۱- آداب برخوردها

الف- سلام و مصافحه

ب - روی گشاده

ج - زیباگویی

د - ظاهر آراسته

ط- مدارا با برادران دینی

۲- آداب سخن گفتن :

۱- سخن باید کوتاه و جامع و خالی از زوائد باشد.

۲- بجا و به موقع باشد.

۳- سخن مفید باشد.

۴- سخن نرم باشد.

۵- توأم با سنجیده گویی باشد.

۶- تکیه کلامهای زاید با تمرین حذف شود .

۷- آنجا که نامحرم است تحریک آمیز نباشد .

۸- در بین سخن دیگران حرف زده نشود .

۹- صدا را بلند نکند .

۱۰- حسن گفتار داشته باشد .

۱۱- هنگام سخن گفتن به فکر شنونده هم باشد، چه بسا شنونده حوصله شنیدن سخنان شما را نداشته باشد .

۳- آداب امر به معروف و نهی از منکر.

از میان فرایض اسلامی ، تنها فریضه ای که مشروط به احتمال تاءثیر است امر به معروف و نهی از منکر است؛ یعنی احتمال مؤثر واقع شدن آن یکی از شرایط وجوبش به شمار می آید. همه شرایط و مراتب و آدابی که برای اجرای این فریضه در نظر گرفته اند چیزی نیست جز کوشش برای مؤثرتر شدن آن . باید امر به معروف و نهی از منکر طیب وار و مشفقانه درد بیمار خود را بشناسد و داروی مناسب آن را تجویز کند و در این راه آدابی را به کار بندد که او را موفق سازد . مقصود از آداب اموری است که رعایت آنها در حصول غرض و نتیجه مؤثر است . برخی از این آداب عبارتند از:

۱- پرهیز از تجسس؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر ناظر به امور اجتماعی مسلمانان است و تنها در این حوزه کاربرد دارد.

۲- ادب در گفتار و رفتار عامل جذب است . نوع گفتار و رفتار شخص امر یا نهی باید چنان باشد که دل مخاطب خود را تسخیر کند.

۳- پرهیز از توهین و تحقیر و اهانت ؛ کسی را نمی توان با توهین و تحقیر و اهانت به کار نیک جذب کرد یا او را از کار زشت باز داشت، بلکه این گونه برخورد گاهی عامل لجاجت می شود و اثر معکوس دارد . باید با شخصیت دادن به طرف، او را جذب کرد.

۴- اعتماد سازی ؛ باید با مجرمان به گونه ای برخورد کرد که به ما اعتماد پیدا کنند و حرفهای ما را از روی خیرخواهی بدانند، همانند آینه که بی غرض و صادقانه عیوب انسان را نشان می دهد و همه به صداقت آن ایمان دارند.

۵- امر به معروف در بسیاری از موارد باید خصوصی و همراه با حفظ شخصیت و موقعیت افراد انجام گیرد به گونه ای که عمل شخص نقد شود، نه خود شخص

۶- برای اینکه خلاف کاران گستاخ نشوند و حریم ها شکسته نشود، گاهی باید خود را به تغافل زد . بعضا باید اگر از گناه و فساد کسی باخبر شدیم ، آن را به رخ او نکشیم و چنان وانمود کنیم که خبر نداریم تا قبح کارهای بد از میان نرود.

۷- دعوت عملی مؤثرتر از دعوت زبانی است. اگر کسی خودش به گفته هایش مقید نباشد نمی تواند بر دیگران تاءثیر بگذارد. امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: « لعن الله الأمرین بالمعروف التارکین له و الناهین عن المنکر العاملین به»^{۱۳۴} نیز امام صادق (ع) فرمود « کُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّتِّكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ»^{۱۳۵}.

۱۳۴ - نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹

۱۳۵ - الکافی، ج ۲، ص ۷۸؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۷۶؛ وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۴۶

فصل پنجم

روش ها و مراحل انجام امر و نهی

اهداف شناختی، انگیزشی و رفتاری فصل پنجم:

فراگیر با فراگیری مفاد و محتوای این فصل با روشهای امر به معروف و نهی از منکر فردی و مدیریتی، کلامی و غیر کلامی آشنا می شود و اشتیاق پیدا می کند آنها را تمرین کند و در اجرا به کار بندد و در پایان می بایستی بتواند به سوالات زیر پاسخ دهد:

- ۱- روش امر به معروف و نهی از منکر فردی چگونه است؟
- ۲- روش امر به معروف و نهی از منکر مدیریتی چگونه است؟
- ۳- تفاوت بین روش امر به معروف و نهی از منکر فردی و مدیریتی در چیست؟
- ۴- روش امر به معروف و نهی از منکر کلامی چیست؟
- ۵- روش امر به معروف و نهی از منکر غیر کلامی چیست؟
- ۶- ابعاد روش غیر کلامی در امر به معروف و نهی از منکر کدامند؟
- ۷- تفاوت بین روش کلامی و غیر کلامی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

فصل پنجم: روش ها و مراحل انجام امر و نهی

۵- روش ها:

روش ها ناظر به صورت های مختلف و متصور در اجرای امر به معروف و نهی از منکر است از جمله:

۵-۱- امر به معروف و نهی از منکر فردی و مدیریتی.

الف- امر به معروف و نهی از منکر فردی:

امر به معروف و نهی از منکر آحاد افراد جامعه به یکدیگر را که بخشی از اصل هشتم قانون اساسی تشکیل می دهد شامل می شود.

ب- امر به معروف و نهی از منکر مدیریتی:

امر به معروف و نهی از منکر آحاد افراد جامعه به مدیران و مسئولان دستگاه های دولتی و غیر دولتی را که بخشی از اصل هشتم قانون اساسی تشکیل می دهد شامل می شود.

۵-۲- روشهای کلامی و غیر کلامی

۱- روش کلامی:

در این روش امر و ناهی با استفاده از زبان و استخدام کلمات زیبا و رسا به جمله بندی پرداخته و رسا ترین کلام رابه مخاطب خود منتقل می نماید این روش ممکن در قالب صورتهای مختلفی به اجرا درآید از جمله:

الف- کلامی حضوری (اعم از حالت های مختلف فرد به فرد- فرد به جمع - جمع به فرد): در این روش امر و ناهی پس از رویت فعل و پدیده صادر شده از سوی فرد خاطی، با لحاظ شرایط عمومی و اختصاصی امر به معروف و نهی از منکر، با رعایت آداب لازم، فرد یا گروه خاطی را مورد خطاب قرار داده و امر خدا با زیبا ترین کلام به او می گوید. در این روش که ممکن است فرد به فرد، فرد به جمع یا جمع به فرد باشد، چنانچه از آداب اسلامی که متعاقبا تشریح خواهد شد بهره گیری شود، به یقین تاثیر خود را به جای خواهد گذاشت. به نمونه های زیر توجه کنید:

نمونه اول:

در تفسیر المنار در ذیل آیه چنین می خوانیم : جوانی به خدمت پیامبر آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا آیا به من اجازه می دهی زنا کنم؟! با گفتن این سخن فریاد مردم بلند شد و از گوشه و کنار به او اعتراض کردند، ولی پیامبر با خونسردی و ملایمت فرمود: نزدیک بیا، جوان نزدیک آمد، و در برابر پیامبر نشست ، حضرت با محبت از او پرسید آیا دوست داری با مادر تو چنین کنند؟ گفت : نه فدایت شوم ، فرمود: همینطور مردم راضی نیستند با مادرانشان چنین شود، آیا دوست داری با دختر تو چنین کنند؟ گفت نه فدایت شوم ، فرمود: همینطور مردم درباره دخترانشان راضی نیستند، بگو ببینم آیا برای خواهرت می پسندی؟! جوان مجدداً انکار کرد و از سؤال خود به کلی پشیمان شد. پیامبر سپس دست بر سینه او گذاشت و در حق او دعا کرد و فرمود: خدایا قلب او را پاک گردان و گناه او را بیخس و دامان او را از آلودگی به بی عفتی نگاه دار. از آن به بعد منفورترین کار در نزد این جوان زنا بود!... این بود نتیجه ملایمت و محبت در نهی از منکر. (تفسیر نمونه)

نمونه دوم:

شخصی می گفت که با شهید آیت الله سید محمدرضا سعیدی رحمه الله از کوجهای می گذشتیم. وی متوجه دختر بچه ای شد که جلوی خانه ای مشغول بازی بود و دامن کوتاهی بر تن داشت. آیت الله سعیدی رحمه الله آرام نزد او رفت و پس از سلام، با لحنی مهربانانه و کودکانه با وی لب به سخن گشود و گفت: «دختر خانم! در خانه شلوار داری؟» دختر گفت: «بله آقا!» گفت: «برو شلوارت را بپوش! آفرین دختر خوب!» و دختر بچه به طرف خانه دوید. هنوز به پیچ کوچه نرسیده بودیم که دخترک بازگشت و به سرعت خود را به مرحوم سعیدی رساند و گفت: «آقا! آقا! بین شلوارم را پوشیدم.» (عبرتها در آینه داستانها، احمد

دهقان، انتشارات نهانندی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش، ص ۳۰)

نمونه سوم:

شهید مطهری که در این نکته ها باریک بینی خوبی دارد، داستانی را نقل می کند که چنین است: «می گویند در زمان ریاست مرحوم آقا نجفی اصفهانی، یک روز عده ای که نام طلبه روی خود گذاشته بودند ولی طلبه واقعی نبودند در حالی که نفس می زدند و یک دایره شکسته و یک دمبک شکسته در دست داشتند به منزل مرحوم آقا نجفی آمدند. ایشان پرسیدند: چه خبر است؟ از کجا می آید؟ اینها در دست شما چیست؟ گفتند: در مدرسه بودیم که به ما اطلاع دادند در چندین خانه آن طرف مدرسه، مجلس عروسی است و در آنجا دایره و دمبک می زدند. از پشت بام مدرسه از روی بامهای خانه ها از این پشت بام به

آن پشت بام رفتیم تا به آن خانه رسیدیم. داخل آن خانه رفتیم و مردم را زدیم و دایره و دمبک آنها را شکستیم. یکی از آنها گفت: من خودم رفتم جلو و سیلی محکمی به گوش عروس زدم. مرحوم آقا نجفی گفت: واقعاً نهی از منکر هم همین است که شما کردید!! چندین منکر به نام نهی از منکر مرتکب شدید، اولاً: مجلس عروسی بوده، ثانیاً: شما حق تجسس نداشته‌اید، ثالثاً: شما چه حق داشته‌اید از پشت‌بامهای مردم بروید؟ رابعاً: کی به شما اجازه داده که بروید زد و خورد کنید [و به صورت نامحرم سیلی بزنید]؟»

ب- کلامی غیر حضوری (مکتوب):

در این روش امر و ناهی پس از رویت ناهنجاری یا فعل و پدیده صادر شده از سوی فرد خاطی، با لحاظ شرایط عمومی و اختصاصی امر به معروف و نهی از منکر، امر یا نهی مورد نظر را بصورت مکتوب درآورده و با رعایت آداب لازم، آنرا به فرد مخاطب ارایه می‌دهد. مراد از این مکتوبه شرح موضوع، فلسفه چینی، تبلیغ و ارشاد نیست، بلکه همان امر و نهی کلامی است که به دلیل محذوریت، جایگزین مراتب قلبی و لسانی حضوری می‌گردد. بنا به تجربیات و پژوهش‌های انجام شده، این روش بسیار مفید موثر معرفی شده است.

۲- روشهای غیر کلامی:

در یک ارتباط، پیام‌ها به دو طریق کلامی و غیر کلامی انجام می‌پذیرد؛ در ارتباط غیر کلامی، بیش‌ترین ارتباط ما با دیگران، از طریق زبان بدن یعنی استفاده از اعضاء و جوارح استفاده می‌شود. ارتباط غیرکلامی را در چهار گروه شامل:

جسمی: (از قبیل اشاره‌های چهره‌ای، لحن صدا، بو و حرکات بدن). ؛ هنری: (از قبیل موسیقی، بازیگری، نقاشی و مجسمه‌سازی)؛

علائم: (مانند پرچم‌ها، شلیک توپ به پاس احترام، آژیر و سوت زدن)؛ و نمادها: (مثل آداب و رسوم مذهبی، شأن و منزلت و جایگاه اجتماعی). تقسیم‌بندی می‌کنند. از مهمترین مصادیق پیام‌های غیرکلامی موارد زیر ذکر شده است:

۱- فاصله:

فاصله‌ای که یک نفر با دیگری رعایت می‌کند، غالباً یک پیام غیرکلامی را منتقل می‌کند در بعضی از فرهنگ‌ها این فاصله، نشان‌دهنده نوعی علاقه است در حالی که گاهی می‌تواند ناشی از منزلت اجتماعی تلقی گردد.

۲- طرز قرار گرفتن:

بسیاری از افراد به روش های مختلفی مانند چهره به چهره، پهلو به پهلو یا حتی پشت به پشت دیگران قرار می گیرند برای مثال افراد معاشرتی، به طور معمول پهلو به پهلو و افراد رقابت جو، چهره به چهره دیگران قرار می گیرند.

۳- حالت اندامی:

بعضی افراد ممکن است هنگام نشستن صاف بنشینند یا لم بدهند یا هنگام تعامل با دیگران، بایستند. این ها عواملی است که باعث انتقال پیام می شود.

۴- تماس جسمی (زبان بدن):

دست دادن، دست به شانه کسی زدن، هل دادن یا دست کسی را محکم گرفتن، همه می توانند انتقال دهنده ی پیام ناشی از صمیمیت و احساس محبت یا برعکس، نفرت و بی تفاوتی باشند. مثلاً: یکی از مهم ترین حرکات و اشارات، مربوط به دست هاست که هنگام حرف زدن، کمتر به آن توجه می شود. بعضی از حرکات و اشارات مانند گره کردن مشت، دارای معانی جهانی است در حالی که سایر اشارات و حرکات در فرهنگ های مختلف، دارای معانی مختلفی می باشند.

۵- نگاه کردن:

یکی از ویژگی های مهم در ارتباطات اجتماعی، تماس چشمی است. نگاه کردن می تواند انتقال دهنده هیجاناتی مانند محبت یا نفرت، علاقه یا بی تفاوت باشد.

۶- بیان چهره ای:

لبخند، اخم، ابروی بالا رفته، خمیازه کشیدن و پوزخند زدن، همه انتقال دهنده اطلاعات هستند. بیان چهره ای به طور معمول به هنگام ارتباط و با توجه به واکنش شنونده، تغییر می کند و در فرهنگ های مختلف، می تواند معانی مشترکی داشته باشد. محققان معتقدند که بیان چهره ای، بهتر از هر عاملی می تواند وضعیت هیجانی ما را توصیف کند به عنوان مثال:

حالت چشمان می تواند شادی، غمگینی و یا حیرت ما را بیان کند

یک لبخند و تبسم می تواند صمیمیت، علاقه و محبت را نشان دهد.

پایین بودن چهره، ابروها و پیشانی چروک شده می تواند ناشی از خشم باشد.

نگاه مستقیم گوینده، نشان دهنده صفا، صداقت و احساس اعتماد او به شنونده است.

نگاه کردن به پایین، حاکی از فروتنی

چرخاندن چشمان به بالا، ناشی از خستگی گوینده است.

نگاه کردن می تواند انتقال دهنده هیجاناتی مانند محبت یا نفرت، علاقه یا بی تفاوت باشد.
۷- زبان آوایی:

یافته های محققان نشان می دهد که لحن، طنین و کیفیت صدا و سرعت کلمات ادا شده می تواند هیجان ها را بدون توجه به محتوای پیام انتقال دهد. لحن صدا علاوه بر انتقال پیام می تواند به عنوان مکمل پیام عمل نماید به عنوان یک ارتباط گر باید نسبت به تأثیر لحن، طنین و کیفیت صدای تان بر تفسیر پیام از سوی شنونده توجه کنید.
۸- سکوت:

سکوت می تواند تأثیر مثبت و منفی بر فرآیند ارتباطات داشته و بر تحکیم یا قطع روابط، اثر گذار باشد. سکوت می تواند باعث بروز تنش و اضطراب شده یا برعکس به حفظ آرامش گوینده کمک کند. سکوت می تواند نشانه علاقه یا بی علافتگی، موافقت یا محافظت باشد.
مثال اول:

اگر کسی گرفتار خلافتی می شود، در کوی و برزن همه با یک چهره نفرت آوری او را نگاه کنند همین! همین که عبوسانه او را ببینند، او کنار می کشد این حدّ اقلّی است که بر همه ما واجب است. اگر ما هم سرمان را خم کردیم و رد شدیم خب ما هم معصیت کردیم او هم معصیت کرده است این اولین مرتبه امر به معروف است که بر همه ما واجب است. یا مثلاً ما می دانیم که فلان شخص اهل رشوه است، در مجالس با او برخورد متنفّرانه داشته باشیم این بر ما واجب، واجب یعنی واجب است در سلام و علیک ها این چنین عبوسانه، متنفّرانه، غضبان او را نگاه کنیم. اگر کسی اهل رشوه بود اهل تخلف بود وقتی می بیند در هر کوی و برزنی، در هر جامعه ای، در هر حسینیه و مسجدی او را با چشم نفرت می بینند، او خودش را اصلاح می کند.
مثال دوم:

پیرمردی مشغول وضو بود، اما طرز صحیح وضو گرفتن را نمی دانست. امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، که در آن هنگام طفل بودند، وضو گرفتن پیرمرد را دیدند. جای تردید نبود، تعلیم مسائل و ارشاد جاهل، واجب است. باید وضوی صحیح را به پیرمرد یاد داد. اما اگر مستقیماً به او گفته شود که: «وضوی تو، صحیح نیست»، گذشته از اینکه موجب رنجش خاطر او می شود، برای همیشه خاطره ی تلخی از وضو خواهد داشت. به علاوه، از کجا که او این تذکر را برای خود، تحقیر تلقی نکند و یکباره روی دنده ی لجبازی نیفتد و هیچ وقت زیر بار نرود. این دو طفل، اندیشیدند، تا به طور غیرمستقیم او را متذکر کنند. در ابتدا، آن دو با یکدیگر به مباحثه

پرداختند و پیرمرد نیز سخنان آن دو را می‌شنید. یکی از آن دو، به دیگری گفت: وضوی من، از وضوی تو کامل‌تر است. دیگری هم به آن یکی گفت: وضوی من، از وضوی تو کامل‌تر است. پس از آن، آن دو با هم توافق کردند که در حضور پیرمرد، هر دو نفر وضو بگیرند و پیرمرد حکمیت کند. آن دو، طبق قرار عمل کردند و هر دو نفر، وضوی صحیح و کاملی را جلوی چشم پیرمرد گرفتند. پیرمرد، تازه متوجه شد که وضوی صحیح چگونه است و به فراست، مقصود اصلی دو طفل را دریافت و سخت تحت تأثیر محبت بی‌شائبه و هوش و فطانت آنها قرار گرفت. سپس، پیرمرد به آن دو بزرگوار گفت: وضوی شما، صحیح و کامل است. من پیرمرد نادان، هنوز وضو ساختن را نمی‌دانم. شما، به حکم محبتی که بر امت جد خود دارید، مرا متنبه ساختید. من از شما متشکرم^{۱۳۶}.

جمع بندی اینکه

اگر نظری بیفکنیم به حرکت و جنب و جوش معلم به هنگام آموزش دادن به دانش آموز خود؛ مانند راه رفتن، حرکات بدنی، برقراری تماس چشمی با فرد فرد دانش آموزان، بالا و پایین بردن صدا، و موارد دیگری از این قبیل که نشان دهنده اشتیاق و علاقه او به کار خود و پیشرفت دانش آموز است و یکی از عوامل نامحسوس بالابرنده سطح اثر بخشی آموزش محسوب می‌گردد، همچنان در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نیز اموری از قبیل فرو بستن چشم، درهم پیچیدن چهره و عبوس کردن، روی برگرداندن صورت، پشت کردن به صحنه گناه به گونه ای که بیانگر انزجار ناهی از کارزشت یا صحنه گناه و معصیت باشد می‌تواند یکی از روش های موثر و موفق امر به معروف و نهی از منکر به حساب آورد و از آنها به تناسب استفاده نمود.

این سرفصل از مهمترین سرفصلهای نظام آموزشی مجمع محسوب می‌گردد که نیازمند شرح و بسط بیشتری می‌باشد.

فصل ششم

آسیب های امر به معروف و نهی از منکر

اهداف شناختی، انگیزشی و رفتاری فصل ششم :

فراگیر با فراگیری مفاد و محتوای این فصل، با آسیب شناسی و آسیبهای امر به معروف و نهی از منکر آشنا می شود و خود را نسبت به مبتلا شده به آنها حفظ می کند و فی الجمله می تواند با آنان برخورد علمی و عملی نماید و در پایان می بایستی به سوالات زیر در این زمینه پاسخگو باشد:

- ۱- مهمترین عوامل آسیب زا در اجرای امر به معروف و نهی از منکر چیست؟
- ۲- راه های جلوگیری از آسیب های امر به معروف و نهی از منکر کدامند؟

فصل ششم: آسیب های امر به معروف و نهی از منکر

مراد از آسیب شناسی در امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از: هرگونه آفت و خطر و گزند و ناراحتی که ممکن است به این دو، واجب الهی، در مرحله ی شناخت و اجرا، از ناحیه ی اجرا کننده و اجرا شونده، وارد آید و این عمل ظریف را با اشکال و گزند و آسیب مواجه کند، می باشد که مصادیق مهم آن به شرح زیر می باشد:

۱- جهل و نادانی:

اساس و پایه ی مبین اسلام، معرفت و آگاهی است. در سایه ی علم و دانایی زندگی دنیوی و اخروی بشر از ارزش واقعی برخوردار می گردد، لذا اولین وظیفه ای که در اعتقادات اسلامی متوجه انسان می گردد، شناخت و آگاهی و یکی از علل تباهی، جهل و نادانی معرفی شده است. این بزرگ ترین آفتی است که می تواند زمینه ساز بسیاری از مفاسد فردی و اجتماعی شود و راه را بر اجرای صحیح و همگانی امر به معروف و نهی از منکر را سد نماید

۲- سستی و بی حوصلگی:

از جمله آفات بازدارنده امر به معروف و نهی از منکر، سستی و بی حوصلگی است، که گاهی ناشی از بی اعتنایی در جامعه می باشد این حالت نه تنها انسان را از انجام وظایف اخلاقی - اجتماعی باز می دارد؛ بلکه روحیه ی تنبلی در کار و بی حالی در تلاش های روزمره ی زندگی را در فرد ایجاد می کند. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) در مورد مذمت این صفت آمده که: « قال الصادق (علیه السلام): أَيْكَاكَ وَالْكَسَلُ وَالضَّجْرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. » « از کسالت و بی حوصلگی دوری کن، زیرا این دو، تو را از بهره ات در دنیا و آخرت باز می دارد. »

۳- مبارزه با معلول:

در تعالیم اسلام سخن از خشکانیدن ریشه ی فساد است، اگر ریشه ی فساد موجود باشد و ما هم بخواهیم با معلول یعنی یک نفر، مریض مبتلا، مبارزه کنیم، نتیجه ای نخواهیم گرفت، در مبارزه با مواد مخدر باید با تولید گران آن مبارزه کرد. در پیشگیری از مفاسد جنسی باید از نگاه آلوده و خلوت با نامحرم جلوگیری کرد. اسلام می گوید: امرا و سلاطین اگر اصلاح شوند، جامعه، اصلاح خواهد شد. البته این به آن معنا نیست، پس اگر نتوانیم، با علت مبارزه کنیم، امر به معروف را ترک کنیم، بلکه سفارش شده به سراغ

ریشه های بالاتر فساد برویم و به جای مبارزه با یک نفر گناهکار به سراغ آن جمع و آن باند برویم و این ها مبارزه با علت است نه معلول .

۴- طولانی شدن :

هر کسی ظرفیتی دارد و حوصله ی هر کس اندازه ای . در امر به معروف باید حوصله ها را در نظر گرفت ، اگر اهل منکری از نصیحتی به دلیل طولانی شدن آن سرخورده شد ، دیگر نمی توان او را متمایل به حقایق نمود.

۵- عامل نبودن گوینده :

دستور اسلام این است که با کردارتان ، مردم را به خوبی ها دعوت کنید ، اگر با زبان امر به معروف کنید ولی خود به معروف عمل نکنیم ، چنین امر به معروفی در کسی اثر نخواهد گذاشت.

قرآن با سرزنش می فرماید : « لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ » چرا می گوید چیزی را که خود به آن عمل نمی نمایید. « در این زمینه امام صادق (علیه السلام) می فرماید : كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ » دعوت کننده ی مردم باشید با اعمالتان .

۶- مایوس کردن گناهکار :

اگر امر به معروف با دیدن اهل منکری او را مایوس کند ، چنین کسی در کارش کاربردی نخواهد دید ، چون شاید کسی گناهی انجام بدهد ولی قبح آن گناه را نمی دانسته یا تمایل قلبی به آن نداشته باشد یا در گیر و دار دوستان اهل معصیت گرفتار شده ، که اگر چنین باشد ما به جای هدایت او ، به گناهکاری او کمک کرده ایم . امر به معروف یکی از وظایف اش این است که به شخص ناامید ، امید بدهد . امیرالمؤمنان علی (علیه السلام) در مورد برخورد با اهل گناه فرموده است : « قَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ عَنِ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَ ... » « سزاوار است برای افراد صالح و پاکدامن که نسبت به اهل گناه رحم کنند. »

۷- قضاوت عجولانه :

امر به معروف اگر از روی قضاوت عجولانه و احساسی باشد ، مکان و زمان در نظر گرفته نشود ، گاهی اثر معکوس می گذارد که در نهایت هم ، پشیمانی به بار می آورد . اگر به فردی که مرتکب جرمی شده ولی توجیه نیست ، انسان تذکری بدهد ، این تذکر ، یا بی اثر و یا کم اثر خواهد بود. امام علی (علیه السلام) می فرماید: « الصَّبْرُ ظَفْرٌ ، الْعَجَلُ خَطَرٌ » (صبر... صبر ، موجب پیروزی ، و عجله ، خطر آفرین است.)

۸- ترس از جو سازی:

از آن جا که اهل منکر کار خویش را توجیه می کند و زمینه را از کسی که می خواهد امر به معروف کند می گیرد و امر به معروف از ترس جو زدگی، مسخره و ملامت، دست از این فریضه ی الهی کشیده و از ترس جو سازی آن را ترک کنند که البته درمان آن در کلمات گهربار حضرت علی (علیه السلام) آمده است. در آن جا که می فرمایند: «... وَ لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ ...» «مبادا در این راه از جو سازی و ملامت گران تأثیر پذیر باشی؟»

۹- تجسس های بی جا:

سرک کشیدن به زندگی خصوصی افراد و کشف گناه از نظر اسلام مذموم است. «چرا که ما موظف نیستیم برای کشف منکرات پنهان به هر جایی سر بزیم و نمی توانیم به جاسوسی یا کنجکاوی پردازیم. یا با احتمال ضعیف یافتن وجود منکری، به خانه ای حمله کنیم.» امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس لغزش و گناه مؤمنین را پیگیری کند، خداوند در همین دنیا هم او را افتضاح خواهد نمود.»

۱۰- منفی بافی:

در امر به معروف نباید فقط عیب ها و نقاط منفی را گفت، خوب است ابتدا انسان از خوبی ها و صفات پسندیده بگوید. چرا که در هر کسی نقاط منفی و مثبت هست و ما مأموریم که نقاط مثبت را هم گوشزد کنیم. قرآن مجید، حتی وقتی می خواهد مذمت شراب را بگوید از منافع آن می گوید و سپس ضررهایش را گوشزد می کند. قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم):

« مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ فَلْيَكُنْ أَمْرُهُ ذَلِكَ بِمَعْرُوفٍ » (هر کس که امر به معروف می کند باید شیوه اش نیز معروف و پسندیده باشد).

۱۱- کارهای غیر ریشه ای:

ما، در نهی از منکرگاهی به سراغ ریشه ی فساد نمی رویم و با فرعیات، سر ستیز داریم. قرآن می فرماید «فَقَاتِلُوا أُمَّةً كُفِّرًا» «پیشوایان کفر را بکشید.» در مسئله ی مبارزه با منکر، باید به سراغ ریشه ها و عوامل فساد رفت. در حالی که اسلام با اصل و ریشه ی مفسد، مخالف است.

۱۲- طمع کاری:

گاهی شخص به طمع مال، گرفتن جایزه و هدیه، جذب مشتری، خوشایندی دیگران و امثال آن... در برابر منکرات سکوت می‌کند. طمع، زبان «امر به معروف و نهی از منکر» را به زبان «تملق و چاپلوسی» تبدیل می‌کند. وقتی انسان به دام طمع، گرفتار شود و برای رسیدن به سود بیشتر، چشم خیره داشته باشد، قدرت «امر» نسبت به کار پسندیده، و جرأت «نهی» نسبت به قبایح را از دست می‌دهد و همیشه در اندیشه‌ی آن است که با چه الفاظی سخن بگوید که بهتر مورد توجه قدرتمندان و حکومت مداران قرار گیرد. بنابراین کسی می‌تواند امر و نهی کند که دل از بند طمع رها کرده باشد و این مقام والای انسان‌هایی چون «ابوذر» است.

۱۳- روحیه‌ی سازشکاری:

افرادی هستند که از خود، موضع و شخصیت مستقلی ندارند، در شرایط مختلف رنگ عوض می‌کنند و اهل ساخت و پاخت اند. البته لازمه‌ی چنین روحیه‌ی «نفاق» است، تا در هر شرایطی بتواند موافق آن سخن بگویند. از چنین افرادی انتظار سخن جدی نباید داشت، چون پیوسته «مدارات» را پیشه‌ی خود ساخته‌اند. کسانی که به این آفت روانی گرفتار شوند، قدرت «امر و نهی» را از دست می‌دهند و همیشه در شرایط مختلف «هضم» می‌شود و روشن است که دیگر «امر به معروف و نهی از منکر» نخواهند بود.

۱۴- حفظ آبروی خود:

برخی به توهم این که اگر «امر به معروف و نهی از منکر» کنند از چشم دیگران می‌افتند و چه بسا مثل گذشته مورد احترام آن‌ها قرار نگیرند، بدین جهت از انجام این فریضه‌ی بزرگ، خودداری می‌کنند، این گروه در روابط اجتماعی و خانوادگی خود، همه چیز را نادیده می‌گیرند تا مبادا «کدورتی» پیدا شود، و کسی از آن‌ها رنجیده خاطر شود. از این رو کسانی که از «سرزنش مردم» واهمه دارند، و «ملامت دیگران» برایشان غیر قابل تحمل است، نمی‌توانند در انجام امر به معروف و نهی از منکر موفق باشند.

۱۵- اصلاح خود:

از نظر تفکر اسلامی «فرد» و «جامعه» دارای تأثیر متقابل و ارتباط دو جانبه‌اند، که اصلاح هر یک در اصلاح دیگری تأثیر دارد. بنابراین هر کس با اصلاح خویش می‌تواند به اصلاح جامعه کمک کند و حتی آنان که در صدد رفع تباهی از دیگران‌اند، در جهت رشد خود نیز تلاش کرده‌اند.

۱۶- وابستگی:

روابط گسترده و مناسبات عدیده ی بشر در دنیای نوین موجب شده است که انسان ها به دلایل گوناگون و یا با اهداف مشترک ، تحت عناوین گوناگون از قبیل سازمان ، گروه ، حزب ، هیأت ، اتحادیه و یا هر نام دیگری ، سرنوشت سیاسی، اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و حتی عقیدتی خود را به دیگران پیوند بزنند . در چنین حالتی ، موفقیت و شکست در فعالیت اعضا به همگی بر می گردد ، یعنی این که تعلق و وابستگی گروهی مبنای بسیاری از رفتارها در جامعه می شود . به عبارت دیگر ، آن چه موجب یک عمل می شود ، تصمیم جدی بر مبنای منافع گروهی است . در این حالت ، رسیدن به موفقیت فوری تر و قوی تر از نوع و شکل عمل خواهد بود . به بیان دیگر، ارزش های دینی در رتبه ی مؤخر از ارزش های تعریف شده ی گروه قرار می گیرد . از سوی دیگر ، در موارد بسیاری ، منافع گروه ایجاب می کند که اعضا بر گناهان و رفتار های غیر اخلاقی و غیر دینی یک دیگر سرپوش گذارد، چرا ؛ که تضعیف یک فرد از گروه و یا افشای منکرات او ، موجب تضعیف سازمان و گروه شده و منافع جمع را با خطر مواجه می سازد .

۱۷- عدم رعایت درجات امر به معروف و نهی از منکر:

چنان چه می دانیم بعضی از معروف ها نسبت به بعضی دیگر حالت علی داشته و علت آن ها به حساب می آیند . اگر معروف ها را به ترتیب اولویت ، طبقه بندی کنیم ، قطعاً بعضی در طبقات اصلی و علت قرار می گیرند و بعضی در طبقات پایین تر و معلول . بدون شک اگر وقت خود را صرف معروف ها کنیم ، اولاً: به لحاظ اهمیت آن ، عده ی بیشتری را با خود همراه کرده ایم و تأییدات عام تر و قوی تری خواهیم داشت . ثانیاً: چون که صد آمد، نود ، هم پیش ماست . یعنی بدون صرف انرژی و وقت زیاد، به خیلی از معروفات رسیده ایم . همچنین است در مبارزه با منکرات . با توجه به وقت و توان و امکانات محدود و محدود، حتماً باید به سراغ منکرات ریشه ای و علی رفت تا با مبارزه ی با آن ها ، منکرات معلولی ، خود به خود از بین رفته و نابود شوند . عدم توجه به این مهم باعث استهلاک و فرسایش نیروها ، کندی فعالیت و بی نتیجه بودن و ... خواهد شد .

فصل هفتم

شبهات و بهانه های واهی و پاسخ آنها

اهداف شناختی، انگیزشی و رفتاری فصل هفتم :

فراگیر با فراگیری مفاد و محتوای این فصل، با برخی از شبهات وارد شده بر امر به معروف و نهی از منکر آشنا می شود و خود را نسبت به مبتلا شدن به آنها حفظ می کند و فی الجمله می تواند برای آنها، پاسخ علمی و تجربی داشته باشد. در پایان می بایستی به سوالاتی در این زمینه که مطرح می شود پاسخگو باشد.

فصل هفتم: شبهات و بهانه های واهی و پاسخ آنها

۸-۱- برخی از شبهات مطرح شده در زمینه امر به معروف و نهی از منکر و پاسخ اجمالی آنها به شرح زیر می باشد:

۱- آیا امر به معروف موجب سلب آزادی است؟

به طور مسلم زندگانی دسته جمعی برای افراد بشر فوائد و برکات فراوانی دارد و حتی این نوع مزایا انسان را وادار به زندگانی اجتماعی کرده است، ولی در مقابل آن، محدودیت هائی نیز برای او ببار می آورد، و چون در برابر فوائد بیشمار زندگی دسته جمعی ضرر این نوع محدودیت ها جزئی و ناچیز است لذا بشر از روز اول تن به زندگی اجتماعی داده و محدودیت ها را پذیرفته است، و از آنجا که در زندگی اجتماعی سرنوشت افراد بهم مربوط است، و به اصطلاح افراد اجتماع در سرنوشت یکدیگر اثر دارند حق نظارت در اعمال دیگران حق طبیعی و خاصیت زندگی دسته جمعی است. بنابراین انجام این فریضه نه تنها با آزادیهای فردی مخالف نیست، بلکه وظیفه ای است که افراد در مقابل یکدیگر دارند.

۲- آیا امر به معروف تولید هرج و مرج نمی کند؟

سؤال دیگری که در اینجا مطرح می شود این است که: هر گاه بنا شود که همه مردم در وضع اجتماع دخالت کرده و بر اعمال یکدیگر نظارت کنند، تولید هرج و مرج و برخوردهای مختلف در جامعه می گردد، و با مسأله تقسیم وظائف و مسئولیتها در اجتماع مخالف است.

در پاسخ این سؤال باید گفت که امر به معروف و نهی از منکر دارای دو مرحله است، مرحله نخست که جنبه عمومی دارد (و اکنون مطابق نظر ولی فقیه، مرحله قلب و لسانی تعیین شده)، شعاع آن محدود است، و از تذکر و اندرز دادن و اعتراض و انتقاد نمودن و مانند آن یعنی امر و نهی لسانی تجاوز نمی کند، مسلماً یک اجتماع زنده باید تمام نفراش در برابر مفاسد دارای چنین مسئولیتی باشند و همگان برای احیای این واجب فراموش شده قیام کنند. ولی مرحله دوم که مخصوص جمعیت معینی است و از شؤون حکومت اسلامی محسوب می شود، قدرت بسیار وسیعی دارد، به این معنی که اگر نیاز به شدت عمل و حتی قصاص و اجرای حدود باشد این جمعیت (که هم اکنون در دستگاه حکومت اسلامی در قالب قوه قضائیه و نیروی انتظامی و نظامی تعریف شده اند) اختیار دارند که زیر نظر حاکم

شرع و متصدیان حکومت اسلامی انجام وظیفه کنند. بنابراین با توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر، و حدود و مقررات هر یک از آنها، نه تنها هرج و مرجی در اجتماع تولید نمی شود، بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده و فاقد تحرک بیرون آمده به یک جامعه زنده تبدیل می گردد.

۳- آیا امر به معروف از روحیه خشونت گرایی رواج نمی دهد.

روش پیامبر (ص) و سیره ائمه هدی (علیهم السلام) نشان می دهد که آنها به هنگام اجرای این دو وظیفه آنها را با نهایت لطف و محبت می آمیختند، و به همین دلیل سرسخت ترین افراد به زودی در برابر آنها تسلیم می شدند لذا در انجام این فریضه الهی و دعوت به سوی حق و مبارزه با فساد، نباید دلسوزی و حسن نیت و پاکی هدف را فراموش کرد، و جز در موارد ضرورت از راههای مسالمت آمیز وارد شد، نباید انجام این وظیفه را مساوی با خشونت گرفت.

۸-۲- بهانه های واهی برای فرار از امر به معروف و نهی از منکر کردن :

۱- باید کار فرهنگی کرد! باید فرهنگسازی کرد!

❖ سوره مبارکه آل عمران، یدعون الی الخیر کار فرهنگی است. اما بلافاصله می فرماید: ویامرون بالمعروف وینهون عن المنکر!

❖ کار فرهنگی خوب است و لازم است. منبر و نشریه و فیلم و سایت و همایش و سایر مصادیق کار فرهنگی. اما اینها انجام نشده؟! آنچه انجام نشده، بخش دوم است.

❖ کار فرهنگی و امر به معروف و نهی از منکر دو بال هستند برای پرواز.

❖ خیلی ها دارند کار فرهنگی میکنند؛ شاید چند هزار نفر. ولی چند نفر دارند امر به معروف میکنند؟ امر به معروفی که واجب شرعی هم هست!

❖ کار فرهنگی وسیله پیشگیری از وقوع گناه است. اما گناه که ایجاد شد، دیده شد، بلافاصله باید امر به معروف و نهی از منکر کرد.

❖ کار فرهنگی واکسن است. امر به معروف دارو است. به بیمار که واکسن نمیدهند! دارو میدهند. تازه با وجود این همه کار فرهنگی در نظام اسلامی، برخی مردم، خود را در معرض کار فرهنگی قرار نمیدهند. پای منبر نمیروند. شبکه قرآن را نمی بینند. کتاب و مقاله و شعر مذهبی نمیخوانند. (واکسن نمیزنند) دائم دنبال ماهواره های نجس هستند. خب حالا این بیمار می شود. علاجش چیست؟ کار فرهنگی؟ هرچقدر هم کار فرهنگی کنی، این خودش را در معرض کار فرهنگی قرار نمیدهد. راه علاج، دستور خداست. امر به معروف

و نهی از منکر. هرکس هر جا این را در حال گناه دید، بهش بگوید که این کار غلط است و گناه است.

۲- حکومت کجاست؟ باید حکومت با دستور العمل و زور، جلوی فساد رو بگیره.

❖ همه چیز با زور و دستور نمیشه. باید گناهکارها بفهمند که فقط حکومت نیست که امر به حجاب و نماز و اسلام میکنه. مردم هم این رو از من میخواهند. خود مردم باید بیایند به صحنه.

❖ همیشه ما بشینیم ساکت؛ و از ولی خدا توقع داشته باشیم که همه کارها رو با دستور درست کنه.

❖ وقتی معلم به شاگرد امر کند، اثر روانی بیشتری دارد یا وقتی چندتا از شاگردان به یک شاگرد امر کنند؟ البته اینها در کنار هم لازم است.

❖ ما الان مشکل قانون نداریم، دستور العملها هستند لکن این مردم هستند که امر و نهی نمی کنند.

۳- اینا میدونن کارشون گناهه؛ جاهل نیستن!

❖ امر به معروف هم بهترین استفاده اش همین جاست. کسانی که میدونن کارشون گناهه و باز هم انجام میدن. اینارو باید با امر به معروف و نهی از منکر، کمکشون کرد و جلوشون رو گرفت. * اصلاً تذکر یعنی یادآوری. یعنی خودش میدونه. ما فقط یادش می اندازیم. تذکر میدیم.

۴- ما چی کاره ایم؟! ما که کارت و مجوز نداریم! که! چرا بهشون تذکر بدیم؟

❖ ما مسلمانیم. مگه برای نماز خوندن کسی به شما باید کارت و مجوز بده؟! اطاعت خدا و انجام واجب خدا، کارت و مجوز میخواد؟!

۵- ما کوچیکتریم. سن ما کمه. حرف ما رو گوش نمیدن.

❖ در سوره لقمان(ع)؛ آن حضرت به فرزندشون (پسرک) دستور میدن که امر به معروف و نهی از منکر کن. امر به معروف، سن و سال و جنس و ... ندارد.

❖ ما توقع نداریم حرفمون رو گوش بدن. ما وظیفه داریم بگیریم. احتمال تاثیر هم همه جا هست. اگر تاثیر رو متوجه نشدید بدویند که تاثیر فقط در همون لحظه نیست.

۶- اینقدر گرفتاری های دیگه دارم که به امر به معروف نمیرسم!

❖ همه گرفتاری‌ها از بی‌اخلاقی و بی‌ایمانی مردم جامعه است. یعنی بیماری ضعف ایمان. درمانش در قرآن بیان شده: امر به معروف و نهی از منکر. وقتی بشه یک فرهنگ عمومی، همه گرفتاری‌ها آسون حل میشه.

۷- ما که زورمون نمیرسه جامعه رو درست کنیم! گناه خیلی زیاد شده.

❖ هدف ما از امر به معروف و نهی از منکر درست کردن جامعه نیست، ما وظیفه شرعی و واجبمون رو انجام میدیم. * چون زورمون نمیرسه ولش کنیم؟ چون رفته کما، دستگاہاش بیمارستانی رو قطع کنیم بمیره؟ چون گوشش کر شده، بزنیم چشمش رو هم کور کنیم؟ باید امر به معروف کرد که لااقل وضع از این بدتر نشه.

❖ مرحوم آیت الله حق شناس (ره): ((شما امر به معروف و نهی از منکر بکنید؛ خدا خودش جامعه را درست خواهد کرد.)) یعنی خدا فقط میخواد ببینه که ما داریم تلاشمون رو میکنیم. خودش کمک میکنه.

❖ اگر خداوند یک نفر را به دست ما هدایت کند، از تمام دنیا و هر آنچه در آن است برای ما بهتر است.

۸- دوست داره این کارو بکنه؛ دلش میخواد اینطوری باشه؛ شوهرش (یا باباش) هم راضیه؛ میگه من شوهرشم به شما چه؟

❖ خدا دوست نداره.

❖ خیلی چیزها هست که آدم دوست داره ولی برایش بده. عسی أن تحبوا شیئاً و هو شرٌّ لكم.

❖ من میزنم توی گوش شما؛ بابام هم راضیه!! به باباش یا شوهرش چه ربطی داره؟ حکم خدا رو زیر پا گذاشته. مگه باباش میبردش بهشت و جهنم؟ تازه اون بابا رو هم باید امر به معروف کرد!

۹- خیلی‌ها از اینا بدترن! گناههای بزرگتر از این هم هست.

❖ کسی که سرما میخوره، نباید درمان کنه؟ چون سرطان هم هست؟! * همین گناه‌های کوچیک هم اگه مهار نشه، تبدیل میشه به گناه‌های بزرگ.

❖ گناهکارهای بزرگ را هم ما امر به معروف و نهی از منکر میکنیم. هم به اونا تذکر میدیم هم به اینا.

۱۰- بذار خوش باشن بابا. بذار جوانی کنند. ما باید مهربون باشیم.

❖ به این لذت‌های کوچولو می‌گن خوشی؟ اینها اگه بدونن چه لذت‌های والایی در عالم هست! منم می‌خوام اینا رو به خوشی برسونم؛ لذت‌های واقعی و بزرگ. * جوونی کنند؟ کی گفته جوانی کردن یعنی گناه کردن؟! مهربانی اینه که دست آدما رو بگیریم تا زمین نخورن.

۱۱- ما خودمون هنوز خیلی ایراد داریم. خودمون گناهکاریم.

❖ هم زمان که خودمون رو باید درست کنیم، باید در راستای اصلاح جامعه هم کار کنیم. این دو، لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

❖ پیامبر (ص) فرمودند: امر کنید به معروف حتی اگر خودتان در همان معروف می‌لنگید؛ و نهی کنید از منکر حتی اگر خودتان مبتلای به آن هستید. امام راحل (ره) فرمودند: در امر به معروف نه عدل شرط است نه عمل.

❖ البته اگر خودمان هم عامل باشیم، اثر تذکرمان بیشتر میشود. این یک بحث اخلاقی است. اما فقه اسلام می‌گوید واجب است بگویی حتی اگر خودت عامل نیستی. یعنی نباید مشروط و متوقف کرد به عاملیت.

۱۲- باید از خانواده شروع کرد.

❖ اولویت خانواده به این معناست که به آنها بیشتر دقت و نظارت کنیم. نه اینکه اگر بیرون از خانه گناهی دیدیم، تذکر ندهیم! همه جا باید تذکر داد و نظارت کرد؛ در خانواده با دقت و ملاحظت بیشتر.

۱۳- امام زمان میاد؛ درست میشه.

❖ مهمان که دعوت میکنید، شستن ظرفها و جارو کردن خانه را میگذارید مهمان بیاید انجام دهد؟! باید امام زمان (عج) ببینند که ما ولی خدا را تنها نمیگذاریم و سهم خودمان را در اصلاح جامعه انجام میدهیم. اگر مردم همچنان بی تفاوت بمانند، ظهور هم به تاخیر خواهد افتاد. یکی از راههای تعجیل ظهور همین است که مردم سهم خودشان را برای اصلاح جامعه انجام بدن.

۱۴- خجالت می کشیم؛ حیا میکنیم. رومون نمیشه. رودربایستی داریم.

❖ حیا خوبه اما این حیا نیست. کسی که داره خودش و جامعه رو آلوده میکنه، نباید در مقابلش خجالت بکشی! اون داره غرق میشه؛ داره عده ای را هم باخودش غرق میکنه! باید نجاتش داد.

۱۵- پلیس و دادگاه از ما حمایت نمیکنه

❖ خب نکنه! البته قوانینی برای حمایت وجود داره. اما جزء شرایط وجوب امر به معروف که حمایت پلیس نیست. پلیس هم مثل بقیه انسان هاست و ممکنه اشتباهاً از طرف مقابل دفاع کنه. از امام حسین(ع) کی دفاع میکرد؟ با این بهانه ها واجب ، ساقط نمیشه.

❖ ان... یدافع عن الذین آمنوا

۱۶- بابام راضی نیست تذکر بدم؛ شوهرم اجازه امر به معروف نمیده.

❖ واجب یعنی چی؟! رضایت پدر و همسر را باید جلب کرد اما اگر بگوید نماز نخوان یا فلان واجب را انجام نده، شما باید چه کنی؟؟ امر به معروف و نهی از منکر واجب شرعی است. واجب خداست.

۱۷- شأن ما میاد پایین. کلاسمون میاد پایین.

❖ شأن ما نزد خدا نیاد پایین.

❖ کلاس امام حسین(ع) اومد پایین؟ اتفاقاً امر به معروف، بخاطر استقلال فکری که از شما در چشم مخاطب ایجاد میکنه، عزت شما رو می بره بالا.

❖ خیلی از علما انجام میدن. هر جا گناهی رو می بینن تذکر میدن. خیلی هاشون هم شاید نمیگن. اصلاً برای همینه که مقام معظم رهبری درباره امر به معروف می فرمایند ((واجب فراموش شده)).

❖ حداقل در مرحله عمل انجام نمیدن. حالا اگه یه روز عده ای از علما نماز نخوانند، شما نماز نمیخوانی؟

❖ دیگران شروع کنند؟ شما هم جزء همین دیگران هستی.

❖ پیامبر(ص) فرمودند وقتی امت من امر به معروف و نهی از منکر را به دوش یکدیگر بیاندازند، باید منتظر عذاب خدا باشند! شما واجب رو انجام بده؛ بقیه رو هم تشویق کن به انجام.

۱۸- من نمیتونم عصبانیت رو کنترل کنم؛ طرف جواب بده، می زنش!

❖ یکی از برکات امر به معروف، خودسازیه. سعی کن کظم غیظ کنی و به خودت مسلط بشی. * من چون وضو بلد نیستم، نماز نمیخونم!!! این حرفه؟؟! نه خداوکیلی این حرفه آخه؟! * تحصیل مقدمات واجب، واجب است.

۱۹- اگه بخوایم امر به معروف کنیم، باید از صبح تا شب به همه تذکر بدیم که!

❖ زلزله یا بیماری مسری که شایع میشه و بحران میشه، هر قدم می بینی یه مجروح افتاده. چون زیادن و لشون کنیم بمیرن؟؟

- ❖ امیرالمومنین (ع) فرمودند: هر کس گناهکار رو ببیند و تذکر ندهد، انگار مجروحی رو کنار جاده رها کرده تا از خونریزی بمیره!!
- ❖ نگران وقت هستی؟ خدا جبران میکنه. امیرالمومنین (ع) فرمودند: امر به معروف و نهی از منکر، مرگ کسی را نزدیک نمیکند و روزی کسی را هم کم نمیکند.
- ❖ نگران وقت هستی؟ مقام معظم رهبری فرمودند که لازم نیست سخنرانی بکنیم برای گناهکار، یک کلمه تذکر می دهیم و می رویم. *بعدشم خدا به وقت برکت میده. سه روز باید دنبال یه کار اداری بری؛ خدا برات یه ساعته ردیف میکنه. امتحان کن.
- ۲۰- اینا دیگه گرفتار شدن بابا! کارشون از نصیحت و تذکر گذشته.
- ❖ ما واجبمون رو انجام میدیم. نتیجه با خداست. و لله عاقبه الامور. ماهی رو هروقت از آب بگیریم؛ تازه است. جلوی ضرر را هر وقت بگیریم، منفعته.
- ۲۱- اگر امر به معروف کنم، اخراج میکنند؛ حقوقم رو کم میکنند.
- ❖ امیرالمومنین (ع) (نهج البلاغه): امر به معروف دو خلق خدا هستند که نه رزق کسی را کم میکنند و نه مرگ کسی را نزدیک می کنند. در احادیث داریم: مبادا رزق مقسوم، شما را از انجام واجب باز دارد.
- ۲۲- من تقیه میکنم.
- ❖ خوبی آقا؟؟ خانواده خوبن؟؟ میدونی تقیه چیه؟ مال کجاست؟ چه خبرا؟ بیشتر مطالعه بفرمایید لطفا.
- ۲۳- ممکنه با گفتن ما، از دین زده بشه و دفع بشه.
- ❖ ممکنه با گفتن ما، از دین زده بشه و دفع بشه.
- ❖ وقتی پزشک دندان شما رو میکشه و درد میگیره، از دندانپزشکی زده میشید؟ دفع میشید؟ درمانه آقا! لازمه.
- ۲۴- این آدم گناهکار، خیلی از کارهاش از من بهتره.
- ❖ ما از کارهای خوبش نهی نمیکنیم. قطعاً در خیلی موارد ممکنه که اون از ما بهتر باشه؛ اما در این یک مورد (مثلاً بدحجابی یا دروغ یا...) داره گناه میکنه و باید بهش تذکر داد.
- ۲۵- مگه گناه فقط بدحجابیه؟ این همه گناهان بزرگتر هست!
- ❖ کی گفت گناه فقط بدحجابیه؟! البته بدحجابی گناه بزرگیه و مقدمه بسیاری از گناهان کبیره است مثل نگاه حرام و زنا و لواط و سقط جنین و خیانت و قتل و ...
- ۲۶- ما قدرت نداریم.

- ❖ قدرت، شرط نیست. هرچقدر قدرت داریم، همون میزان باید جلوی گناه رو بگیریم.
۲۷-صلاح مملکت خویش خسروان دانند.
- ❖ اولاً صلاح رو خدا میدونه که خالقه. ثانياً گناهکار داره به آزادی من هم تجاوز میکنه، بدحجابی هم مثل سیگار، جامعه رو آلوده میکنه. همه گناه ها روی جامعه هم اثر میذارن.
۲۸-خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو!
- ❖ یعنی اگه همه سیگار بکشن، ما هم باید بکشیم؟ همه خودشون رو از پشت بام پرت کنند پایین؛ ما هم باید پرت کنیم آره؟
- ❖ نهضت کربلا میگوید: خواهی نشوی هم‌رنگ، رسوای جماعت شو. قرآن کریم میفرماید:
اکثرهم لایتفکرون؛ اکثرهم لا یعقلون .
۲۹-من امر به معروف را بلد نیستیم :
- ❖ چون نماز رو بلد نیستم، نمیخونم!! میشه؟ واجب آقا! باید زود بری یادگیری و شروع کنی به انجام دادن. رهبر انقلاب: باید بروید یاد بگیرید.
۳۰-ما نباید فضولی کنیم ؛ نباید تجسس کنیم.
- ❖ خیرخواهی فضولی نیست. ما تجسس نمیکنیم. ولی وقتی گناه دیده شد، امر به معروف و نهی از منکر، واجب میشه.
۳۱-امر به معروف توی قانون نیامده. یه کار خلاف قانونه.
- ❖ اصل هشتم قانون اساسی تاکید کرده که همه مردم باید امر به معروف و نهی از منکر کنند.
❖ بند هفتم سند چشم انداز هم به این موضوع اظهار کرده.
❖ برید جلوی اختلاس و دزدی رو بگیرید! صداوسیما رو درست کنید
❖ بله اونها رو هم باید امر به معروف و نهی از منکر کرد. شما هم باید این کارو بکنید. هم باید به مردم تذکر داد هم به مسئولین. هردوباهم.
- ۳۲-ما دائم مشغول قرآن و دعا و هیأت و زیارت و(اعمال خیر) ... هستیم
- ❖ اینها همه مستحب است. امر به معروف و نهی از منکر واجب است. تا واجب روی زمین است، سراغ مستحب نروید!
۳۳-ما گفتیم و اثرش را ندیدیم
- ❖ اثر، همیشه لحظه ای نیست. خیلی وقت ها هست که اثر در آینده رخ میده و ما نمی بینیم. کمترین اثر امر به معروف و نهی از منکر این است که گناه در ذهن گناهکار همچنان زشت می ماند.

۳۴- امروز گفتیم؛ فردا چی؟

- ❖ امروز دستمون رو بشوریم ممکنه فردا هم دستمون کثیف بشه؛ پس نشوریم؟
- ۳۵- این واجب، کفایی است ۵۶ میلیون ایرانی، چند میلیونشون امر به معروف می کنند؟
- ❖ البته برخی علما معتقدند که واجب عینی است. ولی به فرض کفایی بودن، باید عده ای این واجب را انجام بدهند تا از شما ساقط شود. یا شما باید انجام بدهی تا از من ساقط شود.
- ۳۶- دین که زوری نمیشه! خدا فرموده لا اکراه فی الدین
- ❖ همان خدا که این را فرموده، خودش هم در قرآن امر به معروف را فرموده. آن را دیدی؟ این را ندیدی؟ ضمناً این شبهه تازه ای نیست. هزارساله این شبهه هست. جوابش را هم خیلی ها داده اند؛ شما هنوز جواب این شبهه ساده را نمی دانید؟ این آیه ادامه نداره؟ قد تبیین الرشد من الغی. یعنی باور دین استدلالی است. به زور نمیشود بگویی خداهست. استدلال منطقی و عقلی می آوری.
- ۳۷- این ها جاهل اند. نادان اند. نمیدانند. لازم نیست امر به معروفشان کنیم.
- ❖ اولاً با این حجم کارهای فرهنگی و تبلیغات دینی، آنهایی که جاهل باشند، مقصّر هستند لکن با فرض جاهل بودن، وظیفه ما آگاه کردن آنهاست. میگوییم تا آگاه شود.
- ۳۸- پدر و مادر را نباید رنجاند؛ پس آنها را نباید امر به معروف کرد؟
- ❖ نباید رنجاند اما باید در رفتن راه خدا به آنها کمک کرد. آنها را هم باید امر به معروف و نهی از منکر کرد؛ البته احترام و ادب باید بسیار رعایت شود.
- ۳۹- حریم خصوصیشه. ما چی کار به حریم خصوصی مردم داریم؟
- ❖ هر جا که آن جا را عموم نگاه کنند، حریم عمومی است. لذا امثال پشت بام و بالکن منازل و داخل خودرو، حریم خصوصی نیست. بلکه عمومی است.
- ۴۰- چرا حالا بعد از سی سال یاد امر به معروف افتادید؟
- ❖ اولاً پیش از انقلاب و اوایل انقلاب تاکنون تالیفات و کارهای بسیاری در این حوزه انجام شده.
- ❖ امام راحل(ره) و رهبر انقلاب(مدظله) هم بیشترین اهتمام و سخنرانی های بسیاری در این باره دارند.
- ❖ ستاد های احیا هم که فعال هستند. اون کسی که مقصره و کم کاری کرده، مردم هستند.
- ❖ حالا هم ماهی رو هروقت از آب بگیری، تازه است. بجمب تا دیرتر نشده!
- ❖ جلوی ضرر را هروقت بگیری منفعت و سود است.
- ۴۱- بخوام امر به معروف کنم، ریا میشه؛ میشه جانماز آب کشیدن

❖ آقا جان! همان خدایی که میگه ریا نکن؛ همان خدا امر کرده و دستور داده و واجب کرده که شما امر به معروف کنی و نهی از منکر.

❖ شماها برای چشم چرانی میرید امر به معروف می کنید!

❖ خوبی آقا؟ چه خبر؟ این چندتاست؟ بیداری؟! آخه پروفیسور! کسی که بخواد چشم چرونی کنه، خب میره چشم چرونی کنه میکنه دیگه! چه نیازی هست که پشت امر به معروف قایم بشه؟! شبهه قحط بود؟

۴۲- می ترسیم. فحش میدهند؛ کتک میزنند؛ میگن امل!

❖ اون باید بترسه که داره گناه میکنه. *مقام معظم رهبری فرمودند: (حالا کسی دوتا فحش هم به شما بدهد؛ برای خاطر امر خدا تحمل کنید.) همه پیامبران کتک خوردند و دشنام شنیدند. ما چندتا سیلی برای دین خوردیم؟ *ضمناً توفیق کتک خوردن برای دین را به هرکسی نمیدهند! نگران نباش! تازه! اگر از شیوه (بگو و برو) استفاده کنیم، کتک نمیخوریم. چون اصلاً نمی ایستیم. سریع میریم.

۴۳- از تذکر ما دلخور میشن! ناراحت میشن!

❖ آمپول درد داره اما هم برای بیمار خوبه؛ هم برای اینکه زود خوب بشه و اطرافیان دچار اون بیماری نشن. کسی که داره جامعه رو آلوده میکنه، کسی که یک بیماری مُسری داره، گاهی باید قرنطینه اش کرد. بین ناراحتی فرد و ناراحتی جامعه، کدام رو باید انتخاب کرد؟ تازه بعدها که به حرف ما برسه، خودش هم خوشحال میشه.

۴۴- اثر نداره!

❖ اثر یعنی چی؟ یعنی تا تذکر دادی، همون لحظه درست بشه؟ این توقع رو داری؟! این توقع بیجاست. اثر یعنی هرکس یک نفر بهش بگن، ده نفر بگن،... بالاخره درست میشه. سهم ما یک امر و نهی است.

❖ سر سفره غذا، در شیشه آبلیموباز نمیشه؛ بی خیال میشی؟ نه! میدیم نفر بعدی امتحان کنه. نشد؛ بعدی. بالاخره باز میشه.

❖ مقام معظم رهبری: برخی گفته اند باید احتمال اثر وجود داشته باشد. من میگویم احتمال اثر همه جا قطعی است... بگوید تا آثارش را ببینید

❖ مگه قیام امام حسین(ع) اثر داشت؟ حضرت توانست حکومت یزید را نابود کند؟! ... اثر فقط همان لحظه نیست.. بسیاری از اعمال دینی امروز ما از اثر قیام امام حسین(ع) است. بیداری اسلامی؛ بقای اسلام؛ ... اینها همه اثر است.

- ❖ امام راحل^(ره) می فرمایند حتی اگر یک درصد تاثیر داشته باشد، واجب است بگویید.
- ❖ حتی درجایی که معروف و منکر دارد جایجا میشود (ارزش و ضد ارزش) امام^(ره) می فرمایند اصلاً نباید به فکر اثر باشید.
- ❖ بگویید! ضمناً ما مکلفیم به انجام وظیفه. نه نتیجه. نتیجه و تأثیر هم فقط اصلاح در لحظه نیست.
- ۴۵- کار از کار گذشته؛ از ما گذشته؛ کار جامعه از این حرفها گذشته!
- ❖ شما بیشتر می فهمی یا خدا؟! خدا دستور داده که امر به معروف و نهی از منکر واجب است برای نجات جامعه. * شما راهکاری بهتر از راهکار خدا دارید؟!
- ❖ ضمناً ماهی رو هروقت از آب بگیری، تازه است.
- ۴۶- هرکسی اعتقادات خودش رو داره؛ به باورهای همه احترام بذاریم؛ هرکی یه جوری دوست داره!
- ❖ یه کسی سیگار میکشه فوت میکنه توی صورت شما؛ شما باید نفس نکشی؟ یا اون باید دست از این کار برداره؟
- ❖ آزادی تا کجا؟ تا جایی که به آزادی دیگران تجاوز نشه. من حق ندارم به اسم آزادی حقوق شما رو زیر پا بذارم. تازه این تعریف آزادی در لیبرالیسمه؛ در اسلام از این هم دقیق تر تعریف شده.
- ❖ گناه در خلوت، فقط به گناهکار ضرر میزنه. ولی وقتی علنی شد، به همه جامعه ضربه میزنه.
- ❖ کی گفته باید به باورهای همه احترام گذاشت؟ پس به باور شمر و یزید هم باید احترام گذاشت؟ هرکی یه جور دوست داره اما حقیقت یک چیز ثابتنه. حق یک چیزه. نه چند چیز.

فصل هشتم

پاسخ به عکس العمل ها

اهداف شناختی، انگیزشی و رفتاری فصل هشتم :

فراگیر با فراگیری مفاد و محتوای این فصل، با نوع عکس العمل مخاطبین و نحوه پاسخگوئی به آنها آشنا می شود و برای ایجاد توانمندی در خود جهت پاسخگویی علاقه نشان می دهد و فی الجمله می تواند برای آنها پاسخ علمی و تجربی ارائه دهد. در پایان نیز می بایستی به سوالاتی در این زمینه که مطرح می شود پاسخگو باشد.

فصل هشتم: پاسخ به عکس العمل ها

نمونه هایی از عکس العملهای مخاطبین بعد از دریافت امر یا نهی و پاسخ آنها به لفظ مرسوم به شرح زیر میباشد:

۱- به خودم مربوط می شه!

من و تویی نداره، ما همه عضو یک جامعه هستیم و اگر اشکالی در کسی باشد به همه مربوط می شود.

اشکال اگر در کسی باشد به همه مربوط می شود و الا جامعه دچار لغزش و گرفتاری می شود و همه گرفتار خواهیم شد.

۲- عیسی به دین خود؛ موسی به دین خود؛ ما را که در قبر شما نمیگذارند؛ هرکسی کار خودش...!

دین عیسی و موسی (علیهما السلام) یکی است. هر دو صحبت از تسلیم در برابر امر خداست.

۳- برید خودتونو درست کنید!

چشم خودمونم درست میکنیم. شما هم خودتونو درست کنید.

خودسازی همزمان با دگرسازی.

بعدشم شما با رواج دادن گناه در جامعه، نمیذارید ما مردم خودمون رو درست کنیم که!

۴- ما باید نگاهمون رو کنترل کنیم؛ مردها نگاه نکنند. تونگاه نکن!

بله. ولی بقیه چی؟ من نگاه نمیکنم. بقیه هم نگاه نمیکنند؟ حتی اگر هیچکس هم نگاه نکنه، بدحجابی شما به تنهایی گناهه.

توی خیابون یه کسی دستش رو گذاشته روی بوق ماشین! ول نمیکنه! همه باید گوشاشون رو بگیرن؟؟؟ یا اون باید دستش رو از بوق برداره؟

کسی کنار شما سیگار میکشه. همه باید دماغشون رو بگیرن و نفس نکشن و برن اون طرف؟؟؟ یا اون باید سیگار نکشه و بره اون طرف؟

۵- نباید مزاحم مردم شد!

خیرخواهی مزاحمته؟

ما هم میخوایم جلوی کسانی رو بگیریم که با گناهشون مزاحم مردم میشن. با تذکر جلوشون رو میگیریم که دیگه جامعه رو آلوده نکنند و مزاحم آزادی معنوی مردم نشن.

۶- آزادیه؛ هرکس باید آزاد باشه!

✓ آزادی تا چه حد؟ تا کجا؟ بزنه توی گوش شما، بگه آزادیه؟ آزادی تا جایی معنا داره که به آزادی دیگران تجاوز نکنه. تازه این تعریف آزادی در لیبرالیسمه؛ در اسلام از این هم دقیق تر تعریف شده. خانم بدحجاب یا آقای شارب خمر، داره به آزادی دیگران تجاوز میکنه.

✓ قایق رو داره سوراخ میکنه. جلوییش را نگیریم به بهانه اینکه آزاده؟ همه جامعه با هم غرق میشن!

✓ اگر اون آزاده که هرگناهی میخواد بکنه؛ منم آزادم که یک کلمه تذکر بدم. فقط اون آزاده؟! اگر آزادیه، منم آزادم که بگم.

۷- آزادم دلم می خواهد!

✓ چرا خواست دلتان با خواست خدا در تقابل است آنهم خدایی که عاشق ترین است نسبت به من و شما. این ادبیات هیچ شباهتی با ادبیات یک انسان فهیم یا یک دانشجو ندارد. این کلام افراد بی فرهنگ و بی بندوبار است.

✓ چرا فقط خودت آزاد باشی و آزادی دیگران را سلب کنی. آزادی ناحق تو، آزادی مردان مومن را می گیرد.

✓ بله در انتخاب آزادی اما وقتی دین اسلام را قبول کردی، دیگر باید در مقابل دستوراتش بگویی چشم.

✓ هرکشوری قانون و مقررات خودش را داره، آزاد به هرکاری نیستی.

۸- بروپی کارت!

✓ کار من و تو به یکجا گره خورده، چون ذات من و تو از یکجاست.

✓ کارم تویی، کارم ارشاد و راهنمایی توست.

۹- به کسی مربوط نیست. به خودم مربوطه!

✓ به خدا که مربوطه! اگه گناه در خفا بود؛ شاید به خودش فقط ضرر میزد. اما این گناه علنی داره انجام میشه (حتی در جمع دونفر) پس این فقط به گناهکار آسیب نمیزنه؛ جامعه رو آلوده میکنه. پس به همه مربوطه.

✓ وقتی خداوند واجب کرده، یعنی به همه مربوطه، خیلی هم مربوطه!

۱۰- گناه، یک مسأله شخصیه!

✓ شخص و جامعه با هم مرتبط است لذا آتش گناه شخص تو دامن جامعه که من هم در آن زندگی میکنم می گیرد.

✓ تا وقتی شخصیه که به تنهایی و در خلوت انجام بشه (تازه بعضی گناها تنها هم انجام بشه، به جامعه ضرر میزنه) ولی وقتی گناه ظاهر بشه در جامعه، برای همه ضررداره. شخصی نیست.

۱۱- قلبت پاک باشه!

✓ از کوزه همان برون تراود که در اوست. * پاک یعنی چی؟؟ کسی که داره جوانان و جامعه رو به فساد میکشه، قلبش پاکه؟؟؟! این گناه، پاکی دلت رو خراب میکنه.

۱۲- من جهنم خودم رو میرم؛ تو هم بهشت خودت رو برو!

✓ تا ماشین سوار نشدی کسی جریمه ات نمیکنه. وقتی پشت فرمان نشستی، باید رعایت کنی. بعدشم آدم هر شبهه ای که ماهواره ها یادش میدن که نباید قرقره کنه!

✓ من به بهشت و جهنم شما کار ندارم که؛ من دارم درباره الان صحبت میکنم؛ الان نباید این گناه رو انجام بدی؛ من درباره آینده ات حرفی نزدم که!

✓ من دوست ندارم خواهر هم وطنم را توی آتش جهنم بینم و خودم بی خیال باشم، می خوام با هم تو بهشت بریم.

✓ من می خواستم کاری برای شما کرده باشم و تورا با خودم به بهشت ببرم عزیزم، حیف است تو بروی جهنم، بیا باهم به بهشت برویم.

۱۳- قرآن فرموده: لکم دینکم و لی دین!

✓ آیه اولش را ندیدی؟ می فرماید قل یا ایها الکافرون! ما داریم به مومنان نصیحت میکنیم. رحماء بینهم.

۱۴- لازم نیست مارا امر به معروف کنید!

✓ ما از شما دستور نمی گیریم بلکه از خدای خالق که مصلحت من و تورا می داند دستور می گیریم.

۱۵- مملکت صاحب داره!

✓ بله صاحب مملکت دستور داده که این واجب (امر به معروف و نهی از منکر) وظیفه همه است و باید انجام بشه.

✓ ما داریم امر صاحب مملکت را اجرا می کنیم.

۱۶- دوست دارم این کار را می کنم!

✓ آیا دوست داری به معشوق خودت خیانت کنی؟ خدا می فرماید لانهونوا الله به خدا که معشوق تو است خیانت نکنید.

۱۷- قلب آدم پاک باشد این کارها مهم نیست!

✓ قلب که پاک باشد عمل هم پاک خواهد بود. لذا این عمل زشت و گناه تو بیانگر قلب ناپاک است.

۱۸- نیازی به نصیحت ندارم!

✓ هر انسانی سرتاپا نیاز است. تنها خداوند بزرگ ذات بی نیاز است.

۱۹- دیگران بدتر از ما هستند!

✓ دستور قرآن این است که «قوانفسکم» شما خودتان را حفظ کنید. وقتی شما خودرا حفظ کردید دیگران هم به گناه آلوده نمی شوند. شما کار به بدتر بودن دیگران نداشته باید شما بدی خودتان را برطرف کنید.

۲۰- ما گرفتار شده ایم!

✓ اگر راست بگویند خود این آغاز بیداری تو است. کسی که بفهمد گرفتار شده تلاش می کند خودش را نجات دهد.

۲۱- تعصب نداشته باش.

✓ چرا نسبت به حرف خدا تعصب نداشته باشم؟ گناه ، جامعه رو آلوده میکند. فاسد میکند. خانواده های ما میخوان توی این جامعه زندگی کنند. به پاکی و آلودگی جامعه تعصب نداشته باشم؟

✓ این غیرت است ، تعصب نیست. این ادای تکلیف است ، تعصب نیست .

فصل نهم

قانون حمایت از آمران به معروف

اهداف شناختی، انگیزشی و رفتاری فصل نهم:

فراگیر با فراگیری مفاد و محتوای این فصل، با قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر آشنا و اطمینان قلب پیدا می کند که عمل او تحت حمایت قانون است. در پایان نیز می بایستی به سوالاتی در این زمینه که مطرح می شود پاسخگو باشد.

فصل نهم : قانون حمایت از آمران به معروف

شماره ۷۷۹۹/۴۶۷ مورخ ۹۴/۲/۹

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر حسن روحانی
رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران
در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون
حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر که با عنوان طرح دوفوریتی به مجلس شورای
اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۴/۱/۲۳ و تأیید
شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می‌گردد.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

شماره ۱۸۳۵۷ مورخ ۹۴/۳/۱۹

جناب آقای سینجلی جاسبی

رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی
با توجه به انقضای مهلت مقرر در ماده «۱» قانون مدنی و در اجرای تبصره ماده «۱» قانون مذکور،
یک نسخه تصویر «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر برای درج در روزنامه
رسمی ارسال می‌گردد

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

متن قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر

ماده ۱- در این قانون، معروف و منکر عبارتند از هرگونه فعل، قول و یا ترک فعل و قولی که به‌عنوان
احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین، مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد.
تبصره- در احکام حکومتی، نظر مقام ولی فقیه ملاک عمل خواهد بود.

ماده ۲- امر به معروف و نهی از منکر، دعوت و واداشتن دیگران به معروف و نهی و بازداشتن از منکر
است.

ماده ۳- امر به معروف و نهی از منکر در این قانون ناظر به رفتاری است که علنی بوده و بدون تجسس
مشخص باشد

ماده ۴- مراتب امر به معروف و نهی از منکر، قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی است که مراتب زبانی و

نوشتاری آن وظیفه آحاد مردم و دولت است و مرتبه عملی آن در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده تنها وظیفه دولت است.

ماده ۵- در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.
تبصره- اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست.
ماده ۶- هیچ شخص یا گروهی حق ندارد به عنوان امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه از قبیل توهین، افتراء، ضرب، جرح و قتل مبادرت نماید. مرتکب طبق قانون مجازات اسلامی، مجازات می‌شود.

ماده ۷- مجازات اشخاصی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت به امر به معروف و نهی از منکر نمایند، قابل تخفیف و یا تعلیق نیست و صدور حکم مجازات قابل تعویق نمی‌باشد.
تبصره- چنانچه مجنی‌علیه یا اولیای دم از حق خود گذشت نمایند، جنبه عمومی جرم حسب مورد مطابق ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم- تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲) و تبصره ماده (۲۸۶) از کتاب دوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ رسیدگی می‌شود.

ماده ۸- مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در چارچوب شرع و قوانین می‌توانند نسبت به مقامات، مسئولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، امر به معروف و نهی از منکر کنند.
ماده ۹- اشخاص حقیقی یا حقوقی حق ندارند در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مانع ایجاد کنند. ایجاد هر نوع مانع و مزاحمت که به موجب قانون جرم شناخته شده است؛ علاوه بر مجازات مقرر، موجب محکومیت به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت می‌گردد. در مورد اشخاص حقوقی، افرادی که با سوء استفاده از قدرت یا اختیارات قانونی و اداری از طریق تهدید، اخطار، توییح، کسر حقوق یا مزایا، انفصال موقت یا دائم، تغییر محل خدمت، تنزل مقام، لغو مجوز فعالیت، محرومیت از سایر حقوق و امتیازات، مانع اقامه امر به معروف و نهی از منکر شوند؛ علاوه بر محکومیت اداری به موجب قانون رسیدگی به تخلفات اداری، حسب مورد به مجازات بند (پ) ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

تبصره- وجوه حاصل از اجرای این ماده پس از واریز به خزانه کل کشور با پیش‌بینی در بودجه سالانه صددرصد (۱۰۰٪) در اختیار ستاد قرار می‌گیرد.

ماده ۱۰- وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان بسیج مستضعفین، شهرداری‌ها و سایر نهادها و دستگاه‌های فرهنگی مکلفند شرایط اقامه امر به معروف و نهی از منکر و بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در این خصوص را از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی فراهم کنند.

ماده ۱۱- قوه قضائیه مکلف است به منظور تسریع در رسیدگی به جرائم موضوع این قانون شعب ویژه‌ای را اختصاص دهد.

تبصره- آمران به معروف و ناهیان از منکر مشمول حمایت‌های قضائی موضوع ماده (۴) قانون حمایت قضائی از بسیج مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱ مجلس شورای اسلامی می‌گردند.

ماده ۱۲- وزارت امور خارجه، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط موظفند اتباع خارجی را قبل و حین ورود به کشور نسبت به قوانین و مقررات و رعایت شئون اسلامی آگاه کنند.

ماده ۱۳- در مواردی که نسبت به امر به معروف و ناهی از منکر جنایتی واقع شود و جانی شناسایی نشود و یا در صورت شناسایی به علت عدم تمکن مالی ناتوان از پرداخت دیه در مهلت مقرر باشد، در صورت تقاضای دیه از سوی مجنی‌علیه یا اولیای دم حسب مورد، پس از صدور حکم قطعی از سوی مرجع صالح قضایی، دیه از محل تبصره ماده (۹) این قانون پرداخت می‌شود.

تبصره- هرگاه جانی شناسایی شود یا تمکن مالی پیدا کند، ستاد می‌تواند در صورت اذن مجنی‌علیه یا ولی وی حسب مورد نسبت به وصول دیه و خسارات مربوطه از طریق محاکم قضائی اقدام نماید.

ماده ۱۴- سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه امر به معروف و نهی از منکر به ثبت رسیده می‌توانند مطابق ماده (۶۶) قانون آئین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن اقدام کنند.

ماده ۱۵- هرگاه به فردی که در مقام اجرای امر به معروف و نهی از منکر موضوع این قانون اقدام می‌کند، آسیب جسمی یا جانی وارد شود؛ حسب مورد آسیب جسمی و جانی مزبور منطبق با قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام و آیین‌نامه اجرائی آن احراز و تعیین می‌شود.

تبصره- احراز شهادت یا جانبازی با پیشنهاد کمیته کشوری متشکل از نمایندگان: قوه قضائیه، نیروی انتظامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بنیاد شهید و امور ایثارگران و ستاد با تشخیص دادگاه صلاحیت‌دار صورت می‌گیرد.

ماده ۱۶- ستاد امر به معروف و نهی از منکر که در این قانون ستاد نامیده می‌شود؛ عهده‌دار وظایف زیر است:

۱- تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اساسی در زمینه ترویج و اجرای امر به معروف و نهی از منکر و پیشنهاد آن به مبادی ذی‌ربط

۲- تبادل اطلاعات و نظرات برای شکل‌گیری سیاست‌های مربوط به امر به معروف و نهی از منکر

- ۳- آسیب‌شناسی و ریشه‌یابی علل ترک معروف و ارتکاب منکر
 - ۴- تعیین الگوهای رفتاری
 - ۵- زمینه‌سازی جهت مشارکت همه‌جانبه آحاد مردم و دستگاه‌های اداری و رسانه‌های عمومی در امور مربوط به فریضه امر به معروف و نهی از منکر
 - ۶- رصد اقدامات انجام‌شده در اجرای این قانون و انعکاس آن به مراجع ذی‌ربط
 - ۷- تدوین راهبردهای آموزشی برای سطوح مختلف جامعه
 - ۸- آموزش و پژوهش و تحقیق در زمینه امر به معروف و نهی از منکر و ترویج گسترش فرهنگ آن
 - ۹- شناسایی ظرفیت‌ها و کمک به تشکیل جمعیت‌ها و تشکلهای مردمی فعال
 - ۱۰- حمایت همه‌جانبه از اقدامات قانونی آمران به معروف و ناهیان از منکر
 - ۱۱- پیگیری مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در ارتباط با تکالیف ستاد در خصوص راهکارهای اجرائی فرهنگ عفاف و حجاب
 - ۱۲- ارائه گزارش سالانه به مقام معظم رهبری و قوای سه‌گانه و مردم
- تبصره ۱- وزارت کشور پس از کسب نظر مشورتی ستاد، نسبت به صدور مجوز برای سازمان‌های مردم‌نهادی که در زمینه امر به معروف و نهی از منکر قصد فعالیت دارند، اقدام می‌نماید.
- تبصره ۲- ستادهای استانی و شهرستانی می‌توانند درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی برای تجمع و راهپیمایی در موضوعات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر را بررسی و در صورت تأیید، نظر مشورتی خود را جهت صدور مجوز حسب مورد به استانداری، فرمانداری یا بخشداری ارسال کنند.
- تبصره ۳- هرگاه مسؤولان ذی‌ربط با تشخیص مراجع قضایی بدون عذر موجه از صدور مجوز موضوع تبصره‌های (۱) و (۲) استنکاف نمایند؛ مستوجب مجازات موضوع ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲) می‌باشند.
- تبصره ۴- وظایف ستاد، نافی مسئولیت‌های وزرا، مسؤولان دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری، رؤسای قوای سه‌گانه و مراجع قضائی و ضابطان دادگستری در ارتباط با آنچه در این قانون مقرر شده، نمی‌باشد.
- ماده ۱۷- سازمان بسیج مستضعفین موظف است با به‌کارگیری آحاد بسیجیان در چارچوب قوانین نسبت به فرهنگ‌سازی و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در مرتبه زبانی اقدام کند.
- تبصره ۱- مفاد این ماده نافی مسئولیت ضابطان قضایی بسیج در مواردی که در قانون پیش‌بینی شده است، نمی‌باشد.
- تبصره ۲- تبصره (۳) ماده (۱) قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱ به شرح زیر اصلاح می‌شود:
- تبصره ۳- ستاد امر به معروف و نهی از منکر با همکاری سازمان بسیج مستضعفین برای مرتبه عملی امر به

معروف و نهی از منکر موضوع ماده (۴) قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر برای افراد مورد نیاز از سازمان بسیج مستضعفین به عنوان ضابطان امر به معروف و نهی از منکر دوره آموزشی برگزار کند. ماده ۱۸- دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ و مؤسسات و شرکت‌های خصوصی و مراکز خدمات عمومی و اماکن عمومی و واحدهای صنفی موظف به رعایت این قانون می‌باشند.

ماده ۱۹- اعضای ستاد امر به معروف و نهی از منکر به شرح زیر است:

- ۱- یکی از ائمه جمعه موقت شهر تهران به انتخاب شورای سیاستگذاری ائمه جمعه به عنوان رئیس ستاد
 - ۲- وزیر کشور
 - ۳- وزیر اطلاعات
 - ۴- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
 - ۵- وزیر آموزش و پرورش
 - ۶- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری
 - ۷- وزیر صنعت، معدن و تجارت
 - ۸- دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد کمیسیون فرهنگی و انتخاب مجلس به عنوان ناظر
 - ۹- نماینده تام‌الاختیار رئیس قوه قضائیه
 - ۱۰- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
 - ۱۱- رئیس سازمان تبلیغات اسلامی
 - ۱۲- فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
 - ۱۳- رئیس سازمان بسیج
 - ۱۴- دبیر ستاد ائمه جمعه
 - ۱۵- دو نفر مجتهد به انتخاب شورای عالی حوزه‌های علمیه
 - ۱۶- یک نفر مجتهد به انتخاب شورای عالی حوزه‌های علمیه خواهران
 - ۱۷- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد
- تبصره ۱- اشخاص دیگر نمی‌توانند به جای اعضای ستاد در جلسات شرکت کنند.
- تبصره ۲- مصوبات ستاد توسط رئیس جهت اجراء به مبادی ذی‌ربط ابلاغ و در چارچوب این قانون لازم‌الاجراء است.
- ماده ۲۰- ستادهای استانی و شهرستانی وظایف محوله در چارچوب این قانون را زیر نظر ستاد انجام می‌دهند.

اعضای ستاد استان عبارت است از:

- ۱- امام جمعه مرکز استان به عنوان رئیس ستاد

- ۲- استاندار
- ۳- مدیرکل اطلاعات استان
- ۴- مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۵- مدیرکل آموزش و پرورش
- ۶- رئیس یکی از دانشگاههای استان با انتخاب رئیس ستاد
- ۷- رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان
- ۸- دوفتر از نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجمع نمایندگان استان به عنوان ناظر
- ۹- دادستان مرکز استان
- ۱۰- مدیرکل سازمان تبلیغات اسلامی استان
- ۱۱- رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان
- ۱۲- مدیرکل صدا و سیما استان
- ۱۳- فرمانده ناجا در استان
- ۱۴- فرمانده ارشد سپاه در استان
- ۱۵- دبیرستاد ائمه جمعه استان
- ۱۶- یک نفر از مدیران مدارس علمیه استان به انتخاب شورای حوزه‌های علمیه استان
- ۱۷- مدیر مدارس علمیه خواهران در استان
- ۱۸- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد تبصره- ستاد استان مسئولیت ستاد شهرستان مرکز استان را نیز عهده‌دار است.
اعضای ستاد شهرستان عبارتند از:
 - ۱- امام جمعه شهرستان به عنوان رئیس ستاد شهرستان
 - ۲- فرماندار
 - ۳- رئیس اداره اطلاعات شهرستان
 - ۴- مدیر آموزش و پرورش شهرستان
 - ۵- رئیس یکی از دانشگاههای شهرستان به انتخاب رئیس ستاد شهرستان در صورت وجود
 - ۶- مدیر اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان
 - ۷- رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان
 - ۸- نماینده یا نمایندگان شهرستان در مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر
 - ۹- دادستان شهرستان
 - ۱۰- رئیس واحد خبر در شهرستان

- ۱۱- رئیس اداره تبلیغات اسلامی
 - ۱۲- فرمانده انتظامی شهرستان
 - ۱۳- فرمانده سپاه
 - ۱۴- یک نفر از مدیران مدارس علمیه شهرستان به انتخاب ستاد شهرستان در صورت وجود
 - ۱۵- مدیر یکی از مدارس علمیه خواهران شهرستان به انتخاب رئیس ستاد شهرستان در صورت وجود
 - ۱۶- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد
- تبصره ۱- هر یک از اعضای ستادهای مذکور باید شخصاً در جلسات حضور پیدا کنند.
- تبصره ۲- مصوبات ستاد در چارچوب اختیارات موضوع این قانون توسط رئیس جهت اجراء به مبادی ذی ربط ابلاغ می شود که برای آنها لازم الاجراء است.
- تبصره ۳- جلسات ستادهای موضوع این ماده و ماده (۲۰) این قانون با حضور اکثریت مطلق اعضاء رسمیت می یابد و مصوبات آن منوط به رأی اکثریت مطلق حاضران است.
- ماده ۲۱- دستگاههای اجرایی موضوع این قانون موظفند گزارش عملکرد خود را در مورد چگونگی اجرای این قانون حداقل شش ماه یکبار به ستاد ارائه دهند.
- ماده ۲۲- ستاد موظف است گزارش عملکرد سالانه خود را در هفته احیای امر به معروف و نهی از منکر به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.
- ماده ۲۳- علاوه بر استفاده از ردیف بودجه ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر جدول شماره (۱۷)- «کمک به اشخاص حقوقی غیردولتی موضوع جزء (۳) ردیف ۵۴۰۰۰۰۰ جدول شماره (۹)» به دولت اجازه داده می شود از بودجه فرهنگی دستگاههای اجرائی ذی ربط موضوع این قانون به امر به معروف و نهی از منکر اختصاص دهد.
- ماده ۲۴- دستورالعمل اجرائی این قانون توسط ستاد حداکثر ظرف مدت سه ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون تصویب و ابلاغ می شود.
- قانون فوق مشتمل بر بیست و چهار ماده و نوزده تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و سوم فروردین ماه یک هزار و سیصد و نود و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۲ به تأیید شورای نگهبان رسید.

فصل سوم:

دوره تربیت مربی

مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر

بسم الله الرحمن الرحيم

۱- هدف:

تامین مریبان مورد نیاز مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر

۲- منظور:

فراهم ساختن زمینه رشد اعضاء فرهیخته و فعال مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر و مستعد مریگیری در امر به معروف و نهی از منکر.

۳- مستندات:

الف- بند ۸-۳ از طرح مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر.
ب- بند ۳-۴ از قسمت تعهدات مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر تفاهمنامه مجمع با ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر به شماره ۳/۱۹۶۵ مورخه ۹۳/۵/۱.
ج- ماده ۸ قانون حمایت از آمرین به معروف و ناهیان از منکر مصوب مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۲۳

۴- تعاریف و اصطلاحات:

مری امر به معروف و نهی از منکر:

به فردی اطلاق می گردد که توانایی تدریس و تعلیم نظام آموزشی مجمع رهروان را برای داوطلبین و اعضاء مجمع داشته باشد.

مریگیری امر به معروف و نهی از منکر:

داشتن توانایی و دارا بودن مجوز تدریس سرفصلهای نظام آموزشی مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر.

۵- شرایط داوطلبین مریگیری:

الف- عضویت رسمی در مجمع رهروان حداقل به مدت سه ماه

ب- توانمندی درصحت قرائت قرآن و روایات.

ج- داشتن قدرت بیان و تبیین

د- شناخت کامل نسبت به مجمع رهروان شامل هدف، ماموریت، وظایف، ساختار، فرایند فعالیت

ه- متعهد به تدریس مطابق نظام آموزشی مجمع رهروان.

۷- مدت دوره:

طرح تربیت مری امر به معروف و نهی از منکر حداقل به میزان دو واحد درسی (۳۴ ساعت) است که به یک واحد (۱۷ ساعت) به صورت حضوری و یک واحد (۱۷ ساعت) به صورت غیر حضوری خواهد بود.

۸- روش اجرای طرح:

۸-۱- **حضور:** حاضر شدن در کلاس و فراگرفتن دروس ارائه شده و قبولی در آزمون پایانی

۸-۲- **غیر حضوری:**

- الف- استماع سه حلقه لوح فشرده شامل (۱) مهارت‌های زندگی (۲) مهندسی فرهنگی و (۳) معرفتی و زیر ساختی امر به معروف و نهی از منکر)
- ب- مطالعه کتاب خودشناسی موسسه منتظران منجی^(ع) و موفقیت به پاسخگویی به سوالات آزمون ذریبط.
- ج- انجام کارخواست و تحقیق خارج از کلاس و ارایه نتیجه تحقیق به صورت مکتوب.

۹- عناوین و سرفصلهای کلی طرح:

زمان	زیرفصل دروس	سرفصل کلی
۱	۱-۱- خداشناسی (تشریح توحید در ذات و صفات و افعال). ۲-۱- تبیین رحیمیت و رحمانیت پروردگار (در قرآن، در روایات، در لسان بزرگان).	
۱/۵	۳-۱- ضرورت انسان شناسی، خود شناسی به عنوان زیرساخت امر به معروف و نهی از منکر. ۴-۱- تشریح سیرسلوک الی الله آمرین به معروف و ناهیان از منکر به عنوان انسانهای مجاهد (از نظر قرآن، از نظر روایات، از نظر بزرگان).	۱- مروری بر جهان بینی الهی
۱/۵	۵-۱- جامعه شناسی از منظر اسلام ناب محمدی ^(ص) و جایگاه بندگان الهی در معارف نورانی الهی (در قرآن، در روایات، در لسان بزرگان). ۶-۱- تبیین ضرورت روانشناسی فردی و اجتماعی از منظر اسلام ناب محمدی ^(ص) .	
۱/۵	۱-۲- امر به معروف و نهی از منکر از منظر عقلی. ۲-۲- امر به معروف و نهی از منکر در آیات و روایات. ۳-۲- امر به معروف و نهی از منکر از جهت فقهی و اخلاقی.	۲- فلسفه و چیستی امر به معروف و نهی از منکر
۱/۵	۴-۲- امر به معروف و نهی از منکر در سیره پیامبر اعظم ^(ص) و ائمه معصومین ^(ع) و علما و بزرگان دین. ۵-۲- امر به معروف و نهی از منکر در کلام ولایت امر	
۱/۵	۱-۳- شناخت مراتب امر به معروف و نهی از منکر. ۲-۳- شناخت شرایط امر به معروف و نهی از منکر (شرایط امر و نهی - شرایط آمر و ناهی). ۳-۳- شناخت آداب امر به معروف و نهی از منکر.	۳- تبیین و تشریح مراتب، شرایط و آداب امر به معروف و نهی از منکر
۱/۵	۱-۴- جایگاه نصیحت در اسلام (در قرآن، در روایات، در فقه، در لسان بزرگان). ۲-۴- انواع امر به معروف و نهی از منکر (فردی، مدیریتی). ۳-۴- روشهای امر به معروف و نهی از منکر (گفتاری و نوشتاری و رفتاری).	۴- روش شناسی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر
۱/۵	۱-۵- حق خدا. ۲-۵- حق آمر و ناهی. ۳-۵- حقوق متخلف (امر و نهی گیرنده).	۵- رابطه امر به معروف و نهی از منکر با حقوق
۱	۱-۶- تشریح کلیات قانون امر به معروف و نهی از منکر. ۲-۶- تشریح کلیات قانون عفاف و حجاب.	۶- امر به معروف و نهی از منکر در

زمان	زیرفصل دروس	سرفصل کلی
۱/۵	<p>۳-۶- تشریح ماموریت و وظایف قانونی نیروی انتظامی و بسیج مستضعفین در اجرای امر به معروف و نهی از منکر.</p> <p>۴-۶- تشریح کلیات طرح های قرارگاه سیدالشهداء(ع).</p> <p>۵-۶- تشریح طرح ارتقاء انضباط اجتماعی.</p> <p>۶-۶- تشریح چشم انداز، ماموریت، وظایف، سیاستها و برنامه های مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر و معرفی سایر گروه های مردمی.</p>	قوانین کشوری و وظایف سازمانی دستگاه های ذیربط
۲	<p>۱-۷- آسیب های امر به معروف و نهی از منکر.</p> <p>۲-۷- شبهه شناسی و نحوه پاسخگویی به شبهات.</p> <p>۳-۷- عکس العمل ها و نحوه و مهیا بودن برای پاسخگویی متقن و مستدل.</p>	۷-آسیب شناسی امر به معروف و نهی از منکر
۱۷	<p>۱-۸- تحقیق کلاسی</p> <p>۲-۸- کارورزی</p>	۸- پژوهش و تحقیق و تمرین
۱	آزمون کتبی دوره	
۳۴	جمع ساعات	

منابع و مأخذ :

- ۱) قرآن مجید
- ۲) نهج البلاغه دشتی
- ۳) تفسیر المیزان
- ۴) تفسیر نمونه
- ۵) تفسیر نور الثقلین
- ۶) بحار الانوار،
- ۷) مستدرک الوسایل
- ۸) تحف العقول، ترجمه احمد جتّی
- ۹) اصول کافی
- ۱۰) غرر الحکم و درر الکلم
- ۱۱) علل الشرائع
- ۱۲) صحیفه نور
- ۱۳) تحریر الوسیله
- ۱۴) تهذیب الأحکام
- ۱۵) مجموعه آثار شهید مطهری (ره)
- ۱۶) یادداشتهای استاد مطهری، ج ۱
- ۱۷) رهنمودها و بیانات حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی)
- ۱۸) جامعه و تاریخ، محمدتقی مصباح یزدی، قم، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲،
- ۱۹) روزنامه رسمی جمهوری اسلامی
- ۲۰) مصوبه شماره ۸۳-۱۰۶۶۶۷ مورخه ۱۳۹۲/۹/۱۶ وزارت کشور.
- ۲۱) قانون اساسی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران .
- ۲۲) معیارها و عوامل تمدن از نظر قرآن
- ۲۳) کشکول شیخ بهایی ، تهران، گلی، ۱۳۷۸
- ۲۴) عبرتها در آینه داستانها، احمد دهقان، انتشارات نهاوندی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش

حضرت امام خامنه ای عزیز (مدظله العالی)

مسئله امر به معروف و نهی از منکر، مثل مسئله نماز است. یادگرفتنی است. باید بروید یاد بگیرید. مسئله دارد که کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد؟ البته من عرض می‌کنم - قبلاً هم گفته‌ام - در جامعه اسلامی، تکلیف عامه مردم، امر به معروف و نهی از منکر با لسان است؛ با زبان. اگر کار به برخورد بکشد، آن دیگر تکلیف مؤولین است. آنها باید وارد شوند. اما امر به معروف و نهی از منکر زبانی، مهمتر است. عاملی که جامعه را اصلاح می‌کند، همین نهی از منکر زبانی است. به آن آدم بدکار، به آن آدم خلافتکار، به آن آدمی که اشتهاء فحش می‌کند، به آن آدمی که می‌خواهد فحش گناه را از جامعه ببرد، مردم باید بگویند. **ده نفر، صد نفر، هزار نفر! افکار عمومی روی وجود و ذهن او باید سنگینی کند.** این، سنگنده‌ترین چیزهاست. همین نیروهای مؤمن و بسیجی و حزب‌اللهی؛ یعنی همین عامه مردم مؤمن؛ یعنی همین اکثریت عظیم کشور عزیز ما؛ **همینایی که جنگ را اداره کردند؛ همینایی که از اول انقلاب تا به حال با همه حوادث مقابله کردند، در این مورد مهم‌ترین نقش را می‌توانند داشته باشند.**

